

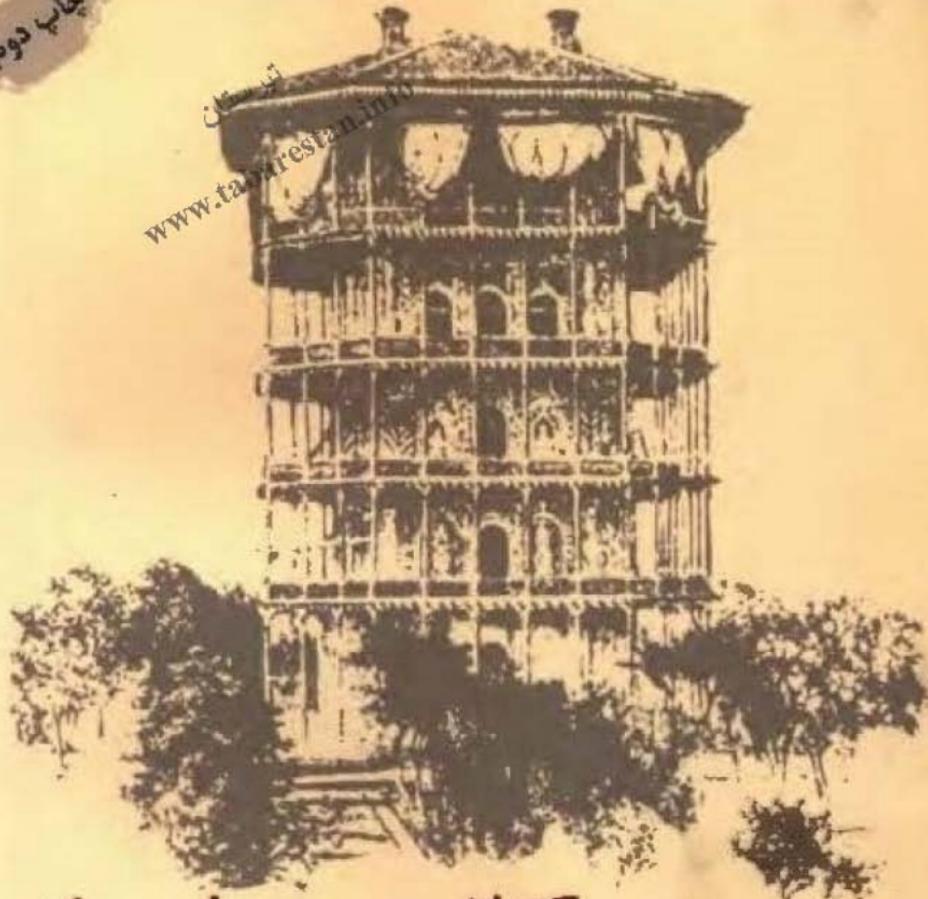


داستان‌های فیض و تهمی گیلان

۸

جلد دوم

تیران  
www.tajarestan.info



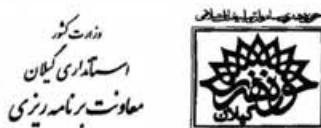
# گیلان در سفرنامه‌های سپاهان ایرانی

هوشنگ عباسی

بسم الله الرحمن الرحيم



گیلان در سفرنامه های  
سیاحان ایرانی



- 
- سرشناسه : عباسی، هوشنگ، ۱۳۳۳.  
عنوان و پدیدآور : گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / هوشنگ عباسی.  
مشخصات نشر : رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۶  
مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.  
فروست : دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان: ۸  
شابک : 964-2535-34-3  
یادداشت : فیبا.  
موضوع : گیلان — سیر و سیاحت.  
ردبندی کنگره : ۲: ع۸۳ / ۲۰۴۹ DSR  
ردبندی دیوبی : ۹۵۵ / ۲۳  
شماره کتابخانه ملی: ۴۶۱۱۹ - ۸۵ .م.
-



دانشنامه‌ی فرهنگ و مدنیت گیلان

تبرستان

www.tabarestan.info

# گیلان در سفرنامه‌های سیّاحان ایرانی

هوشنگ عباسی

### یادداشت شورای پژوهشی دانشنامه

ایران زمین، پهنه‌ی گسترده‌ای است با اقلیم‌ها، فرهنگ‌ها و خردۀ فرهنگ‌های گوناگون. شناخت و معرفی این اقلیم‌ها، نقشی بسزا در شکل‌گیری فرهنگ ملی دارد.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان بر آن است تا با معرفی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی این بخش از سرزمین ایران، گامی کوچک در شناخت فرهنگ بومی و ملی بردارد.

این مجموعه با همراهی و همدلی گروهی از پژوهشگران فرهیخته‌ی دیارمان و با همت معاونت محترم برنامه‌ریزی استانداری گیلان، حوزه‌ی هنری گیلان و دوستانمان در انتشارات فرهنگ‌ایلیا به سرانجام رسیده است. تلاش همه‌ی آنان را ارج می‌نهیم.

فرامرز طالبی مسعود پورهادی  
هادی میرزا زاده موحد

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## یادداشت حوزه‌ی هنری

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

گیلان بسی هیچ گزافه و گمان، یکی از کهن‌سال‌ترین نهستگاه‌ها و خاستگاه‌های فرزندان ایران زمین است. این سرزمین سحرانگیز و خرم چون رشک بهشت، فراخنای تاریخ ایران و فرازگاه تاریخ تشیع ایران است. گیلان از دیرین روزگاران، پناهگاه گریزندگان از ستم خلفاً بوده و چه بسیار از دین‌داران و پناه‌آورانی که در این دیار بالیدند و با یاری مردمان آن، حکام جور و ستم را از تخت فروکشیدند.

این دیار همان دیاری است که علویان را از تیغ ستم خلفای اموی و عباسی پاس داشت، همان دیاری است که بیگانگان یونانی، عرب و ترک هرگز نتوانستند بر آن دست یازند و از آن باج ستانند.

ولی امروز از گیلان بزرگ چه مانده است جز نشانه‌هایی در دل کتاب‌های تاریخ و بنایی که رو به ویرانی‌اند و یادها و نواهایی در باورها و آیین‌ها و آواهایی که بر زبان مردان و زنان این دیار به زیبایی نشسته‌اند و بر شیوه‌های زیست مردم این سامان دلالت دارند.

برای شناخت آن‌چه از این میراث بزرگ مانده است، باید گام‌های استوار برداشت و دستاورد پژوهش‌ها و تحقیقات اندیشمندان را گرد آورد و به نسل جوان و نسلی که فردای این دیار از آن اوست، سپرد.

شناخت و بازکاوی این زوایای آشکار و پنهان از سال‌ها پیش اساسی‌ترین دغدغه‌ی فکری و فرهنگی ما بود و امروز دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان گامی کوچک ولی محکم در راستای رسیدن به این هدف است.

این مجموعه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های جمعی از گیلان‌شناسان زیده است. پُربی راه نیست که برنامه‌ریزان بتوانند از تنازع این مطالعات و پژوهش‌ها در روند توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی استان سود ببرند.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی کوشندگان این کار سترگ، به ویژه محققان و پژوهندگان، ناشر گرامی و شورای محترم پژوهشی دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان تقدیر نمایم و سپاس‌گزار معاون محترم برنامه‌ریزی استانداری گیلان باشم که مشوق ما برای ادامه‌ی این راه هستند.

غلام‌رضا قاسمی

## فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
سفرنامه حکیم ناصرخسرو قبادیانی مروزی .....	۱۳
بستان السیاحه شیروانی .....	۱۵
سفرنامه استرآباد و مازندران و کیلان .....	۱۶
سفرنامه سیف‌الدole .....	۴۵
سفرنامه صنیع‌الدوله .....	۵۱
سفرنامه عزالدوله به اروپا .....	۵۲
سفرنامه فرهاد میرزا .....	۵۴
سفرنامه حاج سیاح محلاتی .....	۶۱
سفرنامه حسام‌السلطنه .....	۶۴
سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی .....	۶۶
سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی .....	۹۵
سفرنامه امین‌الدوله .....	۹۷
سفرنامه مظفرالدین‌شاه به فرینگ .....	۱۰۶
سفرنامه ظهیر‌الدوله .....	۱۱۶
سفرنامه عتبات و مکه از نویسنده‌ی گمنام قاجار .....	۱۲۷
سفرنامه مخبر‌السلطنه .....	۱۲۹
سفرنامه مکه معظمه از حاج ملک .....	۱۲۹
سفرنامه میرزا‌سراج .....	۱۳۱
سفرنامه سردار ظفربختیاری .....	۱۳۳
کتاب‌نامه .....	۱۳۶
نمایه.....	۱۳۸
چکیده‌ی انگلیسی .....	۱۴۳

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## پیش‌گفتار

سفرنامه‌ها (travel books) شاخه‌ای از فرهنگ و ادبیات‌پژوهی ملت‌اند و غالباً یک نوع ادبی شمرده می‌شوند. یادداشت رویدادهای سفر، ثبت مشاهدات و دقت در ویژگی‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...، ابعاد گوناگون زندگی اقوام را در موقعیت‌های زمانی و جغرافیایی مشخص به تصویر می‌کشند و از این رو، سفرنامه‌ها از منظرهای گوناگون دارای ارزش و قابل بررسی هستند. پایگاه اجتماعی و نگاه ویژه‌ی سفرنامه‌نویسان نیز که بیشتر در شمار سیاستمداران، نویسندهان و روشنفکران، دانشوران و... هستند، بر اهمیت سفرنامه‌ها می‌افزاید.

این کتاب معرفی ابعاد مختلف اقلیمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی است. هدف نگارنده بررسی سفرنامه‌ها و تحلیل مطالب آن‌ها نبود، بنابراین به ارائه مستقیم مطالب مربوط و دسته‌بندی موضوعی آن‌ها بسته شد. در کتاب ۱۹ اثر سفرنامه‌نویسان ایرانی، معرفی و طبقه‌بندی موضوعی شده‌اند. برخی از این آثار عنوان سفرنامه ندارند، اما گزارش و خاطرات سفر نویسندهان هستند و می‌توان آن‌ها را در این نوع (genre) گنجاند. سفرنامه‌ها به ترتیب سال ورود نویسندهان، در کتاب آمده‌اند و مطالب آن‌ها به طور مستقل دسته‌بندی شده است. هم‌چنین از ارائه بخشی از مطالب تکراری،

مشخصاً در زمینه‌ی آب و هوا و مشخصاتِ آبادی‌ها، پرهیز کرده‌ایم. جز سفرنامه‌ی ناصرخسرو، همه‌ی سفرنامه‌های معرفی شده مربوط به دوره‌ی قاجار، به ویژه دوران حکومت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه هستند. گفتنی است که در دوره‌ی قاجار، به علت دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز گسترش راه‌ها و امکانات سفر، سفرنامه‌نویسی رونق گرفت و گیلان نیز از آن بهره‌ی تجیابان برداشت. در این دوره، دگرگونی گسترده در سامان‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که بر بستر تضاد سنت و مدرنیسم شکل گرفت، نیاز به شناختِ دقیق ابعاد زندگی مردم، به ویژه اقوام مختلف ایرانی را در پی داشت.

نویسنده‌گان سفرنامه‌ها پایگاه‌های طبقاتی، اجتماعی و فکری متفاوتی داشته و از نظرِ مدتِ اقامت در گیلان، محل‌های اقامت، ارتباط با لایه‌های اجتماعی و... نیز متفاوت بوده‌اند، از این رو در گزارش آن‌ها با تفاوت دیدگاه رویبرو هستیم. هم‌چنین به علت ناآشنایی نویسنده‌گان، در پاره‌ای موارد اطلاعاتِ نادرست یا متناقض، به ویژه در ثبت نام جای‌ها، ارائه شده است که بررسی و راست‌سنجی آن‌ها از محدوده‌ی این اثر بیرون است.

امیدوارم این کتاب به آشنایی بیشتر گیلانی‌ها با پیشینه‌شان بینجامد و پژوهشگران حوزه‌های مختلف گیلان‌شناسی را به کار آید. از شورای پژوهشی دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان و مسئولان انتشاراتِ فرهنگی ایلیا که زمینه‌ی نشر این اثر را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزارم.

## ● سفرنامه حکیم ناصرخسرو قبادیانی مروزی (سال ورود: ۴۳۸ق)

ناصرخسرو (۴۹۴ - ۴۸۱ق) در سال ۴۳۷ق سفری طولانی را به قصد زیارت کعبه آغاز کرد و پس از عبور از قزوین، در سال ۴۳۸ق، به دهی به نام خرزویل وارد شد. دکتر محمد دیرسیاقی در زیرنویس متن سفرنامه، خرزویل را مرزویل و داخل پرانتز با علامت سؤال، هرزویل نوشته است. دکتر نادر وزین پور نیز در واژه‌نامه سفرنامه ناصرخسرو، خرزویل را هرزویل دانسته است. باید یادآوری شود که روستای خرزویل کیلومترها با آبادی هرزویل فاصله دارد.

آبادی‌ها: روستای خرزویل: دوازدهم محرم سنه شمان و ثلاشین و اربع ماهه از قزوین برftم به راه بیل و قپان که رستاق قزوین است و از آنجا به دیهی در دهی که خرزویل خوانند.

روستای برزالخیر: ...چون از آنجا برftم، نشیبی قوی بود، چون سه فرسنگ برftم، دیهی از حساب طارم بود، برزالخیر می‌گفتند، گرمییر بود و درختان بسیار از انار و انجیر بود و بیشتر خودروی بود.

روستای شاهرود، روستای خندان: ...و از آنجا برftم رودی پُر آب بود که آن را شاهرود می‌گفتند. بر کنار رود دهی بود که خندان می‌گفتند و باج می‌ستاندند از جهت امیر امیران و او از ملوک دیلمان بود.

**رودخانه‌ها:** رودخانه و دره سپیدرود: ... و چون آن رود [شاہرود] از این دیه [خندان] بگذرد، به رودی دیگر پیوندد که آن را سپیدرود گویند. و چون هر دو رود به هم پیوندد، به دره‌ای فرو رود که سوی مشرق است از کوه گیلان و آن آب به گیلان می‌گذرد و به دریای آبسکون می‌رود.

**راه‌ها:** خندان تا شمیران: خندان تا شمیران سه فرسنگ بیابانکی است همه سنگلاخ و آن قصبه ولايت طارم است.

**قلعه‌ها:** قلعه شمیران: ... و به کنار شهر قلعه‌ای بیلند بنیادش بر سنگ خاره نهاده است. سه دیوار برگرد او کشیده و کاریزی به میان قلعه فرو برده تا کنار رودخانه که از آنجا برآورند و به قلعه برند و هزار مرد از مهترزادگان ولايت در آن قلعه هستند تا کسی بیراهی و سرکشی نتواند کرد.

**بزرگان و مشاهیر:** عدالت پروری چشتان ابراهیم، امیر دیلم: گفتند آن امیر را قلعه‌های بسیار در ولايت دیلم باشد و عدل و ایمنی تمام باشد، چنان که در ولايت او کسی نتواند که از کسی چیزی بستاند و مردمان که در ولايت اوی به مسجد آدينه روند، همگی کفش‌ها را بیرون مسجد بگذارند و هیچ کس کفش آن کسان را نبرد. و این امیر نام خود را بر کاغذ چنین نویسد که: مرزاں الڈیلم جیل چیلان ابو صالح مولیٰ امیر المؤمنین و نامش چشتان ابراهیم است.

**ابوالفضل بن علی الفیلسوف:** در شمیران مردی نیک دیدم، از دریند، نامش ابوالفضل خلیفه بن علی الفیلسوف. مردی اهل بود و با ما کرامت‌ها کرد و کرم‌ها نمود و با هم بحث‌ها کردیم و دوستی افتاد میان ما.

(ناصرخسرو قبادیانی: صص ۶ - ۸)

## • بستان السیاحه شیروانی

(سال ورود: ۱۲۴۷ ق)

زین العابدین شیروانی (۱۱۹۴-۱۲۵۳ ق)، متخلص به تمسکی، ادبی، صوفی مسلک بود. شیروانی در شهر شماخی به دنیا آمد و از وی آثاری چند منتشر شده است.

رشت: در میان جنگل عظیم و در یک فرسخی کثیره و ۴ فرسخی بحر خزر واقع است و اطرافش نیز جنگل پردرخت و تردد و آمدوشد مسافران بسیار سخت است.

مذهب: مردمش همگی شیعی مذهب‌اند.

سیما و چهره: ... مردم سفیدچهره و از متعای حُسن فی الجمله باهرا‌اند. اخلاق مردمان: عموماً شورانگیز و فتنه‌طلب و بددل و جبن دارند و جماعت پلید و از معارف انسانی بعید و غدارند.

اقتصاد: برج: برنج فراوان و ممتاز و ابریشم بسیار رو به امتیاز است.

مرکبات: بعضی از مرکبات، مانند نارنج و ترنج، در آن دیار بسیار [است].

تجارت: ارباب دولت و تجارت از هر فرقه بی شمار است.

مسکن: همگی دو طبقه و شیروانی پوش و اکثر سفالی هستند...

بیماری‌ها: در سال ۱۲۴۷ ق طاعون ۶۰۰۰۰ نفر را در رشت کشت.

بزرگان و مشاهیر: از برکت انفاس قدسی اساس جناب شیخ ما [زاهد گیلانی] قدس سرہ العزیز، جمعی از اهل تمیز و عارف از همه چیز، از آن‌جا ظهور نموده‌اند.

وجه تسمیه: رشت لفظ رشت در لغت فُرس خاک روب را گویند و در عُرف، نام شهری است بزرگ و بندری سترگ؛ آن شهر دارالملک گیلان و سوادِ اعظم آن مکان است و محتوى است بر قصبات معموره و نواحی مشهوره... (شیروانی: ص ۲۹۵)

## ● سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان (سال ورود: ۱۲۷۶ ق)

این سفرنامه تألیف میرزا ابراهیم گیلانی است. وی دستیار دُزْن، ایران‌شناس آلمانی تبار بود که برای گردآوری اطلاعات و مطالعه درباره اقوام ساکن حاشیه دریای خزر، به گیلان آمد.

تبرستان

**موقعیت جغرافیایی:** لاهیجان: حدود ملک لاهیجان، سمت جنوب کومل و لیل که سامان عمارلو است، مابین غربیه و جنوب پشاکجی سامان نصرالله آباد، ملک نواب یحیی میرزا است، غربیه چهارده کشیده الى حسن‌کیاده و لشت‌نشا کنار بحر خزر است. شمالیه کنار بحر خزر گرفته الى دهنۀ لنگرود و شرق لیله کوه کشیده الى دیوشل که ملک دیلمانی‌ها و خاک رانکو است....

رحمت‌آباد: حدود ملک رحمت‌آباد، قبله از منجیل و لوشان کشیده الى بیلاقی برک‌سر و شریک‌ده عمارلو، شرقیه از شریک‌ده به وشن کشیده الى درۀ سینه‌رود و از آن‌جا به شهیدان، سرحد دیلمان. شمالیه از شهیدان کشیده به راه شاهی بزرگ رنکه و از آن‌جا راسته مرز مشهور تا به راهدار پشتۀ سفیدرود، سامان سیاه‌کل [سیاهکل]. غربیه از راهدار پشتۀ سیاه‌کل کشیده به روختانه سفیدرود الى منجیل....

لشت‌نشا: جانب مشرق شهر رشت در چهارفترسخی و جنوب بحر خزر....  
گیل دولاب: ولایت تالش دولاب یا گیل دولاب که جانب مغرب گیلان واقع است.

اسالم: حدود ملک اسلام: شرق، دیناچال ملک تالش دولاب غربی - کلف رود ملک گرگان رود. جنوب، کوه البرز ملک خلخال. شمال، بحر خزر.

عرضًا دو فرسخ. طولاً الى خلخال ده فرسخ....

منجیل: در منجیل وقت ظهر الی نیمه شب چنان باد می آید که درخت‌ها را خم نموده است و یک دفعه چنان شد که یک نفر آدم را باد از روی پل برداشت و میان رودخانه سفیدرود انداخت... هرکس می خواهد قبله منجیل را بشناسد، نظر به درخت‌های زیتون منجیل بنماید که به سمت جنوب خم شده‌اند....

چشم‌های آب گرم: عمارلو: بیست چشمه آب گرم زیادتر در عمارلو می باشد و آب که از چشم‌های بیرون می آید، سنگ می شود. چشم‌های دارد که آب او را هر حیوان بخورد، می میرد.

رحمت‌آباد: دو حوض آب گرم در رحمت‌آباد می باشد. یکی نزدیک کلشتر در کنار سفیدرود و یکی در رودخان سندس.  
سنگ رود: آب گرم دارد.

رودخانه‌ها: سرخانی / سفید تمش: کنار دریا رودخانه سُرخانی است مشهور به سفیدتمش که حد سر گیلان و مازندران می باشد.  
قاسم‌آباد: از رودخانه سُرخانی و چهارچوی آب، نیم فرسخ گذشته، رودخانه میان‌دهرود است، بعد اچارود. از اچارود رد شده، نه رود کوچک و از اوشیان رود گذشته، قاسم‌آباد است. یک فرسخ رد شده، رودخانه قاسم‌آباد است.

خشکرود: رودخانه بزرگ خشکرود از سیاه کله رود می گذرد... آبش بسیار گوارا و پاکیزه است و از کوه سماموس می آید.

سیاه‌رودبار و گوهررود رشت: دو مجراء رودخانه در خارج شهر می باشد که ارباب سلیقه از آب رودخانه می آشامند. یک مجراء که سیاه‌رودبار باشد از کهدم می آید و رودخانه دیگر که گوهررود باشد از شفت می آید. به جهت

آشامیدن، آب گوهر رود بهتر است... هر دو داخل مرداب می‌شوند.  
سیاهکله‌رود: ... از محله او طاق سرازیر گردیده، می‌رسد به کنار دریا. سر  
رودخانه خشک‌رود گذشته، ایضاً رودخانه کهنه خشک‌رود است، بعد  
رودخانه لزرجان و رودخانه گزاف‌رود است... رد شده، شمشادستان ملک  
لیموجو است، می‌رسد به سر رودخانه پلورود... و آب این رودخانه از کوه  
سمام می‌آید... چهار رودخانه کوچک‌است، اسم اولی: شیر محله، دویم:  
گیلاک‌جان، سیم: سالوم محله، چهارم: بلالم می‌رسد به رودخانه  
دوست‌کوه... رد شده، از رودخانه دیگر عبور نموده، از کنار دریا رد شده،  
می‌رسد به رودخانه شیرارود... و آبش از شاخه پلورود است که از ماقچیان  
جدا می‌شود....

شلمان‌رود: ... از رودخانه لیلاکوه گذشته سرپالا است....

فونم: رودخانه‌های بزرگ دارد که داخل دریا و مرداب انزلی می‌شوند.

تولم: یازده مجا رودخانه دارد که به مرداب انزلی داخل می‌شود.

تالش‌دولاب: شش مجا رودخانه به شرح ذیل از تالش‌دولاب داخل مرداب  
انزلی می‌شود: ۱. ملک‌حاله ۲. بجار‌حاله ۳. کچلک ۴. صفحی‌حاله ۵. شیل  
۶. کرگان.

ایضاً هشت مجا رودخانه از تالش‌دولاب داخل بحر خزر می‌شود که  
اول ملا رود ربع فرسخ گذشته ۲. آشورکند ۳. شفارود ۴. سندیان  
۵. نوکنده ۶. آله‌کام. ۷. سیمبرخاله ۸. دیناچال، حد سد تالش‌دولاب با  
اسالم ....

آستارا: اسامی رودخانه‌های آستارا که از حد کرگان‌رود به سرحد دولت  
بهیه روسيه دو فرسخ و نیم است: ۱. چلوند ۲. لوندویل ۳. خواجه کاری  
۴. رودخانه‌های خود آستارا.

اسالم: نه مجرما اسم ندارد [و سه مجرما به اسمی زیر نامیده می‌شوند:]

۱. خاله سرا. ۲. آلان. ۳. نوارود.

کرگان‌رود: ۱. گلفرود. ۲. هنده‌کران. ۳. طول‌رود. ۴. تاکی. ۵. عماله‌جو  
۶. کرگان‌رود. ۷. پشته. ۸. خواجه‌کاری. ۹. پلک‌هنوی. ۱۰. قوزک  
۱۱. قوبنیل‌جو. ۱۲. سرداد‌خاله. ۱۳. کیده‌دهنه. ۱۴. طالب‌دهنه  
۱۵. مسدوار. ۱۶. لیسار. ۱۷. بوره‌سرا. ۱۸. خطیب‌سرا. ۱۹. شله‌وار  
۲۰. هویق. ۲۱. هنزنی. ۲۲. چوار. ۲۳. نمیر.

رحمت‌آباد: اسمی رودخانه‌های رحمت‌آباد که ساحل سفیدرود می‌شود:  
۱. حرزه‌بیل. ۲. کلستر. ۳. آقوزین. ۴. علی‌شاه رود. ۵. گُرتوم. ۶. گوه‌رود  
نصفی. ۷. سیاه‌رودخان - از بالا دو شعبه است که یکی از خرکام و یکی از  
دوگاه می‌آید. در این رود ماهی آزاد و ماهی کولی به عمل می‌آید.  
۸. خرشک‌رود - از آن ماهی آزاد و قزل‌آل‌صید می‌شود. ۹. شهران  
- ۱۰. حلیمه‌جان. ۱۱. سندس. ۱۲. براگور. ۱۳. رودخانه ذوله‌کی شهری‌جار -  
از آن ماهی آزاد صید می‌شود. ۱۴. رودخانه کوکنه. ۱۵. رودخانه شیخ‌علی  
طوسه.

شفت: رودخانه‌های شفت که پسیخان و گوه‌رود باشد، داخل مرداب و  
دریای انزلی می‌شود.

کوه‌ها: رحمت‌آباد: کوه بزرگ رحمت‌آباد در فک شد که چاه یخ دارد و یخ  
می‌بندند و ایام تابستان به مصرف می‌رسانند و وقتی در رشت یخ کمیاب  
باشد، از آن می‌برند.

کرگان‌رود: کوه‌هایی که در مقابل دهات است به اسم همان ده خطاب  
می‌شود. مثلاً نمیر در مقابلش کوه هست، می‌گویند نمیرداغی و کوه نمیر.  
یا خطیب‌سرا مقابلش کوه می‌باشد، می‌گویند کوه و یلاق خطیب‌سرا....

**غارها:** رحمت‌آباد (درفک): مغاره‌ای در سمت شمالی دارد که می‌گویند در میان او به مثل آدم و زن و بچه با گهواره و خیک پنیر، سنگ شده است و انتهای ندارد و تا خراسان می‌باشد و تاریک است و باید با چراغ رفت. و ایضاً از چاه بین درفک مغاره‌ای دیگر دارد، الی به معارة رشی رو دخان بیرون می‌آید. و حصاری از قدیم دور چاه درفک کشیده‌اند و هر ساله به جهت تردد مردم و گله گوسفند و بز، پلاره‌ای از سنتگرهای حصار ریخته می‌شود، بدون آنکه کسی تعمیر نماید، اول بهار که بیلاق می‌روند، بدون عیب و نقص می‌بینند که به احوال سابق ساخته شده است.

**درختان:** اوطاق رانکوه: مرکبات در این بلوک بسیار می‌باشد.

رحمت‌آباد: درخت‌های بی‌میوه و میوه‌دار: راج، مازو، آزاد، سمد، اولس، کی کین، ٹویه، گوول، توسه، چپت، قطران، رزبین سرو - که اسم یک درخت است، بید و بیدمشک، آبرس، چرم لیوه، شمشاد، شب خُس، نونچ - که چوبش قرمز است، پلذ، وَنْ، چنار، شال که صنوبر باشد، سالف، قراتیکان، ازگیل، امرود، به، تبرغو، داغداغان، گیلاس، انگور، سیب، انار، انجیر، آلوچه، زرشک، گردو، بادام تلخ، یمیشان قرمز و سیاه، میوه‌جات‌آبادی، زیتون، انار تُرش و شیرین، انجیر، انگور، به، سیب، آلوچه، شفتالو، زردآلو، شاه‌توت سیاه، گردو، فندق، امرود. در دهات پایین درخت مرکبات دارد و گلپر و سیاه‌دانه و رزک و ثعلب با توت‌زمینی بسیار است، که اهل رحمت‌آباد توت زمینی را چومنوی و به زبان تالشی رار او به زبان شفتی چنارک می‌نامند.

عمارلو: میوه‌جات به قدر کفاف از قیل انگور و انجیر و غیره دارند.

**باغ‌ها:** رشت: در محله کیاب یک میدان سبزه‌زار باصفا دارد که دوره درخت‌های آزاد از قدیم کاشته‌اند و مشهور است به سبزه میدان....

قاسمآباد: باغی ساخته‌اند که دوازده هزار درخت مرکبات از هر قسم دارد.  
لامیجان: ... خارج شهر، میدان سبزه‌زار دلگشا دارد که مشهور است به سبزه‌میدان که آخرش اسطlux پر از آب می‌باشد که در وسطش خشکی است.

جانوران: رحمت‌آباد: از مقابل نقل‌بر به بالا به قشلاق، مارِ گزنده و عقرب و هزارپا و رطیل بسیار دارد و از جانورهای درونده، ببر، پلنگ، خرس، گرگ، شغال، روباء و یک جور پلنگ کوچکی دارد که اسمش را ورشه می‌گویند و در سمت قریه کلشتر، کفتار، خارپشت، خورکه و گورشكاف و خرگوش و دله رزدابه و شنگ و گربه و موش کوهی بسیار است. از قبیل شکار کوهی، گوزن، بُز کوهی، آهو....

شفت: ... در بیلاق، مارِ گزنده، کک، کنه و از قبیل کبک، گاو کوهی، بُز کوهی، و از درونده، ببر، خرس، گرگ، پلنگ، گراز، روباء و موش کوهی و در قشلاق، ببر، شغال، گراز، خورکا....

افزلى: ... خرگوش و شغال و گراز، حیوان دیگر ندارد. در انزلی کک و پشه بسیار است و در پاره‌ای خانه‌ها ساس دارد.

کرگان‌رود: ... و در کوه‌های کرگان‌رود مارِ گزنده و ببر و پلنگ و گرگ و خرس و شغال و روباء و خرگوش و موش کوهی بسیار است که در بیلاق و قشلاق می‌باشد و مارِ گزنده در قشلاق ندارد. از قبیل شکارِ کوه، گاو کوهی، بُز کوهی، پرزه، گوسفند و پشه و ساس و کک زیاد است.

پرندگان: رحمت‌آباد: قرقاول، کبک، کبوتر و نیهو و از قوش‌های شکاری ترلان کم است و قزلقوش و قرقی و لاقین و قراقوش و دال پرنده بزرگ لاشخور....

رودبار: کبک و سایر شکار وفور است.

شفت: قرقاول بسیار است....

تولم: غاز فراوان دارد....

کرگان‌رود: کبک و در قشلاق قرقاول بسیار است... . از قوش‌های شکاری ترلان و لاقین و قزل و قرقی بسیار می‌باشد. و یک مردابچه‌ای در شوار دارد که اسمش پلاس می‌باشد و نیزار است و قوش‌های شکاری در آن جا آشیانه دارند و حاکم مستحفظ گذارده است، می‌گیرد و به تهران و به هرجا بخواهد می‌فرستد.

قومیت: شاندرمن و اسلام: نیمی تالش و نیمی گیلک می‌باشند.

دیلمان: شخص خانه‌وار یهودی در قریه سیاه‌کل ساکنند.

دین و مذهب: کرگان‌رود: خانه‌وار از شیعه و سنی شش هزار و نهصد و نود و پنج باب... طالش؛ نصف کرگان‌رود شیعه و نصف دیگر سنی می‌باشند.... .

لاهیجان، رشت، انزلی و گیل‌دولاب: شیعه مذهب هستند.

اسلام: دو ثلث سنی، یک ثلث شیعه مذهبند.

زبان: کرگان‌رود: زبان‌شان تالشی و ترکی [است].... .

عمارلو: زبان‌شان گُردی عمارلو و زبانِ رعیت تاتی و گیلکی است، فارسی هم می‌دانند.

رودبار: زبان‌شان تاتی و گیلکی است، فارسی هم می‌دانند.

گیل‌دولاب: زبان‌شان گیلکی است. تالشی و ترکی و اکثرشان فارسی هم می‌دانند.

گیل‌گسکر و انزلی: به گیلکی حرف می‌زنند.

آبادی‌ها: قاسم‌آباد: ملکِ میرزا عبدالباقي منجم‌باشی است. دو محله

دارد که محله بالا نیم فرسخ به کنار دریا مسافت دارد.

اوطاق: محله اوطاق به پای کوه واقع است.... .

سیاه‌کله‌رود: بلوک سیاه‌کله‌رود در جمع بلوکات رانکو است و بلوک‌باشی این بلوک، پسران محمدقلی‌بیک بلوک‌باشی، میرزا فتح‌الله و میرزا سداله و میرزا عبدالوهاب می‌باشند و اسمی دهات سیاه‌کله‌رود: ۱. چایی‌جان ۲. ٹساکو ۳. شاقوزبینی ۴. چاقونی محله ۵. گل محله ۶. خشکلات ۷. رضامحله ۸. کرجی محله ۹. باغ‌دشت ۱۰. شامرا محله ۱۱. میران محله ۱۲. او طاق ۱۳. لذرجان ۱۴. جور محله ۱۵. خیاط محله ...  
لیارستان: ... دست راست محله لیارستان است، می‌رسانیده شیخ خونه‌بر که دریای خزر نمایان است.  
چارقنه سر: ... ملک چارقنه سر است.

لاهیجان: شهر لاهیجان از بناهای قدیم است و مریع می‌باشد که عرضش چند قدم کمتر است. طولاً از پای کوه که شعریاف محله است الی سر پل آجری که پُر دسر می‌گویند و عرضًا غریب آباد الی تکیه آقا است و حاکم و صاحب اختیار لاهیجان عالیجاه میرزا محمدعلی خان است که حکمران و مالک سی صد و شصت قریه می‌باشد.... .

رشت: ... [مسیر راه لاهیجان به رشت] از راهدارخانه حاجی‌ویشه و قریه شالکو و کرد محله و رودخانه صیقلان رودبار عبور نموده، داخل شهر رشت می‌شود که پایتخت حکمران گیلان است و در مغرب لاهیجان واقع است.

شهر رشت از شهرهای آباد و معمور گیلان است و اماکن علمای امامیه و فقهای اثنی عشریه و سکنه معتبر است.

محلات رشت: ۱. خمیران زاهدان ۲. خود زاهدان ۳. صیقلان ۴. بازار ۵. استادسرا ۶. کیاب ۷. خمیران کیاب ۸. چمارسرا.  
دهات رحمت‌آباد: ۱. حرزه بیل ۲. کلستر ۳. ویایه ۴. دکه دره ورزکا ۵. گل‌دیان

## ۲۴ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

۶. کندسر، مشهور به آقوزبن ۷. طلابر ۸. گیل ورز ۹. فتلک ۱۰. نصفی  
۱۱. کیا آباد ۱۲. تو تک بن ۱۳. شیرکوه ۱۴. اسطلخ چان ۱۵. فتکوه  
۱۶. شهران ۱۷. کوشکجان ۱۸. پره ۱۹. گلؤس فروش ۲۰. رودخانه  
۲۱. پشت هان ۲۲. کلاپره.

بلوکات رحمت آباد: ۱. حلیمه جان ۲. شیخ علی طوسه ۳. کوکنه ۴. شربی جار  
۵. براگور.

دهات ایل نشین رحمت آباد: ۱. کلا یه ۲. علی آباد ۳. سندس حاکم نشین  
۴. دیورو ۵. گاو خوس ۶. خرشک.

دهات عمارلو: اسامی دهات عمارلو و بابامنصور: ۱. منجیل ۲. لو شان  
۳. نمه کوران ۴. خول خواب ۵. بی ورزین ۶. کلوردره ۷. سنگرود - آب گرم  
دارد. ۸. سوکوره ۹. پارو بار ۱۰. پاکده ۱۱. اسکوین ۱۲. جیرن ده  
حاکم نشین ۱۳. میانه کوشک ۱۴. عین ده ۱۵. یو گنم ۱۶. ناوه ۱۷. خرپو  
۱۸. وی یه ۱۹. لایه ۲۰. کلیشم ۲۱. انبوه ۲۲. از خرگام بوسه ۲۳. ناش  
۲۴. پشته کلان ۲۵. نه ده ۲۶. گیلان کش ۲۷. طالا کو ۲۸. لیا ول  
۲۹. ماش میان ۳۰. گیاش ۳۱. وا طل ۳۲. چمل ۳۳. گپل ۳۴. سی بن  
۳۵. گرد ویشه.

دهات بابامنصور عمارلو: ۱. زکابر ۲. گو ورژط ۳. کشنه رود ۴. تو تک چال  
۵. تیان دشت ۶. کاکوستان ۷. گیروه ۸. پاشام ۹. دی نک ۱۰. چل وا شک  
۱۱. پتل ۱۲. کمال ده ۱۳. نارن ده ۱۴. کوره رود ۱۵. زرده کش ۱۶. دشت رز  
۱۷. طهور ث آباد ۱۸. کنگری ۱۹. کله جوب ۲۰. که که جین ۲۱. تسکین.

دهات رو بار زیتون: ۱. کبته ۲. کلاس ۳. علی آباد ۴. الیزه ۵. کوشک ۶. کامبر  
۷. سرخون ۸. لا که ۹. دو کاهه ۱۰. دارستان ۱۱. تکلیم ۱۲. خولوم بو  
۱۳. فیله ده ۱۴. گز ن ۱۵. لوحه ۱۶. گنجه ۱۷. جوین ۱۸. اسفندیار مرز

۱۹. پشته ۲۰. پیری ۲۱. کلورز ۲۲. شمام ۲۳. چریه ۲۴. ایمن آباد  
۲۵. کارود ۲۶. راهدار پشته ۲۷. رشت روود ۲۸. خولک ۲۹. اسکولک.

شфт: ۱. عشماؤندان ۲. مردقه ۳. نصیر محله ۴. شالمان ۵. بدوا ۶. نیزم  
۷. امسرگوراب ۸. لفه بندان ۹. سیاه مزگی ۱۰. سفید مزگی ۱۱. قصبه  
۱۲. ذوالپیران ۱۳. قصبه محله ۱۴. میر محله ۱۵. شیخ محله ۱۶. صیقلان  
۱۷. کومسار ۱۸. چامچا ۱۹. خمیران ۲۰. نیاصران ۲۱. تکرم  
۲۲. پیر محمد سرا ۲۳. خرم آباد ۲۴. لاسک ۲۵. شاهنشین ۲۶. چوتاشان  
۲۷. چویر ۲۸. درخان ۲۹. طلاقان ۳۰. گل سران ۳۱. شالده ۳۲. خطیان  
۳۳. رزاش ۳۴. کولوان ۳۵. لیفکو خندان ۳۶. خورتوم.

بیلاق شفت: ۱. کمبو، حاکم نشین ۲. آفسر ۳. آفر ۴. آرامگاه ۵. شمرچال، منزل نصیرخان. به غیر از این‌ها جاهای دیگر هم بیلاق می‌نمایند.

دهات فومن: ۱. کردمحله ۲. مالمان ۳. کنسر ۴. بوئین  
 ۵. پرده سر ۶. قلعه رو دخان ۷. خسرو آباد ۸. چمن ۹. کوده ۱۰. دوهنده  
 ۱۱. جورپاسکیه ۱۲. نفوت ۱۳. جورکلاشم ۱۴. لیله کام ۱۵. خدا شهر  
 ۱۶. علی سرا ۱۷. قصاب علی سرا ۱۸. ملو سکان ۱۹. پیش ده ۲۰. شبله پس  
 ۲۱. پوستین سرا ۲۲. ماوردیان ۲۳. مهدی محله ۲۴. راسته کنار  
 ۲۵. گوراب نصیر ۲۶. مهوزان ۲۷. کلدگور ۲۸. قاضی ده ۲۹. گاوکده  
 ۳۰. شولم ۳۱. زیده ۳۲. چیران ۳۳. سیاه پیران ۳۴. الله گوراب  
 ۳۵. حلقوس ۳۶. ابرود ۳۷. شکال گوراب ۳۸. کنه گوراب ۳۹. گشت  
 ۴۰. خشکه نودهان ۴۱. با غبانان ۴۲. اشکلن ۴۳. گوراب پس ۴۴. کمامردخ  
 ۴۵. ملا سرا ۴۶. کوزه گران ۴۷. کاسان ۴۸. پامسار ۴۹. جیرده  
 ۵۰. شنبه بازار ۵۱. سراستان ۵۲. شیرذیل ۵۳. جیر سند ۵۴. سنگه بجار  
 ۵۵. خسمخ ۵۶. چکوسر ۵۷. لومده ۵۸. تتف ۵۹. از کم ۶۰. لاد منخ

۶۱. چالوکسر ۶۲. سیاهروд ۶۳. جیرپیش خان ۶۴. نوده ۵۶. مرخال  
 ۶۶. سه شنبه ۶۷. پشالم ۶۸. کران ۶۹. خطیب‌گوراب ۷۰. لیش‌باره  
 ۷۱. مرکیه ۷۲. کیکاسر ۷۳. لادمغ بخاران ۷۴. خرم‌بیشه ۷۵. فلح‌آباد  
 ۷۶. مخسر ۷۷. رودپیش ۷۸. کیایان ۷۹. شالده ۸۰. شاخال ۸۱. ماشاتوک  
 ۸۲. کلفت ۸۳. خلیل سرا ۸۴. پیش‌سار ۸۵. شله‌کمانان ۸۶. لولمان  
 ۸۷. کاس احمدان ۸۸. وافسار ۸۹. گوراب زرمنخ ۹۰. گوشوندان  
 ۹۱. جیرکلاشم ۹۲. پیرکیان ۹۳. بجارت‌کنار ۹۴. صیطلان ۹۵. جورستند  
 ۹۶. ماکلوان ۹۷. قصاب‌سرا ۹۸. حسین‌آباد ۹۹. چومثقال  
 ۱۰۰. جامه‌شوران ۱۰۱. جورپیش خان ۱۰۲. صیقلان ۱۰۳. جوریلکور  
 ۱۰۴. جیریلکور ۱۰۵. پشتیر ۱۰۶. کسما ۱۰۷. اباتر ۱۰۸. عربان  
 ۱۰۹. واقعه‌دشت ۱۱۰. صومعه‌سرا ۱۱۱. پیرده ۱۱۲. سه‌سار ۱۱۳. پشده  
 ۱۱۴. دومحله قصبه فومن ۱۱۵. کوزان ۱۱۶. جیرگوراب  
 ۱۱۷. کرافکوه ۱۱۸. کلوندرود امین ۱۱۹. کلوندرود هادی ۱۲۰. زودل  
 ۱۲۱. کشته‌رودخان ۱۲۲. کسکره ۱۲۳. فوتمه‌سر ۱۲۴. کله‌سر  
 ۱۲۵. شارم ۱۲۶. سنگ‌جو ۱۲۷. میانده ۱۲۸. زرکام ۱۲۹. زعفان  
 ۱۳۰. پاتاوان ۱۳۱. ولد ۱۳۲. راسته‌کنار مخربه ۱۳۳. گربه کوچه  
 ۱۳۴. نقاره‌چیان ۱۳۵. مسناره‌بازار ۱۳۶. کمسر ۱۳۷. شیرتر  
 ۱۳۸. خطیب‌گوراب حسین‌علی خان ۱۳۹. نصرالله‌آباد ۱۴۰. گل‌پشت  
 ۱۴۱. گل‌افزان ۱۴۲. جورکله ۱۴۳. جیرکله ۱۴۴. فشخام ۱۴۵. ازیر  
 ۱۴۶. ندامان ۱۴۷. پیرسرا ۱۴۸. پشت‌مخ ۱۴۹. تیان ۱۵۰. سورم.  
 دهات تولم: ۱. کیشستان ۲. نوچاله ۳. طولاب‌خاله ۴. هنده‌حاله  
 ۵. سیاه‌درویشان ۶. لاکسار ۷. سیاوی ۸. خمرس ۹. نرگستان  
 ۱۰. لیفشاگرد ۱۱. مرجه ۱۲. گوراب ۱۳. پودیان ۱۴. سس ۱۵. مس

## گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / ۲۷

۱۶. شالکا ۱۷. صیقلان ۱۸. پسخان ۱۹. جمجمه‌بازار ۲۰. سیاه‌تون

۲۱. ماتک ۲۲. کیل‌خوران ۲۳. ولمندان ۲۴. مرمال ۲۵. راسته‌کنار.

محله‌های انزلی: دو محله است: سمت شرقی آن طرف رودخانه، غازیان است که چهل خانه دارند... و سمت جنوبِ انزلی پشته است که قورخانه و باغ شاه در آن‌جا است....

دهات گیل‌دولاب: ۱. چابچار ۲. چنگیران ۳. وارسرا<sup>۴</sup> ۴. گیل‌چالان ۵. تربت بررسید شرف‌شاه ۶. شانه‌پاور ۷. سیاه‌وزان ۸. کچلک ۹. سه‌کام ۱۰. رودبارسرا ۱۱. طارم‌سرا ۱۲. شیخ‌سرا ۱۳. آدم‌سرا ۱۴. ساسان‌سرا ۱۵. لکتارسرا ۱۶. سیاه‌بولاش ۱۷. رضوان‌ده غریب‌بنده ۱۸. رودپشت ۱۹. مسدوقان ۲. روسر ۲۱. خیمه‌سر ۲۲. آشورکند ۲۳. شفارود ۲۴. بکزاده محله ۲۵. سندیان ۲۶. شاشکو ۲۷. آلكام ۲۸. سیمبرخاله ۲۹. نوکنده ۳۰. دیناچال.

دهات تالش‌دولاب: ۱. پره‌سر ۲. خال‌حالیان ۳. کدوستان ۴. اردجهان ۵. چکو ۶. چاروچ ۷. مازوپشت ۸. وانکا ۹. دره‌واز ۱۰. ریشان ۱۱. پونل - حاکم‌نشین است ۱۲. آلان ۱۳. گالش محله ۱۴. بیشه‌سرا ۱۵. خاله‌حاله ۱۶. سیاه‌وانکا ۱۷. سیاه‌بیل ۱۸. دوران میان‌رودخان ۱۹. سرک ۲۰. شیرنه‌بر ۲۱. دشت‌مین ۲۲. شیرچه پیراما‌مزاده ۲۳. سیفه‌چومان ۲۴. واسکام‌شان ۲۵. چارواده.

بیلاق تالش‌دولاب: ۱. واسکا ۲. پارکام ۳. مینه‌رود ۴. سراکیلی ۵. روشن‌ده ۶. اره‌وشت ۷. برن ۸. امیرکوه ۹. تاوله کووان ۱۰. کوله ۱۱. دشت دامان ۱۲. اروه‌چول ۱۳. ریناو، حاکم‌نشین است ۱۴. سنده ده ۱۵. اسپیت ۱۶. عروستان ۱۷. رنگ‌آب ۱۸. برزه کوه.

دهات اسلام: ۱. کیکاسر ۲. خال‌سرا ۳. الان ۴. نوارود ۵. کیهسم ۶. لاتانی

## ۲۸ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

۷. کیاسرا، حاکم‌نشین است ۸ کوله‌سرا.

بیلاق اسلام: ۱. نو ۲. لومیر ۳. الله‌ده.

دهات کرگان‌رود: ۱. وزنه ۲. نمیر ۳. چوار ۴. هویق ۵. بورمه‌سرا ۶. هنزنی

۷. شلوار ۸. خطیب‌سرا ۹. لیسار ۱۰. هرادشت ۱۱. ممدوار ۱۲. قلعه‌بن

۱۳. دره‌کاری ۱۴. خواجه‌کاری بالا ۱۵. پشته ۱۶. جمیکو ۱۷. گرداب

اوzen ۱۸. ناوان ۱۹. سوره‌پشت ۲۰. طول‌گیلان ۲۱. شکرداشت ۲۲. ریگ،

منزل حاکم ۲۳. طول‌رود ۲۴. جولاندان ۲۵. کوهه‌کاری ۲۶. رنگرش

خانه ۲۷. سیده کی ۲۸. تاکی ۲۹. جوکندان ۳۰. هنده‌کران ۳۱. گرد بی‌جار

۳۲. گلف‌رود ۳۳. حیان ۳۴. خواجه‌کار پایین ۳۵. طول‌رچ ۳۶. ارادشت

۳۷. طوره‌پشت ۳۸. شعلکی ۳۹. گالش ۴۰. شبان.

بیلاقات آق ایولو: ۱. میان‌کو ۲. شله‌وش ۳. رازان ۴. مریان ۵. نعون

۶. اطاق‌سرا، منزل حاکم ۷. دیزکا ۸. کورمار ۹. ایضاً اسامی بیلاقات

کرگان‌رود ۱۰. دران ۱۱. طیلار ۱۲. چوران ۱۳. آله‌کش ۱۴. مکش ۱۵. یاستی‌یال

۱۶. دخل‌کونی ۱۷. ویل ۱۸. هاوزکو ۱۹. گنجینه کان‌کوتی ۲۰. گامیش‌بن

۲۱. قلعه‌بن ۲۲. آتش‌کش ۲۳. سخت‌دره ۲۴. بزکجه پونی ۲۵. داش‌باشی

۲۶. لپان‌کش ۲۷. آدرباجان ۲۸. تکری ۲۹. کورمار ۳۰. گنج‌خانه

۳۱. میان‌کو.

وجه تسمیه‌ها: کافر قبر تالش‌دولاب: نرسیده به واسکا، در وسط راه،

قبری است که مردم آن را سنگسار و چوب‌ساز می‌کنند. سالی یک دفعه در

وقت بهار چوب‌هایی که روی قبر می‌ریزند، آتش می‌گیرد. معلوم نشد که

خود به خود آتش می‌گیرد و یا این که مردم آتش می‌زنند. می‌گویند قبر

مردی است که با دختر خود زنا نموده است.

خاشابر: معنی خاشابر این است که می‌گویند جدّ جدّ ما، در خانه‌اش از

استخوان بود، مشهور به خاشابر شد، زیرا که به زبان تالشی استخوان را خاش می‌گویند و در را برمی‌گویند. و در میان طایفه خاشابری، سی خانهوار طایفه دیگر هست که مخاطب به شیرازی می‌باشند. مذکور نمودند که اصل ما از شیراز است، در عهد قدیم دو سه نفر از شیراز آمده در تالش دولاب تأهل اختیار نموده، ساکن شدیم. آلان مشهور به شیرازی و همگی سنی مذهبند.

دزدبن: کوه دزدبن گرد و بلند است و به پای کوه سنگ‌های بلند سرراست زیاد افتاده است. از قراری که مشهور است، دزد حرامزاده‌ای به جهت سرقت نمودن اموال مردم، در بالای کوه درمیان مغاره‌ای سکنا داشت. به جز دزدی و خون‌ریزی کاری نداشت، تا این که تاجری که به کرات اموالش سرقت شده بود، عداوت و کین دزد را در دل گرفته، چند عدد صندوق را پر از مارهای گزنه می‌نماید و سرش را محکم کرده، حمل به این سامان می‌کند. دزد خبردار شده، پایین می‌آید. اهل قافله فرار می‌نمایند. صندوق‌های مذکور را دزد در بالای کوه در میان مغاره می‌برد به طمع مال. همین که صندوق را شکست، مارها در آمده هلاکش می‌سازند و مردم از شر او ایمن می‌شوند. از آن تاریخ مشهور به کوه دزدبن می‌شود.

جمعیت: رحمت‌آباد: در هر قریه از ده الی سه خانهوار بالاتر نمی‌باشد، مگر در هرزه‌بیل و کلشتر و نصفی و روذخان که دهات نامی رحمت‌آباد است، یکصد خانه و ایل، ایل عمارلو رحمت‌آباد ساکنند.

تالش دولاب: به قرار دویست و پنجاه خانهوار طایفه خاشابری در تالش دولاب می‌باشند.

رشت: ... مخلوق [جمعیت] بیست و هفت هزار و سیصد و چهارده نفر.  
آب: رشت: و آب خوردنشان از چاه است. به جهت آشامیدن، آب

## ۳۰ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

گوهر رود بهتر است.

**قدمت:** فومن قدیم‌تر از رشت می‌باشد، در ازمنه قدیم پایتخت سلاطین گیلان بوده است که الان در قلعه‌رودخان به دامنه کوه قلعه صلصال جادو که پادشاه بود و از آجر بنا نهاده، موجود و برقرار است و در منار بازار هم از علامت قدیم می‌باشد.

**حوادث:** قحطی رشت: در سال ۱۲۷۴ غله در گیلان گران شد و به واسطه قحطی و گرانی بعضی از فقرا جان سپردند دولت خرج دو ماهه فقرا را به دوش ثروتمندان انداخت. برنج را می‌خرید و گمتر از دو قران می‌فروخت. در تهران نیز برنج یک من به سنگ شاه پانزده قران و نان شش قران وجود نداشت. موقع دروی غله عراق نزدیک نمی‌شد و از روسیه نیز آرد و برنج به گیلان نمی‌آمد. با وجود این احوال، اربابان صاحب ملکی که از یک هزار تا ده هزار قوطی برنج داشتند، همه را پنهان می‌کردند و اگر کسی از گرسنگی می‌مرد هم نمی‌فروختند.

**صید:** خشکرود: صید ماهی حلال می‌نمایند. از بابت اجاره [صید] ماهی سی تومان است.

گزاف رود: ... که در آن صید ماهی حلال می‌کنند.

پلورود: صید ماهی حرام زیاد می‌شود. از بابت صید ماهی حلال اجاره‌اش یکصد تومان است.

دوست کوه: کرجی‌های بسیار کوچک دارند که در دریا صید ماهی آزاد و سفید می‌نمایند.

لنگرود: اجاره صید حلال رودخانه لنگرود، مبلغ سیصد تومان است.

سفیدرود: محل صید ماهی حرام می‌باشد و قلیلی ماهی حلال از اقسام ماهی صید می‌شود....

### گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / ۳۱

فومن: محل صید ماهی حلال است....

تولم: صید ماهی حلال می‌نمایند و مبلغ سه هزار تومان از بابت اجارة  
شیلات تولم....

کیل گسکر: ... رودخانه‌ها دارد و محل صید ماهی حلال است.

کپورچال انزلی، غازیان و میان پشتله: کرجی‌بانی و ملایی و پیماکی داد و ستد  
می‌نمایند.

ابریشم: او طاق لنگرود: در عرض سال، هفتاد من ابریشم به وزن شاه  
می‌شود....

رودسرا: ابریشم به عمل می‌آید....

لنگرود: دو کج تابیده خوب در لنگرود در عرض سال هزار من به عمل  
می‌آید... و ابریشم، یک من، از چهارده تومان الی شانزده تومان [است]....

لاهیجان: در عرض سال موازی بیست هزار من ابریشم....

شفت: محصولش برنج، ابریشم و کج لاس می‌باشد.

تولم: محصولش برنج و ابریشم و مرغ و ماهی است.

کیل گسکر و فومن، لشت‌نشا، دیلمان: محصولش ابریشم و برنج است.

حرفه‌ها و صنایع دستی: رودسر: پانزده خانه‌وار ایلیات فیوج که کسب  
ایشان خراطی و آهنگری است، در سر رودخانه خشک‌رود سکنا دارد.

رشت: ... و اسباب گلدوزی و لندردوزی شهر رشت با اشیای علاقه‌بندی و  
شعریافی شهرت دارد. شش باب کارخانه شعریافی در شهر رشت  
می‌باشد که قصب و لنگ و پرده و بقچه دارایی و چادر شب و کلاعگی به  
عمل می‌آورند و دکان گلدوزی بسیار است که رومیز و روستول و روکفش  
و قالیچه و پرده و رویالش و کل تاج و غیره خوب به عمل می‌آورند.  
ماسوله: اهلشان آهنگر و نعل و میخ‌ساز و اهل داد و ستد هستند.

قياس وند و چکینی: گلیم، قالی، پلاس، جاجیم، سیاه چادر، خورجین، نمد، توبره و مفرش می‌باشد.

رودبار: جوراب و شلوار و پشم و موازی پنجاه من به وزن شاه ابریشم است... در قریه کوشک، عبدالله بیگ باروت خوب می‌سازد.

انزلی (غازیان): اهلشان حصیر باف می‌باشند و قلیل ابریشم و کنجد و کتف ریسمان به عمل می‌آید....

میان پشتہ: حصیر هم می‌باشد و به پای حصیر غازیان نمی‌رسد....

اسالم: لباسشان پشم و کفشهای چموش می‌باشد.

کرگان رود: در قریه یک نفر استاد آهنگر می‌باشد و سه نفر زرگر در کرگان رود نشسته‌اند....

عمارلو: زغال قزوین از عمارلو است و کلیات و صابون و جاجیم و پلاس و کلیم و شلوار پشم در عمارلو به عمل می‌آید.

دامداری: قاسم آباد: همه صاحبان گوسفند و گاو می‌باشند.

اوطاق: اهلشان ایام تابستان به بیلاق اشکورات می‌روند و همه صاحب گله گوسفند و گاو گالشی می‌باشند که روغن زیاد به عمل می‌آید.

چکینی: شانزده هزار گوسفند دارند.

قياس وند: یازده هزار گوسفند دارند.

عمارلو: روغن و پنیر و پشم زیاد است. گاو و گوسفند بسیار است. به قرار سی و یک هزار و یکصد و پنجاه رأس گوسفند و یازده هزار و دویست و چهل و پنج رأس گاو دارند که تازه در میان گاوها ناخوشی افتاده، می‌میرند.

رودبار: به تخمین بیست و یک هزار گوسفند و یک هزار گاو گالشی و هفت صد رأس قطر بارکش دارند.

شفت: گوسفند و گاو بسیار است. اهلشان بیلاق و قشلاق دارند.

### گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی ۳۳ /

تالش‌دواب: در میان گاوها ناخوشی افتاده، تلف شده‌اند و مساوی ده رأس گامیش و دوازده هزار گوسفند و یک هزار و یکصد و پنجاه رأس اسب و مادیان دارند.

کرگان‌رود: گاوها ایشان هم زیاد از ناخوشی مرده‌اند، آدم بود که سی صد رأس گاو داشت که همگی تلف شده‌اند.

کشاورزی و تولیدات: چکینی: کشت و زراعت بتعیار می‌نمایند... . قیاس وند: کاسبی ایشان زیاده از حد زراعت غله است و بوستان خربزه و هندوانه هم می‌گیرند و قدری برنج در ملاعلی دره می‌کارند.

رحمت‌آباد: محصولش گندم و جو و برنج و ابریشم و روغن و روغن کره و پنیر و جوراب می‌باشد.

فون و گیل گسکر و لشت‌نشا و دیلمان: محصولش برنج و ابریشم است. تولم: محصولش برنج و ابریشم و مرغ و ماهی است.

عمارلو: محصولش گندم و جو و ماش و عدس و نخود و لوبیا و باقلاء و کرچک و کنجد و ارزن و پنبه با سایر چیزها... .

رودبار: محصولش روغن زیتون و گندم و جو... . رسقتم‌آباد: ... و از رسقتم‌آباد به پایین تر برنج خوب به عمل می‌آید... میوه‌جات از قبیل انار شیرین و انگور و انجیر و زردالو و آلوچه و سیب و شفتالو و غیره بسیار است.

شفت: محصولش برنج، ابریشم و کچ لاس می‌باشد. انزلی (میان پشته): باغ خربزه و هندوانه بسیار است... در انزلی و توابع انزلی درخت مرکبات بسیار است... .

کپورچال: بوستان خربزه و هندوانه و کدو بسیار است و کتف ریسمان و کنجد هم می‌کارند و به مصرف می‌رسانند.

تالش‌دواب: موازی پنجاه و هشت هزار و پانصد خروار برنج و دو هزار و پانصد و پانزده من ابریشم و پانصد و پنجاه من عسل... یکصد خروار دوشاب اریه و سیصد هزار دانه گردو... تولید می‌شود.... .

اسالم: محصولشان برنج، ابریشم، گندم، جو... گردو... می‌باشد.... .  
کرگان‌رود: حاصل ابریشم کم است و سررشه در کشیدن ابریشم ندارند.  
محصولشان برنج، گندم و جو... گردو و غیره می‌باشد.

آستان: محصول که در عرض سال به عمل می‌آید برنج هفت صد و پنجاه خروار دیوانی... و در بالاها گندم و جوبه عمل می‌آید.... .

تجارت و بازار: بلام: چند در دکان نی و گالی پوش و نفت (نفت) فروشی‌ها و قصابی می‌باشد که در ایام هفته روزهای یکشنبه، بازار می‌شود.

روفسر: روزهای یکشنبه، بازار و جمعیت و داد و ستد زیاد می‌شود.  
لنگرود: کرجی‌های بزرگ از مازندران، شکر و برنج و روغن و عسل و کنجد و باقلاء و قلیان کدو و کل نمد و کرباس و پنبه و غیره می‌آورند، از بندرانزلی ماهی‌شور و ماهی‌خشک و حصیر و نفت می‌آورند و به پهلوی بازار و محله لنگرود می‌فروشند و مال مکاره، اجناس روسیه و بادکوبه هم می‌آورند و به حیطه فروش می‌رسانند.

لاهیجان: ابریشم موازی لاهیجان بسیار اعلا می‌باشد و باب فرنگستان است.

کبسم: راسته بازاری هم دارد که در ایام هفته، روز چهارشنبه، از اطراف جمعیت زیاد به جهت داد و ستد می‌آیند.

کوچصفهان: بازار کوچه اصفهان که راسته بزرگ سفال‌پوش با یک حمام دارد و از هر صنف اصناف و تجار بنکدار قزوینی در بازار کوچه اصفهان

می‌باشند، هر روز بازار است، لیکن در ایام هفته، روز یک‌شنبه و چهارشنبه باشد که در این روز جمعیت بسیار از شهر رشت و لاهیجان و سایر جاها به جهت خرید و فروخت می‌آیند.

شفت: از شهر رشت به بازار پنج‌شنبه شفت، سه فرخ می‌باشد و بازار دیگر در محله قصبه دارد که روز دوشنبه بازار و جمعیت‌می‌شود و مردم به جهت داد و ستد، زیاد می‌آیند.

دیلمان: همگی کاسب و اهل داد و ستد می‌باشند.

انزلی: اهلشان کاسبند و داد و ستد و کرجی‌بانی می‌نمایند و حاصل زمینی ندارند.

گیل‌دولاب: دو بازار دارد که در ایام هفته، یوم چهارشنبه و یوم پنج‌شنبه، بازار می‌شود و یک باب حمام در سری‌بازار چهارشنبه، حاکم بنا نهاده است.

اسالم: در ایام هفته یک‌شنبه در نوارود بازار می‌شود.

کرگان‌رود: ولایت کرگان‌رود دکان و بازار مثل سایر ولایت ندارد. در قدیم بازار بود، فرج‌الله‌خان موقوف کرد. هر چیز بخواهند، باید به انزلی و یا آستارا بروند و خرید نمایند. به جهت همین بازار را موقوف کرد که کسی از احوال ولایت و ظلم و تعدیش باخبر نشود... یک نفر تالش تاجر کرگان‌رودی هر ساله چوب گردو به جهت فروش به حاجی‌ترخان می‌برد.

آستارا: هرساله پنجاه صصت فرونده کشته به جهت حمل و نقل بار تجاری می‌آیند. پارسال، به تاریخ یک هزار و دویست و هفتاد و پنج، به قرار هشتاد دو هزار پوت آهن از ملک روسیه به آستارا آوردند و گمرکخانه آستارا در اردبیل می‌باشد، جمیع تجار که از کشتی بیرون می‌آید، سربسته می‌رود به اردبیل و گمرک می‌شود.

**ایل‌ها و طایفه‌ها:** چکینی: تارم از سیاه‌پوش منجیل، لوشان، خزران‌الی قزوین و در ساوجبلاغ، بالاسر قشلاق هفتاد خانه‌وار [چکینی] ساکنند، زیان‌شان لری، کارشان دزدی که در جمال‌آباد لوشان ساکنند.

قیاس‌وند: و سکنه ایل از پل لوشان در میان ملاعی‌دره‌الی یوزباش‌چای و طرف شرقی‌الی انبوه حد سر رشوند است... زیان ایشان کردی و همگی چادر نشینند....

رحمت‌آباد: اسمی ایل رحمت‌آباد: ۱. طایفة حاکم پیراصلو ۲. دوغ کانلو ۳. ولی‌لو ۴. جمع کانلو ۵. فرخ کانلو.

عمارلو: ۱. طایفة ولیخان بی‌شانلو ۲. شاهقلانلو ۳. محمودلو ۴. چغلاتلو ۵. چاخم‌لو ۶. تی‌کانلو ۷. میرزاخانلو ۸. طایفة کاظم‌خان و نوروزخان باقلی‌خان ۹. قبه‌کرانلو ۱۰. منجیلی‌ها بادرلو ۱۱. وشمکان‌لو افزایی: ... و خود ارزی دو محله است و دو طایفه دارد: یکی طایفة سرخی که ایشان را از ولایت سمنان از قریه سرخ، سه فرسخی شهر سمنان، در اواخر دولت صفویه به این ولایت آورده‌اند و طایفه دیگر مشهور به استاد محمد رضی است.

**بیلاق‌ها:** رحمت‌آباد: ۱. مرجان‌آباد ۲. نوده ۳. نوده عنبر ۴. خوش‌آب خوره ۵. چال سراکی ۶. گلوزن، منزل و بیلاق میرابراهیم‌خان است.

عمارلو: اهلشان بیلاق و قشلاق دارند. بیلاق حاکم داماش و قشلاق جیرنده و سمت شرقی عمارلو شوند که بالاسرش الموت روبدبار است.

**امامزاده‌ها و تکایا:** اوطاق: دو آستانه امامزاده دارد.  
لامهیجان: تکایا یا امامزاده بیست و هفت باب است: ۱. چهار پادشاه ۲. امامزاده در محله گاوینه ۳. در پُردرس ۴. در کاروان‌سرابر ۵. در خمیر کلایه ۶. در اردو بازار میرشمس‌الدین ۷. آقا میرشهید ۸. غریب‌آباد

۹. آقامیرزا صادق جیردکانبره ۱۰. تکیه‌بر متعلق به میدان  
۱۱. شعریاف محله که سه باب تکیه دارد ۱۲. ملاهؤمن ۱۳. آقا میرابراهیم  
۱۴. تکیه آقا ۱۵. حاجی باقر ۱۶. عاقلیه ۱۷. آقامیرکریم ۱۸. پنج پیران که  
پنج مقبره دارد. و امامزاده‌های سیار در ولایت لاهیجان مدفون می‌باشند،  
به خصوص در کنار سفیدرود. دو فرسخی شهر لاهیجان آستانه مبارک  
حضرت سید جلال الدین اشرف ابن موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد و  
در سنّه سیصد و یازده از هجرت، آستانه مبارکه را گوهرشاد خانم بنت  
کیارستم، زیست نمود که الحاله هذه که یک هزار دویست و هفتاد و پنج  
است، خواستند آستانه و گنبد مبارکه را تعمیر نمایند، در زیر قبه ثبت  
بود به اسم گوهرشاد خانم بنت کیارستم که حک کرده بودند و تاریخ  
قروه که به حساب ابجد کبیر سیصد و یازده از هجرت نبوی صلی الله  
علیه و آله می‌شود.

رشت: ۱. خارج شهر، ولی بزرگوار ۲. محله زاهدان امامزاده عباس و  
امامزاده اسماعیل، دو برادر، ابن امام موسی کاظم علیه السلام‌اند. ۳. ایضاً  
در محله زاهدان، حضرت معصومه، مسما به فاطمه، خواهر حضرت امام  
رضیا علیه السلام، بنت موسی بن جعفر... ۴. ایضاً در زاهدان آقا بادی الله و  
آقا سیدابراهیم ۵ و ۶. محله صیقلان، بی مقبره و آستانه، آقسیدکلان و  
سرخ‌بنده ۷. در خمیران و زاهدان بی آستانه، چهاربرادران ۸ محله بازار،  
آستانه آقاچله خانه نظام الدین ۹. و آستانه مبارکه سید فخر الدین مشهور به  
آقا فقرا ۱۰. در محله استادسر، آستانه متبرکه آقا سید ابو جعفر علیه  
السلام ۱۱. در محله کیاب، بی زینب دختر امام موسی کاظم علیه السلام  
۱۲. در خمیران کیاب، بی آستانه، مشهور به دو برادران ۱۳. خارج شهر،  
آستانه سلیمان داراب ۱۴. و آقا پیر شریف هم خارج شهر است.

**منجیل:** اسم امامزاده‌های منجیل، امامزاده طاهر، اولاد امام موسی کاظم علیه السلام و اسم امامزاده حرزه‌بیل، امامزاده ابراهیم، اولاد امام زین‌العابدین علیه السلام است.

**شفت:** امامزاده و مزار پیرو صحابة رسول هاشمی (ص) در شفت بسیار است و مزار و مدفن امامزاده اسحق با همشیرهاش، ابن امام موسی کاظم علیه السلام، در بالای کوه شفت می‌باشد. به خصوص آستانه مبارکه سلطان سالوک معلم علیه الرحمه، ابن وهب بن میهه، در دامنه کوه شفت به قریه رزاش می‌باشد که مردم بعد از فراغ نوغان، از دور و تزدیک، زیاد به زیارت می‌آیند.

... و یک جلد کلام الله خط کوفی در چماچا به پیرسرا می‌باشد، مشهور و معروف است که به خط جناب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که مردم زیارت می‌کنند.  
اسالم؛ ... و امامزاده چهار آستانه دارد.

**کرگان‌رود:** ... و امامزاده‌ای در مقابل خطیب‌سرا مسمّاً به میرعظیم است که هر شب جمعه به قدر پنج سیر نفت از قدرت خدای تعالی توی سنگ جوشیده بیرون می‌آید و علامت قدیم قلعه دور خاک‌ریز مشهور به قلعه‌بن می‌باشد و به دامنه کوه واقع است و آثار چندانی ندارد.  
تالش‌دولاب: بزره کوه، دو امامزاده دارد.

**مجتهدان:** رشت: شریعتمدار حاجی ملا محمد رفیع، آخوند ملاحسن و آخوند ملا محمدعلی و حاجی سید عبدالله و جناب علامی آخوند ملا یوسف با سایر علمای اعلام می‌باشند.

**حکام:** لنگرود: حاکم لنگرود و رانکوه میرزا مهدی خان، پسر عبدالباقي منجم‌باشی است.

## گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / ۳۹

گیلان: حکمران و والی گیلانات شاهزاده کامکار عدالت‌شعار، اردشیر میرزا است.

عمارلو: در سال هزار و دویست و هفتاد و شش، نوروزخان و غلامعلی‌خان و کاظم‌خان با قلی‌خان حاکم عمارلو بودند.

زیتون روبار: حاکم میرزا علی نقی است ... .

تبرستان

www.tabarestan.info

شفت: حاکم سعیدخان و سرکرده نعمت‌الله‌خان است ... .

فون: حاکم نصرالله‌خان است ... و نایب علی اکبر بیگ است.

تولم: حاکم در سال ۱۲۷۶ ق، محمد تقی‌خان، پسر مرحوم حاجی قاسم‌خان [است].

شاندرمن: حاکم نصرالله‌خان و تفنگچی یکصد و پنجاه نفر ... .

ماسال: حاکم کاظم‌خان ... .

کیل گسکر: حاکم حاجی آقا ضیابری است.

لشت‌نشا: حاکم عبدالله‌خان است.

دیلمان: حاکم ابوالفتح‌خان است.

انزلی: حاکم و سرحددار انزلی در سال ۱۲۷۶ جعفرقلی‌خان انزلی است.

تالش‌دولاب: حاکم آن حسین‌قلی‌خان، تفنگچی پیاده نوکر دیوان، یکصد و پنجاه نفر است.

اسالم: حاکم محمدقلی‌خان است، تفنگچی نوکر پیاده، پنجاه نفر که مأمور سرحد انزلی است.

کرگان‌رود: حاکم فرج‌الله‌خان است، نوکر تفنگچی پیاده خارج نظام، دویست نفر.

آستارا: حاکم بزرگ آستارا امیرسلطان احمدخان است، مباشر زبان بیگ و کلدخدا مشهدی محمدعلی است، بندرچی آفاصفر شیروانی رعیت ایران است.

**خانه‌ها و بناها:** رانکوه: عمارت و مسجد و منار از آجر پخته و سرش سفال‌پوش است.

رویدسر: بازار بزرگی به طرح کاروان‌سرا ساخته که چهار دروازه و یکصد و ده باب دکان سفال‌پوشی است... یکصد و بیست خانه‌وارند. دو باب مسجد و یک باب حمام دارد.

کیکلایه: کیکلایه خانه‌های سفال‌پوش دارد، از جمله عمارت محصور حاجی میرزا رضا داماد منجم باشی است که یک باب مسجد و تکیه و مکتب خانه هم بنا نهاده‌اند.

لنگرود: هفت آستانه امامزاده، چهارباب مسجد، چهارباب حمام، سه باب کاروان‌سرا، یکصد و پنجاه باب دکان و پانصد و چهل خانه دارند.

لاهیجان: حمام لاہیجان ده باب، مساجد یازده باب، مدرسه شش باب، کاروان‌سرا پنج باب و هشت میل گلددسته دارد که اذان می‌گویند. دکاکین سیصد باب، خانه‌وار لاہیجان یک هزار و پانصد و هفتاد باب است.

رشت: تکایا و سقاخانه سی و شش باب، مساجد بیست و دو باب، مدرسه ده باب، مکتب خانه سی و چهار باب، حمام هفده باب، کاروان‌سرا آباد هجده باب، دکاکین وسط معموره با محلات یک‌هزار و بیست و یک باب.

خانه‌وار رشت پنج هزار و یکصد و شانزده باب.

فومن: زیاد ولایت آباد و معمور است و در شهر و قصبه فومن خانه‌ها محصور و سفال‌پوش و دارای کاروان‌سرا و دکاکین و حمام و مساجد و تکیه می‌باشد.

انزلی: خانه‌وار سیصد و پنجاه و سه و خانه‌هایشان اکثر گالی‌پوش است. دکاکین: یکصد و شصت باب، مساجد: سه باب، تکایا: سه باب، حمام: دو باب، توپخانه بزرگ: یک باب، قورخانه بامیان پشته: دو باب،

## گیلان در سفرنامه‌های سیاحتان ایرانی / ۴۱

سریازخانه: یک باب، برج باستیان با غازیان: سه باب، عمارت دولتی: یک باب... . توپخانه و قورخانه و سریازخانه، برج‌ها و عمارت دولتی با بازار و حمام و چهل و پنج باب خانه سفال‌پوشی است و باقی‌مانده از چوب و نی ساخته‌اند.

آستان: خانه چوبی و گالی‌پوشی - سوای خانه حاکم که سفال‌پوش است دویست و پنجاه باب، مسجد یک باب، حمام یک باب، دکان چوبی سی باب، انبار نفت یک باب، انبار که متاع تجار گذاشته چهار باب...

برج‌ها: رافکو: مابین قبله و شرقی به مسافت نیم فرسخ از او طاق، در بالا سر بندبین در کمره کوه، برجی دارد که ده ذرع بلندی دارد و به هیچ طرف راه و ممری ندارد، مگر این که می‌گویند در میان دره در شکاف سنگ سوراخی است، باید راهش همین باشد و کسی الى حال نرفته است. از قرار مشهور مدت بر این، با چراغ در میان آن سوراخ رفتند، شب پره بسیار داشت... در خفیه دور برج را به طمع گنج زیاد کنده‌اند، جز رنج چیز دیگر عایدشان نشده است... .

راه‌ها: رشت به عراق: از سال‌های سابق راه جهنم‌درۀ گیلان به سمت عراق که فی الواقع چاه ویل بود، از بس که گل و لای آب داشت، هر کس گذر می‌کرد، خلاصی برایش نبود و هر ساله خسارت بسیار به تجار و مکاری و متددین می‌رسید.

رشت به روبار: ... و راه کتل منجیل و روبار و رستم‌آباد و شاهزاده‌هاشم که گذشتن و عبور نمودن با بیم و ترس و خوف بود، سنگ‌تراش آورده و به خوبی و پاکیزگی اصلاح نمودند که حال به جهت مسافرین رفاه کلی حاصل است.

راه گیلان: راه جهنم‌درۀ را تا به شهر رشت که سال یک‌هزار و دویست و

هفتاد و هفت است، به اتمام می‌رسانند و در هیچ عهدی شتر به گیلان نیامده است، قرار داده‌اند که قافلهٔ شتر تا به شهر رشت بیاورند و العاله هذه که یک‌هزار و دویست و هفتاد و هفت است، در گیلان زیاد تسعیره غله بهم رسید....

رشت: کوچه‌های شهر رشت را از سنگ، فرش نموده‌اند.

رشت به قزوین: منزل اول: از شهر رشت به کهدم شش فرخ به حساب چاپارخانه. منزل دویم: رستم آباد، شش فرخ. منزل سیم: منجیل، شش فرخ است، از جهت کوه و کتل و لای هر منزل از این به منزل را در دو فرخ برای چاپارخانه زیاد حساب می‌کنند. فرخ حسابی از رشت به منجیل دوازده فرخ بالاتر نمی‌باشد که هر منزل چهار فرخ بوده است و می‌باشد. و از منجیل به خزران شش فرخ و از خزران به قزوین شش فرخ که جملتان به حساب چاپارخانه می‌فرسخ است.

رشت به انزلی: از شهر رشت به سر حد انزلی پنج فرخ می‌باشد، یک فرخ از روی خشکه به پیربازار و از آن‌جا سور شده روی آب رودخانه و مرداب که دریاچه باشد، چهار فرخ است به انزلی....

انزلی به تالش‌دولاب: از بابت راه از انزلی که به کپورچال آخر ملک چهار فریضه، چهار فرخ است. از انزلی به اول خاک تالش‌دولاب چهار فرخ است.

منجیل به زنجان: سه راه دارد. راه اول: کلچ طارم است که از منجیل می‌رود به کلچ و از آن‌جا به سیردان چهار فرخ است. منزل دویم: از سیردان بالای کوه شامه‌دشت می‌رود به ماهان، چهار فرخ. منزل سیم: از ماهان می‌رود به سلطانیه، قریه کاکاو، چهار فرخ. منزل چهارم: از کاکاو امی‌رود به شهر زنجان که چهار فرخ است.

## گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / ۴۳

و راه دویم راه امبد است، هر چند این هم راهش سخت است، لیکن بهتر از راه کلچ و سیردان می‌باشد و در راه آب بسیار دارد، عبورش از وزیر چمنی است. منزل اول: از منجیل امبد، چهار فرسخ . منزل دویم: از امبد می‌رود چهار فرسخ به سِزْنَق . منزل سیم: از سِزْنَق می‌رود به کاکاوَا چهار فرسخ . منزل چهارم: شهر زنجان چهار فرسخ و این دو راه ساختام و هواش سرد است.

و راه سیم: از منجیل می‌رود به قیتول، چهار فرسخ و منزل دویم از قیتول می‌رود به بادامستان شش فرسخ . منزل سیم از بادامستان می‌رود به شهر زنجان، پنج فرسخ که هواش گرم است.

عمارلو: راه گذر عمارلو و خرگام از رودخان سنده می‌باشد و راه دیگر از شیخ علی طوسه به خرگام می‌رود.

تالش دولاب: و از کنار دریای خزر به پونل یک فرسخ، و از پونل به ریناج شش فرسخ و از ریناج به خَمَس خلخال سه فرسخ است که از کنار دریا به خلخال ده فرسخ است و پهنهای شرق و غرب چهار فرسخ است.

گرگان رود: در ایام تابستان از بیلاقات به ولایت اردبیل و خلخال راه دارد و راه مخصوص عبور قافله از آق‌ایولر می‌باشد و آن هم دو راه دارد، یک راه حصاروار و یک راه بنامار . وقتی که زمستان به شدت بیارد، راه بند و مسدود می‌شود که از راه آستارا به اردبیل می‌روند... از گرگان رود به آق‌ایولر چهار فرسخ است.

پل‌ها: منجیل: پل هم چند سال بود که خراب شده بود... اقدام به ساختن پل منجیل کردند. در سنة یک هزار و دویست و هفتاد و پنج در روی هفت طاق بنیاد محکم بنا نهادند که تعریف به وصف نمی‌آید و تا به حال به ولایت گیلان چنین پل کسی نشان ندارد؛ پل منجیل به فرمان

ناصرالدین شاه قاجار و با سعی و اهتمام حاجی ملارفیع در تاریخ ۱۲۷۵ ق به اتمام رسید که هفت طاق محکم و دیواره‌های بلند برای سهولت عبور و مرور بنا نهاده شد.

سیاهرود: و در رودخانه سیاهرود هم پلی از آجر نهاده‌اند...  
تالش‌دولاب: از قشلاق‌الی بیلاق پنج قنطره پل چوبی و شش مجراء‌سیاب  
دارد.

رودسر: از تخته‌پل و محله و جنگل رد شده‌پل چوبی آزادی در سر رودخانه بسته‌اند... و در سر رودخانه کیارود پل آجری دو چشمۀ می‌باشد و در پهلوی پل شش در دکان گالشی است... از میان بازار و پل آجری و میان آب رد شده... و از پل آجری و لیسه گذشته، راه آب زیاد دارد...  
لنگرود: آب این رودخانه [لنگرود] از لاهیجان می‌آید و یک قنطره پل آجری دو چشمۀ در روی رودخانه بنا شده است؛ لنگرود به لاهیجان سه پل آجری دارد... .

lahijan: ... سر پل آجری که پر دسر می‌گویند...  
(گیلانی: صص ۱۵۳ - ۲۱۹)

## ● سفرنامه سیف الدوّله

(سال ورود: ۱۲۷۹ ق)

این سفرنامه را که به سفرنامه مکه نیز مشهور است، سیف الدوّله سلطان محمد، نوه فتحعلی شاه، نگاشته است. او برای زیارت کعبه، کوهستان مسیر دریای خزر به تفلیس و استانبول رفت و سپس به مکه عزیمت کرد.

**موقعیت جغرافیایی:** یک رشته از کوه البرز از طرف جنوب رشت به سمت شمال به طرف دریا می‌رود و انزلی چهار جزیره بزرگ و کوچک مسکون و غیرمسکون دارد. آب مرداب از دهنه‌ای که مقابل انزلی است و سمت دیگرش جزیره آبادی است موسوم به غازیان، به دریا می‌ریزد. این بندر بسیار زمین قابلی است، و در سمت غرب رشت واقع است.

**راه‌ها:** پاچنار به روبار: از پاچنار الى منجیل چهار ساعت راه است، همه راه کوهستان و در کنار رودخانه... از منجیل الى روبار دو ساعت راه است، همه‌جا کوهستان و کنار رودخانه است. نیم ساعت از آبادی منجیل گذشته باید از رودخانه عبور کرد....

روبار به امامزاده هاشم: از روبار به امامزاده هاشم هفت ساعت راه است، همه‌جا کنار رودخانه و کوهستان، سبز و خرم و بسیار باصفاست. امامزاده هاشم به رشت: از امامزاده هاشم الى شهر رشت، در صورتی که بارندگی و گل نباشد، هفت ساعت مسافت است.

رشت به پیربازار: از رشت الى پیربازار یک فرسخ است، ولی از زیادی برف و گل و بسیاری آب و خرابی راه به هزار مارلت و سختی در شش ساعت به منزل رسیدیم.

پیربازار به انزلی: از پیربازار الی بندرانزلی چهار فرسخ راه است، یک فرسخ از اول راه را در رودخانه عبور می‌کنند، سه فرسخ دیگر مردابی است که متصل به دریاست....

رشت به انزلی: از رشت به انزلی از کنار مرداب راه خشکی هست که از جهت گل و جنگل و عبور چند رودخانه بزرگ و دوری راه، کمتر عبور می‌شود، اطرافش همه جنگل و قرقاوی بسیار است.

کپورچال به اسلام: ...از کپورچال الی اسلام که بلوکی است از تالش، پنج ساعت است است. طرف راست راه همه‌جا دریاست و سمت چپ جنگل هموار....

اسالم به کرگانه‌رود: از اسلام الی کرگانه‌رود چهار ساعت، سمت راست راه دریا و طرف چپ جنگل است.

کرگانه‌رود به خطبه‌سرا: از کرگانه‌رود الی خطبه‌سرا که جزء محال کرگانه‌رود است، پنج ساعت و سمت راست دریا و طرف چپ جنگل است.

خطبه‌سرا به حویق: ... از خطبه‌سرا الی حویق چهار ساعت و همه‌جا سمت شرق دریاست و غرب جنگل، عبور از کنار دریا می‌شود....

حویق به آستارا: از حویق الی آستارا [آستارا] شش ساعت است. مثل راه پیش، از میانه دریا و جنگل عبور باید کرد. رودخانه‌های بزرگ از طرف جنگل داخل دریا می‌شود، سه ساعت از این راه از محال کرگانه‌رود است، بعد از آن محال آستراست....

کارگاه‌ها، صنایع دستی: رشت: مردمش در لندره‌دوزی و گلابتون‌دوزی و ابریشم‌بافی مشهورند.

اسباب خانه و زندگانی اهل این ولایت بیشتر از چوب و برگ درخت و علف جنگل است. ظروف و اسباب طیخ آنها از گل است... حصیرهای

خوب از علوفه‌ها می‌بافند....

انزلی: ... حکایت عجیبی از جمیع کثیری از اهالی انزلی و تجار دریا شنیده شد. العینده علی الرأوی. بسیاری می‌گفتند: خود دیده‌ایم، در این کار تجارت کرده‌ایم که در آن سمت دریا در اراضی تراکم، زمینی است که چشمه‌های نفت دارد، خاک آن زمین‌ها رامی‌کنند، پارچه خباک‌های منجمد چرب بیرون می‌آید. آن خاک‌ها را در دیگ کرده با اتش می‌گذارند. مثل پیه، قالب‌ها کرده به سمت روسیه حمل می‌کنند و می‌فروشنند. در آن جا کارخانه‌ای هست که این پیه معدنی را تصفیه می‌کند. یک ثلث ڈرد و کثافت از او دفع می‌شود و دو ثلث دیگر را مجدداً تصفیه کنند. نصفی از آن پیه اعلی شود که به جهت سوخت و روشنایی مصرف و نصف دیگر آن روغن مأکول بسیار خوبی است، بهتر از روغن گوسفند که صرف خوراک آن‌ها شود....

**کشاورزی و تولیدات:** منجیل: ملک طایفه عمارلو و محل زراعت است. باستان مختصراً دارد و اکثر اشجارش زیتون است.

رودبار: باستان کمی دارد و درخت زیتون بسیار دارند، انجیر و انار و گردو و انگور بسیار دارد و مرکبات به عمل می‌آید. الحال درختش کم است، مردمش چندان در قید آبادی نیستند.

رسقتم آباد: زراعت برنج و باغات توت ابریشم بسیار است....

رشت و پیربازار و امامزاده هاشم: ... از طرف راه، مزارع و دهات بسیار است، همه‌جا برنج و ابریشم کارند....

کپورچال: همه‌جا جنگل و آبادی و در همه آبادی‌ها ابریشم به عمل می‌آورند ....

خطبه‌سره: ... ابریشم کمی به عمل می‌آید. زراعت برنج بسیار دارند. گندم و جو هم می‌کارند.

**بازار و تجارت:** رودبار: مردمش چندان در قید آبادی نیستند، کسبه آن جا بیشتر از خارج ولایت‌اند.

اما مزاده هاشم: ...در وسط منزل جایی است موسوم به پنج‌شنبه بازار، روزهای پنج‌شنبه از شهر و دهات، مردم در آن جا جمع شده، بیع و شری می‌نمایند. بازار باصفای است، حمامی هم دارد، همه قسم از اصناف و کسبه در آن جا هستند.

رشت: ...بیشتر مایحتاج آن جا از اطراف آید.

رحمت‌آباد: اجنباسی که از خارج می‌آورند، به قیمت اعلی می‌فروشند.  
پیربازار: ... منزلگاهی به جهت معامله ساخته‌اند.

اسالم: تجارت آن‌ها با رعیت روس است، چوب بسیار از این جنگل به سمت بادکوبه از راه دریا حمل می‌کنند.

کرگانه‌رود: ...تجارت چوب، برنج و ابریشم با رعیت روس می‌کنند.  
خطبه‌سر: ...تجارت چوب، برنج با رعیت روس دارند.

حويق: با رعایای روس تجارت چوب، برنج، عسل، روغن و گوسفند می‌کنند.  
قلعه‌شن‌دان: برنج و ابریشم زیاد دارند، گندم و جو هم به عمل می‌آید، بار تجارت روسیه در آن جا فرود آید.

کاروان‌سراهای رستم‌آباد: در سه ساعتی رودبار، کاروان‌سرایی است  
موسوم به رستم‌آباد، در محل دیگر هم علامت عمارتی است.

اما مزاده هاشم: در نیم ساعتی این امامزاده، کاروان‌سرایی از بنایی معتمدالدوله منوچهرخان گرجی، که در دولت خاقان مرحوم، به حکومت گیلان مأمور بود. قدری خراب شده است.

پل‌ها: منجیل: در یک ساعتی منجیل پلی است از سنگ و آجر که بانی کاروان‌سرای پاچنار ساخته است.

رودبار: پل خوبی دارد و در زمان ناصرالدین شاه ساخته‌اند.  
رسنم‌آباد: در کنار این رودخانه بزرگ یک جا علامت پلی است از قدیم. در محل دیگر هم علامت عمارتی است. در یک فرسخی امامزاده‌هاشم برحسب امر ناصرالدین شاه، پل خوبی ساخته‌اند.

**قلعه‌ها و برج‌ها:** مناره انزلی: در عهد دولت محمد شاه مرحوم، در جایی که مرداب داخل دریا می‌شود و محل عبور کشتی‌هاست، باستیانی به جهت توپخانه ساخته‌اند که شب‌ها در سرِ مناره چراغ گذاشته می‌شود که کشتی‌ها در وقت انقلابِ هوا، را و عبور خود را از دست نداده، به سلامت گذرند.

قلعه لیسار: در وسط جنگل، کوه کوچکی است محروم‌طی و مرتفع که از کوه بزرگ به قدر نیم ساعت و از دریا به قدر یک ساعت دور است. در سرِ آن کوه قلعه کوچکی است به قدر صد ذرع در صد ذرع. در وسط این قلعه، نارنج‌قلعه دیگر دارد سرکوب به قلعه اول. از سنگ و آجر و آهک ساخته شده است، عمارتش خراب است. بعضی از دیوارهای خود قلعه باقی است، موسوم به لیسار که مخفف لیث آثار است؛ می‌گویند از بنای‌های عمرو لیث است. در میان قلعه چشمۀ آبی هم هست. کوه‌اش سبز و درخت هم دارد و آب چشمۀ اش جاری نیست. روی او را مثل آب‌انبارها پوشیده‌اند. اهل آن‌جا مذکور کردند که مکرر جلو این آب را کنده‌اند که به جهت زراعت از بلندی به زیر آید. آب چشمۀ پایین رفت و جاری نشده است. در قلعه از سمت دریاست....

قلعه شن‌دان: آخر محال کرگانه‌رود بر سر کوهی، قلعه کوچکی از سنگ قدیم ساخته‌اند موسوم به قلعه شن‌دان. آبادی ندارد و مُشرِف بر دریا و جنگل [است]....

## ۵۰ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

**صيد و شکار:** پیربازار: در کنار رودخانه‌ای که یک شعبه از سفیدرود است و گمی‌های انزلی در آن جا بار فرود آرند، منزلگاهی به جهت معامله ساخته‌اند. در همین محل شیل ماهیگیری است.... .

آن‌لی: ... سه فرسخ دیگر مردابی است که متصل به دریاست و اندازه عبور آن به دست هوا. در این مرداب انواع مرغ آبی و اقسام ماهی‌ها شکار می‌شود.

**سیما و چهره:** رشت: اهلش سفید پوست‌اند. صورت‌های خوب به هم می‌رسند، خاصه در طایفة زنان.... .

**مذهب:** گرانه‌رود: ... در طوایف تالش سنی و شیعه مخلوط‌اند.

**قومیت:** حویق: ساکنان خطبه‌سرا، قلعه لیسار [و] حویق، تالش‌اند.

(سیف‌الدوله: ۴۵ - ۳۳)

## ● سفرنامه صنیع‌الدوله

(سال ورود: ۱۲۹۰ ه. ق)

محمد‌حسن خان اعتماد‌السلطنه، مشهور به صنیع‌الدوله (۱۲۵۹-۱۳۱۳)، از اولین شاگردان مدرسه دارالفنون بود. وی که بعدها به درجه سرهنگی رسید و مترجم مخصوص ناصرالدین شاه شد، در سه سفر ناصرالدین شاه به اروپا، از همراهان او بود.

آبادی‌ها: پیربازار: بارها را تحويل اشخاصی داده، به جهت بارهای دیوانی کرجی گرفته، روانه پیربازار نمود.

انزلی: روز پنج شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۹۰ ق به بارگاه انزلی رسیدیم، کشتی لنگر انداخته، من بنده به قایق نشسته به انزلی آمد....

بیماری: نوکرهای من این‌جا هستند، اما مشغول تب و لرز. آشپز دارم، اما حالت طبخ ندارد. قهوه‌چی چای نمی‌تواند بپزد....

کشتی‌رانی: نه دریابیگی دید و نه نایب‌الحكومة انزلی داد و بیداد و فریاد کرد. نایب‌الحكومة انزلی را پیدا کرد و چند کرجی اجاره کرده، به کشتی فرستاد. قدری از بارها را تا وقت مغرب آوردند، مابقی را فردا صبح خواهند آورد....

بزرگان و مشاهیر: عبدالرسول سرتیپ، نایب‌الحكومة آن‌جا [گیلان] را خواستم.

به خانه میرزا نصرالله مستوفی گیلانی که از طرف حکومت به جهت من منزل قرار داده بودند، رفتم.

(اعتماد‌السلطنه: صص ۵۶ - ۶۰)

(سال ورود: ۱۲۹۰ق)

### ● سفرنامه عزالدوله به اروپا

عبدالصادم میرزا سالور، معروف به عزالدوله (۱۳۴۸-۱۲۶۰)، فرزند محمدشاه قاجار بود. وی حکومت همدان، بروجرد و بختیاری را بر عهده داشت و در ۴۲ سالگی وزیر عدلیه شد. او در سال ۱۲۹۰ق، هنگام سفر به اروپا، از گیلان عبور کرد و حاصل سفر خود را در سفرنامه‌اش آورد.

**آبادی‌ها:** هاشم‌آباد: باری آمدیم به هاشم‌آباد، عجب چمن دلگشایی است، اطراف همه کوه‌ها سبز است....

رشت: روز دوازدهم آمدیم رشت، از میان شهر گذشتیم. در بیرون شهر، سمت شرق میدان ناصری اردو افتاده.

امامزاده هاشم: صبح از امامزاده هاشم با اسب چاپاری روانه شدیم....

**باغ‌ها و گیاهان:** اول به باغ میرزا مستوفی رسیدیم، تماشا کردیم، از آن جا به ضیائیه چای خوردیم... بعد به ناصریه رفتیم، منظریه را دیدیم... به کردمحله رفتیم... به باغ حاجی میرزانصیر رسیدم، باغچه پر از مریم و قصر خوب، خیابان از درخت آزاد داشت....

**کنسول‌های رشت:** بعد از ناهار، کنسول انگلیس، میستر فین، بعد والاسوف، کنسول روس، دیدن کردند....

**سیما و چهره:** چند صورت خوب در رشت دیدم که مدت عمر ندیده بودم. بسیار سفید لطیف هستند. با مردمش دوستی نکردم، محبتی هم ندیدم....

**بناهای:** عمارات محکم از چوب ساخته‌اند... سه ربع به غروب مانده به عمارت حکومتی رشت وارد شدیم....

**پل‌ها:** به کرد محله رفتیم، از یک پل کهنه که درخت و بوته به پایه‌های آن

روییده و از دور با جنگل اطراف شکل بسیار خوب می‌نمود، رسیدیم. از روی پل گذشته، داخل کردمحله شدیم....

**کشتی‌رانی و کشتی‌سازی:** در رکاب مبارک به کشتی کوچک بخار نشسته و از مرداب گذستیم. در نزدیک یک رودخانه به قایق و لتكا نشستیم و در پیربازار پیاده شدیم....

پرسیدم چرا در شهری مثل رشت و انزلی [قایق] نمی‌سازند؟ گفت: نه این چوب را دارند، نه استاد قابل. به جز این دو قایق نتوانستیم از بادکوبه بیاوریم. من و همراهان، از این معنی تعجب کردیم، از جنگل‌هایی که در صفحه گیلان به نظر می‌آید که اقسام درخت‌ها را دارد و قابل ساختن کشتی‌ها است و از بی‌ترتیبی و ندادانی حیرت کردم، چاره جز سکوت نبود....

**بزرگان و مشاهیر:** جناب والی گیلان نایب و مترجم کنسول روسی، امین دیوان، نصرت‌الله‌خان سرتیپ و سایر اعیان گیلان آمده بودند.... .

یحیی میرزا [نایب‌الایاله گیلان]، حاجی محمدعلی خان امین‌الرعايا تا شاقاجی آمده بودند، توقف شد. سه ساعت و نیم به غروب مانده، روانه شدیم، جناب والی [عبدالله‌خان اعتماد‌الملک] با جمعی از اعیان و کارگزار خارجه نایب و مترجم قسنول روس.... .

(سالور: صص ۱۸۵ - ۲۸۴)

## ● سفرنامه فرهاد میرزا

(سال ورود: ۱۲۹۲ ق)

فرهاد میرزای معتمدالدوله (۱۳۰۵-۱۲۳۳ ق)، فرزند عباس میرزای نایب‌السلطنه بود. در جوانی همراه پدر به تبریز رفت و به تحصیل علوم پرداخت. در ۱۷ سالگی از طرف محمدشاه به تمثیت امور خوزستان و لرستان گماشته شد. در سال ۱۲۹۲ ق عازم مکه شد. این سفرنامه زره آور دان سفر است.

**موقعیت جغرافیایی:** رشت: ... در عرض شمالی سی و هفت درجه و بیست دقیقه استوا و در طول چهل و نه درجه و سی و پنج دقیقه گرینویچ رصدخانه لندن واقع شده است. انحراف قبله از جنوب به مغرب بیست و هفت درجه است و پنج درجه نیز تفاوت انحراف قطب فی علاوه بشود، سی و دو درجه خواهد بود.

**پیربازار:** پیربازار در طرف شمال و غرب به شمال رشت واقع است. عرض مرداب تقریباً سه فرسخ است.

**انزلی:** انزلی به اصطلاح اهل جغرافیا، پنین شلّا است که سه طرف او آب و یک طرف او خشکی باشد. به یک لحظه او را شبیه الجزیره می‌توان خواند. در طرف جنوبی او جزیره میانپشته واقع است که تقریباً هفت صد - هشت صد ذرع طول دارد و متنهای او سیصد ذرع است.

**بادها:** گیلدار: باد گیلدار که باد جنوبی است، می‌وزد. کپیتان می‌گفت: این باد خوبی است، نسبت به کشتی که به انزلی می‌رود. اصل او یا گیل آور است که گل مرداب انزلی را به دریا می‌آورد و یا گیلان آور است که از طرف گیلان می‌وزد. بعضی این باد را گیلوا می‌گویند، یعنی باد گیلان. که وا به معنی باد است. ولی گل آور به نظر من صحیح آمد، چرا که وقتی این باد

می‌و زد آب مرداب داخل دریا می‌شود که به قدر دو سه میل رنگ آب دریا تغییر می‌کند که گل آلود است و گل آور مناسبت دارد... گیل وا بر وزن بی‌نوا از مابین جنوب و شرق می‌و زد... .

باد خزری: ... وقتی که باد شمال می‌و زد، آب دریا داخل مرداب می‌شود، رنگ آب مرداب رنگ دریا می‌شود که کبود است و مزه‌اش را هم متفاوت می‌کند. میرعلی اکبرخان می‌گفت: هر وقت که باد خزری از شمال می‌و زد، دریا طغیان و انقلاب دارد. باد خزری - به سکون زای معجمه - باد شمال است که باد طوفان و انقلاب است، چون از طرف شمال دریای خزر می‌آید، اهالی آن صفحات خزری می‌گویند... .

دشت‌وا: باد دشت‌وا که از طرف مغرب می‌آید، باز دریا انقلاب دارد... .  
کناروا: باد کناروا از طرف جنوب می‌و زد که آب مرداب را به دریا می‌برد... .  
باد کندقوش: از طرف مشرق می‌و زد که در این دریا و مرداب اصطلاح آنها را بر این است.

کوه‌ها: کوه ڈلفک: کوه ڈلفک - به ضم دال مهممه بر وزن ژلفک... در این کوه می‌گویند چاه بیخ است که همیشه بیخ دارد. این کوه در جنوب شهر رشت واقع است. این کوه را عوام گیلان چون در جنوب رشت واقع شده، قبله می‌دانند و اغلب عوام از هر طرف به سمت او نماز می‌خوانند.

درختان و گیاهان: سرو منجیل: ... در این قریه [هرزویل منجیل] سروی است، به حضرت و نصرت او سرو دیده نشده و يحتمل در ولایات دیگر هم نباشد. به تماشای او رفتم. دو نفر، علی نام و رمضان نام، تا بالای سراو رفته‌اند که از انبوی هی برگ‌های سرو دیده نمی‌شدنند. ارتفاع او بیست و یک ذرع است. سرو قریه فنا در شیراز از این بلندتر است و بزرگ‌تر است. ولی او پریشان و افسان است، مثل این شاداب و سبز نیست. این شادابی و

حضرت از رطوبت هوا است.

درختان جاده امامزاده هاشم: از یک فرسخ به امامزاده هاشم مانده تا شهر رشت، بهشت روی زمین است. خیابان مسطح در میان و درخت‌های سبز بسی شمار در یمین و یسار و نمن هم باران بر لطافت هوا افزوده و درخت‌های ترسه - با سین مهمله بر وزن بوسه - دیده شد، که هرگز یکی از آن‌ها در جنگل فارس و لرستان و کردستان دیده نشده است.... .

جتکل نقل‌بر: تا راهدار نقل‌بر، جنگل طرفین راه انبوهی با شکوه و اشجار قوی و بلند است، از آن پس رفته‌رفته تنگ و کوتاه می‌شود که نسبت به طرف رشت، این طرف حکم عراق را دارد.

درختان میوه: ... کالسکه را تا کهدم آوردیم، در یمین و یسار راه درخت‌های شکوفه آلوجه جنگلی و شفتالو و سیب و خیلی باصفا بود. جنگل‌های گیلان تا اواسط جوزا همیشه شکوفه است، بعد از آن که سیب و شفتالو و کوچح تمام شد، شکوفه به است و پس از آن انار است و بعد نوبت گل ابریشم است که دو ماه امتداد دارد و بنفسه سفید و بنفس در کنار راه آبی حساب بود.... .

آبادی‌ها: نویسنده از منجیل، رستم‌آباد، رحمت‌آباد و کهدم (در قریه سراوان) یاد می‌کند.

میان پشتۀ انزلی: ... عصری به اتفاق ناصرالملک و حاجی بهاءالملک به جزیرۀ میان‌پشتۀ، به باغ میرزا عبدالوهاب مستوفی رفتیم.

غازیان: در انزلی بعد از ظهری به کرجی سوار شده، به تماشای غازیان رفتیم. به قدر بیست دقیقه کشید که به بغاز مرداب حرکت کردیم.... .

سفید‌کتله: سفید‌کتله که اول گردنۀ و کوه‌سار است، متصل به سفیدرود است که از پهلوی او می‌گذرد... کتله به زبان گیلانی محرکه محرف کوتل

ترکی است، چون خاک آن سفید است، لهذا سفید کتله گفته‌اند... .

**کشاورزی:** رستم‌آباد: در رستم‌آباد زراعت گندم و جوزیاد می‌شود... .

**صید:** انزلی: در میان مرداب به قدر یک ساعت برای تماشای شکار ماهی که دام گسترده بودند، معطل شدیم... در یک دام به قدر یک کرجی که پر شده بود، سی چهل عدد ماهی بزرگ اسپیله بود که بسیار بد هیأت است.... .

**بقعه‌ها:** بقعة خواهر امام رشت: ... شب بود. به زیارت بقعه‌ای که می‌گویند همشیره حضرت امام ثامن ضامن علیه السلام است، رفتم و وجه تسمیه را چنین گویند که قدیم آن جا آثار قبری نبوده است، جوانی در حالت مستی از آن جا می‌گذشته، می‌خوانده و هرزگی می‌کرده، صدایی شنیده است که لال شوی و آن جوان لال شده، آن جا افتاده است. بعد آن جا کاویده‌اند، آثار قبر پیدا شده است، مسمات به فاطمه.... .

**بازار:** سنگر: ... از چاپارخانه تا پل سنگر که نزدیک بازار اکبرخان است به شمال حرکت شد.

**بناهای:** رشت: ... خانه‌های تمام اعیان از جهت کثرت باران سفال پوش است.... .

انزلی: ... در انزلی عمارت خوبی منوچهرخان معتمددالدوله ساخته است. در انزلی برج بسیار خوب عالی، اعلیٰ حضرت همایون، خلَّدَ اللَّهُ ملکه، ساخته‌اند. پنج مرتبه است. طرف شرق و طرف شمال او دریا است. در این سال آب از دریا رخنه به باغ کرده و از طرف شرقی خرابی رسانیده است... بیست ذرع دیگر مانده است که آب دریا به پای برج سلطانی برسد... ارتفاع برج سلطانی بیست و دو ذرع است.... .

**کاروان‌سراهای:** ... کاروان‌سرای [منجیل، کاروان‌سرای] خیلی کثیف و بدی بود. کاروان‌سرا از بنای‌های حاجی محمد‌هادی تاجر است که پل ساخته است.

به فاصلهٔ قلیلی کاروان‌سرا داخل شاهروд می‌گذرد... این کاروان‌سرا به جز طویلهٔ مال، هیچ جای نشیمین ندارد که بتوان دو ساعت آن جا زیست کرد.

**چاپارخانه‌ها:** رستم‌آباد: از منجیل به چاپارخانه رستم‌آباد رفتیم، چاپارخانه خوبی است...

کهدم: از چاپارخانه رستم‌آباد حرکت شد، به چاپارخانه بلوك کهدم رفتیم ... چاپارخانه بسیار خوبی است. مرحوم قاسم خان والی پسر دوست علی خاله معیرالممالک از مال دیوان ساخته است.

**راه‌ها:** پل منجیل تا رشت: میرزا مهدی رشتی می‌گفت: از پل منجیل تا پل حاجی محمدباقر که خارج شهر رشت است، مساحت کرده‌ایم، هفتاد و پنج هزار و سیصد ذرع بزازی عراقی است.

قلعه خزران تا شهر رشت: آقا کاظم کخدای خزران باز گفت: که سه چهار سال قبل یک نفر از فرنگی‌ها آمده بود، مساحت این کوه‌ها را می‌کرد. او می‌گفت: که ارتفاع قلعه خزران تا شهر رشت سه هزار و سیصد و سی دو ذرع است.

**کشتی‌ها:** انزلی: در این دو سه روز کشتی‌های بزرگ را با طناب به کرجی‌های کوچک بسته و آن کرجی‌ها آن‌ها را می‌کشیدند و از بوغاز داخل دریا می‌کردند ... نه عدد کرجی بزرگ که احمال و انتقال داشت، قطار به دنباله می‌پرداخت بسته بودند و می‌کشیدند. خیلی تماشا داشت...

**پل‌ها:** پل لوشان: ... این پل را حاجی محمدهادی تاجر میانجی، ساکن فزوین، در اواخر دولت شاه شهید ساخت... و در این مدت هشتاد سال واندی، هیچ رخنه‌ای در او یافت نشده. این پل بالای رودخانه شاهرود طالقان است که رود الموت و روبار و غیره نیز داخل او می‌شود. الحق بسیار ثواب کرده، در طغيان، آب مایه زحمت متعددین می‌شد...

پل سفیدرود: ... در این رودخانه مرحوم سلیمان خان قاجار قوانلو، پلی ساخته، خیلی خوب بنایی است، ولی حالا دو چشمۀ آن خراب شده است که از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی حکم به تعمیر او شده است.

پل منجیل: پل منجیل هفت طاق است. طاق بزرگ او که متصل به کوه است، بیست و دو ذرع دهنۀ دارد. دو طاق وسط مطابق سنه ۱۲۹۱ ، در یک سیlab خراب شده است و حاجی ملارفیع مرحوم در ساختن آن یک پایه و تسطیح شوارع گیلان خیلی زحمت کشیده است.

پل سیاهرود: ... از ثلث مرحوم حاجی ابوالقاسم یزدی، پل بسیار خوبی مرحوم حاجی ملارفیع ساخته است که خیلی به کار متعددین می‌آید.

پل رشت: در نزدیکی شهر پل خوبی است که حاجی محمدباقر تاجر ساخته است.  
پل منجیل: ... پل منجیل که وقت رفتن دو چشمۀ او خراب بود، طاق یک چشمۀ او تمام شده بود و یک چشمۀ دیگر را هم استاد اکبر معمار گفت که در اوایل جمادی الاول تمام می‌شود.

اقوام و طوایف: طایفۀ چکنی: از منجیل به کاروان‌سرای پاچنار آمدیم. چون کاروان‌سرای خیلی کثیف و بدی بود که چادر هم نمی‌شد آن جا بزنند، ناچار در قشلاق طایفۀ چکنی که در نزدیک کاروان‌سرای کثیف، حکم کربلایی کاظم چکنی منزل کردیم که نسبت به کاروان‌سرای کثیف، حکم قصر شریف دارد. اهل قشلاق هم کلّاً به بیلاق رفته بودند. در قشلاق دو سه نفر برای فروختن کاه و جو به راهگذار گذاشته بودند... در دامن کوه چند سیاه‌چادر از چکنی‌ها بود، آن‌جا در سیاه‌چادرها به نهار افتاده‌ایم.

بزرگان و مشاهیر: ... در شهر به خانۀ میرزا محمدعلی خان لاهیجی امین دیوان رفتم.

## ۶۰ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

... جناب ناصرالملک محمودخان، حاکم گیلان، در این چند روز از پرستاری و غمخواری کوتاهی نکردند.

... در دهنه رودخانه علی اصغر تلغافچی و عبدالحسین خان پسر عمه رشتی و پسر میرزا عبدالوهاب مستوفی به استقبال آمدند. در پیر بازار از اعیان شهر و کسبه شهر میرزا عبدالوهاب مستوفی، میرزا معصوم کاربرد از خارجه، حاجی میرزا نصیر مشهور به حاجی شاکم و تجار و اعیان و دیگر به استقبال آمده بودند.... .

... وقت غروب آفتاب وارد شهر رشت شدیم. جناب ناصرالملک می‌خواست در دارالایاله منزل بدهد. چون وقت رفتن از خارج شهر به خانه میرزا محمد علی خان، امین دیوان آمده، رفع کسالت شد.... .

... صبحی علمای اعلام کثرالله امثالهم، اول جناب شیخ جواد، بعد از آن جناب ملام محمد علی امام جمعه، بعد از آن حاجی ملاقاسم، بعد از آن جناب سلامه الاطناب آقامیر عبدالباقي، تشریف فرما شدند.

... صبحی حاجی محمد ابراهیم، پسر مرحوم شریعتمدار، حاجی ملارفیع که در ده بود، مراجعت کرده با اخوان به دیدن آمده بودند. بعد به دیدن عمه مکرمه ملکزاده، خانم کوچ علیجاه محمودخان رشتی پسر قاسم خان فومنی رفتم... در آنجا خانم چرچل، صاحب قونسول انگلیس به دیدن آمد، از اهل انگلیس است و در چند زبان استاد است... .

(معتمدالدوله: صص ۲۳ - ۳۲ - ۳۱۸ - ۳۲۶)

## ● سفرنامه حاج سیاح محلاتی

(سال ورود: ۱۲۹۶ ق)

حاج میرزا محمد علی، معروف به حاج سیاح (۱۲۵۲-۱۳۴۶ ق) در محلات متولد شد. وی در ۲۳ سالگی به فکر سفر افتاد و از بخش‌های مهمی از آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا دیدن کرد. وی به دلیل آشنایی با سید جمال الدین اسدآبادی مدتی به مشهد تبعید شد. حاج سیاح در خلال یکی از سفرهای خود از گیلان گذر کرد.

جانوران: در رودبار حیوانی شبیه غریب‌گز از میان انگشت دستم چنان چسییده بود که نصف آن به گوشت فرو رفته، بعد از این که کنندم، خارش زیاد کرد، اثر آن تا چند سال نمودار بود.

جنکل و حیوانات: در آن جنگل‌ها انواع پرنده و حیوانات پرنده و درنده مسکن دارد، پلنگ در آن‌جا وجود دارد، بلکه بنابر مشهور ببر هم زیاد دیده می‌شد....

گاو و گاو میش: گاو و گاو میش گیلان امتیازاتی دارد. شنیدم شاخ بعضی گاو میش را تیز می‌کنند که چون دائماً یا غالباً در صحراها می‌چرند، اگر گرگ یا پلنگی یا ببری به آن‌ها حمله کرد، بتواند جنگیده و خود را خلاص کنند و بسیار دیده شده است که گاو میش پلنگ را هلاک کرده است.

مالکیت: املاک و مزارع و دهات رشت بسیار پر قیمت و منفعتخیز و غالباً ملک اعیان و تجار و ملاهای رشت است.

برنج، ابریشم و صنایع دستی: برنج که اغلب آن‌ها را زن‌ها می‌کارند - و چه برنج پستدیده‌ای، به قدر کفایت حاجت تمام ایران بلکه بیشتر - در گیلان و مازندران به دست می‌آید....

در صحراها غالباً می‌دیدم زنان برنج می‌کارند و در وقت اشتغال

به یک نغمه مخصوص که گیلکی می‌گویند، خوانندگی می‌کنند. اگر دولتی بود مواظب یا ملتی دانا، ابریشم گیلان کرورها فایده در هر سال می‌توانست ببخشد... قلاب‌دوزی و پرده‌دوزی و نساجی ابریشم و چادرشیب زنانه و روی‌فرشی خوب و همه این متاع‌های جالب ثروت است....

تجارت: هزاران خروار به روسیه و قفقاز برنج حمل می‌شود... مال التجاره ایران که از آنجا حمل می‌شود، پنبه و ابریشم و خشکبار و پوست بره و گوسفند و فروش برنج و ماهی است و مال التجاره روسیه از آنجا همه حوایچ ایران.

نفوذ روسیه در گیلان: این چنین ملک پسندیده و نعمت خدا داده، بعد از مفت بردن روس بحر خزر را و قفقاز و اظهار دوستی ظاهری با دولت عیاش ایران، نفوذ روس دائماً در آنجاها را به ازدیاد است....

غذاها: اغلب غذای گیلاتیان برنج است، نان کم می‌خورند، در بعضی نواحی نان نادر است. ماهی شور که از جمله متاع معتبر شیلات است، از آنجا به هر طرف می‌برند.

قنسول: از دول معظمه در آنجا قونسول هست.

رفتارشناسی مردم: و به واسطه رطوبت هوا، مزاج اغلب سکنه آنجا رطوبتی و مایل به کسالت و بسیار مردمان ساده‌لوح، خوش‌باور و ترسویی هستند و به خرافات زیاد مایلند.

بیماری‌ها: به واسطه کثرت رطوبت و مرداب‌ها در حرارت هوا، اغلب مردم دچار تب و نوبه می‌شوند.

کاروان‌سرا: در کاروان‌سرای حاجی ملارفع [در رشت] منزل کردیم.

معماری: رشت به واسطه شهرت باران، عمارت تمام آجر و سقف‌ها شیروانی و سفال‌پوش است و غیر آن تاب باران ندارد.

## گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی / ۶۳

راه‌ها: راه را از رودبار تا رشت، حاجی ملارفیع، معروف به شریعتمدار ساخته که برای عبور در آب سهل شده والا عبور حیوانات از باتلاق‌ها و نیزارها خیلی مشکل بوده است. از رستم‌آباد تا رشت هم یک روز راه است. از رشت تا پیره‌بازار که از کنار مرداب است و از آنجا باید با آب رفت، یک فرسخ است...

کشتنی‌رفتی: برای حرکت تحقیق کردم، معلوم شد کشتنی دودی‌های یک دفعه از روسیه به انزلی آمده و حرکت می‌کند و کشتی‌های تجارتی هم در اوقات مختلفه به طرف شهر نور حاجی ترخان و بادکوبه و لنکران و سالیان رفت و آمد می‌کنند... در کنار آب، چند باب دکان و قهوه‌خانه و منزل مال التجاره هست. از آنجا به زورقی سوار شده، وارد انزلی گردیدم...  
بزرگان و مشاهیر: حاجی ملا‌احمد، که از مکه تا مدینه همسفر بودیم و حاجی معین التجار، که از آشنايان قدیم و آقا سیدرضی، که شخص نجیب نیک‌فطرتی است و حاجی امام جمعه، که از همسفران حج بود... همین که برگشتم، گفتند: اسباب تو را بردن! معلوم شد که حاجی میرزا ابراهیم حافظ‌الصحه امر کرده بودند و نوکرش در انتظار بود، به اصرار به منزل ایشان رفتم. حاجی میرزا محمد که از اجله علمای آن‌جاست، برادر حافظ‌الصحه است...

حاکم گیلان عبدالله‌خان بود که مردم والی می‌گفتند و از او شاکی بودند، ملاقات نکرد و از سوءرفتار او بی‌ارادت شدم...  
شی خاجی معین التجار مهمانم کرد. آقا سیدرضی و اکبرخان بیگلر بیگی که گمرک ایران به او سپرده شد و ثروت بی‌پایان جمع کرده، در آنجا بودند...

( محلاتی: صص ۲۰۹ - ۲۱۱)

## ● سفرنامه حسام‌السلطنه

(سال ورود: ۱۲۹۷ هق)

سلطان میرزا حسام‌السلطنه (۱۲۳۳-۱۳۰۰ ق)، پسر سیزدهم عباس‌میرزا بود. وی به مناصب مهم حکومتی دست یافت و در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا همراه او بود.

تبرستان

رشت: این شهر را ۹۰۰ هجری بنادره‌اند و لفظ رشت، تاریخ بنای آن جاست...

بقعه: بقعه فاطمه، خواهر حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) که در نزد عوام معروف به امامزاده لال شوی است، در شهر رشت می‌باشد...

باغ‌ها: وارد باغ ناصریه شدم، این باغ را مرحوم قاسم والی ساخته... فضای باغ ناصر خیلی باصفا است... در باغ ناصریه اقامت شد...

کنسول روس در رشت: نایب اول قونسولگری روس که بعد از فوت قونسول مدیر قونسولخانه است... مرد زیرک هوشیاری بود، اگرچه به توسط مترجم سؤال و جواب می‌نمود، ولی گیلاتی‌ها می‌گفتند زبان فارسی نیز می‌داند، بلکه از عربی هم بی‌بهره نیست...

بناهای و عمارت‌ها:... ضیاء‌الملک نیز کلاه‌فرنگی در آن طرف پل که در میان باغ است، احداث نموده است. عمارت رشت به واسطه کثرت بارندگی در سقف‌ها سفال به کار برده و با آن بام‌ها را پوشانده‌اند.

وضعیت راه‌ها: از سنگر تا رشت دو فرسخ مسافت است و حرکت رو به شمال و مابین شمال و مشرق است....

از شهر رشت به پیربازار مسافت یک ساعت و نیم است... خیابانی تا پیربازار تسطیح کرده‌اند، کالسکه به سهولت می‌رود... از پیربازار تا کشتی سلطانی یک ساعت و نیم راه است....

پل: در نزدیکی شهر پل است، که آن را حاجی محمد باقر ساخته است.... .  
کشتی‌رافق: چند زورق با نهایت تنقیح در برابر پیربازار حاضر کرده بود که  
کشتی بخار سلطانی را هم که بسیار خوب و ممتاز است، به قدری دورتر  
از دهنه رودخانه نگاه داشته بودند.... .

بزرگان و مشاهیر: در یک فرسخی شهر برادر و اقوام مرحوم میرزا ذکی  
نایب به استقبال آمده بوند.... .

والی وی میرزا مشیرالوزرا و حاجی میرزا نصرالله مستوفی و  
محمدقلی خان قاجار که عازم مکه معظمه بود، صبح به تدریج آمدند و  
نایب قنسول هم با میرزا عبدالله، مترجم لنکرانی... در منزل عبدالله خان  
والی مهمان بودیم، علمای شهر هم به دیدن آمدند، مقارن غروب  
مشیرالوزرا علی خان، پسر مرحوم نظام‌الدوله که کارپرداز امور خارجه  
گیلانی است به باغ آمد... همراهان که تذکره برای آن‌ها گرفته شد، از این  
قرار است: ... امیرزاده ابونصر، میرزا محمد میرزایی، پسر مرحوم  
نایب‌الایاله، جناب حاجی ملا باقر واعظ ملاباشی، میرزا رضای  
منشی باشی، میرزا سیدمهדי حکیم‌باشی، میرزا علی خان ناظر، محبوب  
تحویلدار، دولت‌قلی آبدار، نجفقلی شاگرد آبدار، محمدصادق فراش  
خلوت، محمدابراهیم فراش خلوت، بهرام قهقهی، استاد حسین  
خاصه‌ترash، امام‌قلی پیش خدمت، استاد حسن طباخ و شاگردش، مهدی  
شربت‌دار و شاگردش، هادی بک، نایب فراش‌خانه، حسین‌قلی خان، عطا،  
فراش‌باشی حاجی شکرالله خان تفنگداری‌باشی، میرزا تقی، برادر میرزا  
علی خان، آدم عطاخان، آدم حاجی شکرالله خان، آدم میرزا علی خان، آدم  
حاجی ملا باقر واعظ، ملامحمد علی، آدم ملاباشی.... .

(حسام‌السلطنه: صص ۳۷ - ۳۹)

## ● سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی

(سال ورود: ۱۳۰۲ هق) میرزا محمدحسین حسینی فراهانی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ق)، فرزند میرزا

محمدمهدی فراهانی، شاعر و خوشنویس عصر فتحعلی، از مقربان ناصرالدین شاه بود. او در سال ۱۳۰۲ ق، در جریان سفر به مکه، به فرمان شاه سفرنامه

مفصلی نوشت و لقب ملک‌الكتاب گرفت

موقعیت‌های جغرافیایی: منجیل: ... دو فرسخ آن همه‌جا، گاهی از یمین و گاهی از یسار کنار رود است و دو فرسخ به منجیل مانده، روذخانه کنار می‌افتد که هیچ نمایان نیست. این دو فرسخ سنگلاخ و غالب دره و ماهور است تا آن که قریب به منجیل کوه کوچک جنگلی در وسط جاده است، از آن کوه که بالا رفت، منجیل است که در گودی و جلگه محرقی افتاده و این جلگه سبز و خرم و درخت‌های زیتون بسیار است....

آب و هوا: رشت: ... و هوای این شهر در کمال غلظت و رطوبت است و بدترین نقاط گیلان از حیث هوا، شهر رشت و قصبه رانکوه است...

و در چهارفصل، در این شهر باران می‌آید و گاهی می‌شود که چهل - پنجاه روز کسی آفتاب را نمی‌بیند. از عجایب آن است هر روز که شغال‌ها فریاد می‌کنند و سگ‌ها جواب فریاد آن‌ها را می‌دهند، فردا آفتاب می‌شود و اگر جواب ندادند، آفتاب نخواهد شد. این را در کتب قدیم هم در احوالات گیلان نوشته‌اند و کراراً به تجربه هم رسیده است، و در فصل تابستان اگر در گیلان باران بیاید، ناچار هوا سرد خواهد داشت و به جهت نوغان آفت خواهد بود و ضرر خواهد داشت و اگر باران نیاید، اولاً امراض زیاد خواهد شد، ثانیاً ضرر کلی به برج خواهد رسید. پس از باران

آمدن در تابستان و نیامدن، ناچار یکی از این دو زراعت خراب خواهد شد و بسیار کم است که هر دو زراعت در یک سال خوب شود و آفت به یکی از آن‌ها نرسد. و در این شهر برف و یخ به هم می‌رسد و برف بیش از یخ است. بعضی سالات به گیلان برف بسیار می‌آید و بعضی سال‌ها هیچ نمی‌آید و عقیده اهالی این است که هر سال برف زیاد نیاید، آن سال نوغان و برج خوب و امراض کم است....

... و همین که برف آمد در بلندی‌ها و تل‌ها، گودال‌ها به وضع یخچال درست کرده‌اند، برف را به محض آمدن به زمین در آن گودال‌ها می‌ریزند و روی آن را با علفی که موسوم به کرف و طبعاً سرد است، می‌پوشند، بر روی او خاک می‌ریزند، آن علف برف و یخ را از گرما حفظ می‌کند و در تابستان به کار می‌برند. و هر سال هیچ برف نیاید، درختان دو سه دفعه شکوفه می‌کند و دو دفعه بار می‌دهند و برف و یخ بسیار کم می‌شود و به مردم در تابستان سخت می‌گذرد و به جهت اعیان از کوه دلفک که نزدیک رحمت‌آباد عمارلو است، یخ و برف حمل به شهر رشت می‌نمایند....

**چشمه‌ها و آب‌ها:** منجیل: آب آن از چشمه‌سار است، از غالب کوچه‌ها آب جاری است.

کهدم: ... و در کلیه گیلان آب خوراک و استعمال‌شان از آب چاه است و هر خانه یک چاه یا دو چاه دارد که از یک ذرع الی سه ذرع حفر می‌نمایند و به آب می‌رسد و آب چاهش دم‌دار یعنی سنگین و نفاخ است، خاصه از صبح تا ظهر دمچ بیشتر است. و آب جاری میان کوچه‌ها در گیلان بسیار کم است، مگر در بلوکات کوهپایه و توالش که در کوچه‌ها آب جاری دارند.

... و در شهر رشت هدایت‌خان نهری احداث کرده بود و سدی بسته که از گوهر رود که کنار شهر واقع است، آب به وسط نهر می‌آمده است که

در جمیع کوچه‌ها آبِ جاری داشته، بعد از آن سد خراب و نهرهای بسیار  
در کوچه‌ها باقی است...

**گیاهان و درختان:** گیلان: ... در گیلان همه قسم میوه‌جات هست، سوای  
بادام و پسته که به عمل نمی‌آید. و مرکبات آن خوب و فراوان است، خاصه  
نقاطی که سرما و برفش کمتر است، از قبیل انزلی و رانکوه. اما میوه‌هایی  
که غیر از مرکبات در گیلان امتیاز دارد، مختصبه گوچه و امروند و به است  
و باقلاء و کاهوی گیلان بسیار خوب می‌شود و تعریف دارد...

رودبار: ... درخت زیتون بسیار در کوه‌ها و اطراف این قریه است، بعضی از  
آن‌ها خودرو و بعضی را دستی حرس کرده‌اند و همه درخت‌ها مالک و  
صاحب دارد و هر درخت باردهی از نیم قران الی سه قران منافع آنست.

از رودبار تا رستم‌آباد: ... و از رودبار که بیرون آمد تا مدتی درخت‌های زیتون  
در اطراف جاده است، و از میان آن‌ها باید گذشت.

از رستم‌آباد تا نقلبر: ... تا این‌جا درختان جنگل کم و کوچک بوده، از این به  
بعد درختان بسیار قوی و انبوه دارد و درخت ابریشم در این جنگل بسیار  
است که فصل گل آن‌ها بود و خیلی باصفاً و مقبول می‌نمود.

اما مزاده‌هاشم: ... جاده هموار و یمین و یسار جاده خیابان و درخت‌های انبوه  
جنگلی باصفا در دو طرف آن است... در محوطه بقعة او چند درخت آزاد  
کهن بلند است.

انزلی: ... هیچ بندری از حیثیت آب و خوب عمل آمدین درختان مرکبات به  
این وضع و خوبی دیده نشده است.

لاهیجان: در طرف شرقی شهر صحراپی است مسطح و فضایی است مرربع  
که به سبزه‌میدان موسوم است. این میدان به وضع چمن و در چهار فصل  
سبز و خرم و حقیقت سبزه‌میدان است و این صحرا ربع مستطیل و طول

آن هشت صد قدم و عرضش چهارصد و پنجاه قدم است....  
میان پسته: ... در وسط دریاچه تپه‌ای است سبز و خرم که میان پسته  
می‌گویند.

...در دیوشل بااغی در آن‌جا ساخته [میرزا مهدی خان منجم باشی]  
مشتمل بر پنج خیابان و پنج قطعه است: یک قطعه آن تمام گل سرخ است و  
به ندرت بعضی میوه‌ها هم دارد و چهار قطعه دیگر تمام مرگبات است که  
به نظم و ترتیب غرس شده و در اواسط هر کرد و مرگباتی سنبلا و نرگس  
و مریم و زنبق بسیار مرتبًا کاشته‌اند و در میان خیابان‌ها جداول آب جاری  
است که در کنار آن‌ها نیز همه نرگس و بنفسه است.

غذاها: گیلان: ... اغلب خوراک اهالی گیلان برنج و مرغ و ماهی و  
سبزی‌آلات است. اقسام مرغ‌های آبی و صحرایی و ماهی‌های بسیار ممتاز  
و سبزی‌های معطر خوب یافت می‌شود و نان کمتر صرف می‌کنند، مگر  
کسانی که به عراق آمده و عادت به خوردن نان کرده باشند. دهاقین ابدأ  
نان صرف نمی‌نمایند و استیحاشی از خوردن نان دارند....

کوه‌ها: لاهیجان: ... و شرقی این دریاچه کوه بلندی است [شیطان کوه] که  
دریاچه متصل به کوه است و سطح این کوه پُر گل و لاله و سبز است و  
تک تک درختان جنگلی دارد و رشته این کوه تا ولایت طبرستان کشیده و  
به خوش وضعی این میدان و دریاچه و کوه کمتر دیده شده است. و منبع  
آب این دریاچه از آب باران این کوه و از فاضل آب رودخانه‌ای است که از  
کنار شهر می‌گذرد و مُشرِف بر این دریاچه است: و این سبزه میدان و  
دریاچه از مستحدثات خان احمدخان است که از سلاطین گیلان و  
دارالملک او لاهیجان و داماد شاه اسماعیل صفوی بود و در زمان شاه  
عباس اول از سلطنت خلع و دریه در شده، پناه به سلاطین عثمانی برد....

**قلعه‌ها:** سمیران: سمیران قلعه‌ای بوده در میان جبال طارم که حالا خراب شده است.

دریای خزر:... و بحر خزر که دریای طبرستان و دریای گیلان و دریای جرجان و دریای آبسکون و دریای خراسان خوانده‌اند، همه این‌ها یکی است و از قرار مسطور، خزر نام پسر یافت بن نوح نبی (ع) است که در هنگام سیاحت، در شمال این دریا، قریب به رود آتل شهری بنا نهاده و به اسم خود موسوم نمود و دریا به اسم آن شهر مشهور گشت، بعد از آن جرجان و گیلان و طبرستان و غیره در اطراف آن دریا آباد شده، دریا را به اسم هر یک خوانندند....

... و بر طرف شرقی این بحر دشت خوارزم و بلغار و بعضی از خاک دیلم و طبرستان و جرجان است و بر طرف غرب آن قزلر و شیروان و خاک‌لان و باب‌الابواب است و بر طرف جنوب آن گیلان و توالش و بعضی از طبرستان و استرآباد و پارهای از خاک ترکستان است و بر طرف شمال آن دشت قیچاق و خاک خزر و حاجی ترخان است....

**دریاچه و مرداب:** لاهیجان:... و در انتهای این صحراء [سیزه میدان] از طرف شرق دریاچه‌ای است که هزار قدم طول و چهارصد و پنجاه قدم عرض دارد. این دریاچه در بهار و تابستان پرآب است و در پاییز و زمستان آبش به جهت زراعت به مزارع اطراف می‌رود و سطح دریاچه در نبودن آب، در کمال خضرت و صفا است و اطراف این دریاچه درخت‌های بید مرتبًا غرس نموده‌اند.

**آبادی‌ها:** رودبار: قریه رودبار دو قسم است، یکی رودبار علیا و یکی رودبار سفلی است.

رستم‌آباد: ... و رستم‌آباد بلوکی است که هفت هشت پارچه قریه است و

این قراء چون ملکی از ارباب‌های رشت است، بدین واسطه این بلوک نایب مخصوصی ندارد.

کهدم: کهدم هم اسم بلوک و هم اسم این قریه مخصوص است و آبادی این قریه کهدم در میان جنگل متفرق است و در جای مخصوصی مجتمع نیست، هر دو خانه‌وار - سه خانه‌وار در یک نقطه جنگل است، مثل سایر قرای گیلان....

رشت: شهر رشت از بناهای قدیم نیست و تاریخ بنای آن همین لفظ رشت است که در نهصد هجری بنا شده است. و طول این شهر از یک طرف متهی می‌شود به همین پل حاجی محمد باقر که بر سر رود کلاسه رودبار است که از اینجا به طرف عراق می‌رود و از یک طرف به پل چمارسرا متهی می‌گردد که آن پل بر سر رودخانه گوهرود است و از آنجا به فومن می‌رود. و عرض این شهر از یک طرف متهی به صحرای ناصریه می‌شود که از آنجا به قرای اطراف می‌رود و از یک طرف به رود کلاسه رودبار متهی می‌شود که از آنجا به راه کوچه اصفهان و لاھیجان می‌رود....

انزلی: انزلی از بنادر باصفا و از هرجهت نهایت استعداد از برای آبادانی دارد....

آستارا: ... آسترا در میان جنگل و سرحد ماین ایران و روس است و رودخانه‌ای که فاصل ماین خاک ایران و روس است، این طرف رود جزو خاک توالش و متعلق به دولت ایران است و آن طرف در جزو روسیه، هر دو طرف آسترا قریب دویست خانه‌وار سکنه دارد....

آستانه اشرفیه: ... و از جمله مواضعی که به سبب کثرت و طغیان آب سفیدرود خراب گردیده، آستانه اشرفیه است که سید جلال الدین اشرف آن جا مدفون و موافق نگارش صاحب بحر الانساب، از اولاد بلاواسطه

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. و این بقیه در جنب رود سفیدرود واقع است[...].

لاهیجان: ... لاهیجان از شهرهای قدیمة گیلان است و مشهور مابین گیلانی‌ها این است که از بناهای لاهیج بن نسی علیه السلام است. ولی در تواریخ ندیدم که لاهیج نام پسر حضرت نوح باشد، ممکن است لاهیج نامی، غیر پسر نوح، بانی این شهر بوده است. و متألقاً آبادی این شهر بسیار و خلقوش بی‌شمار و اغلب دارالملک گیلان بود و چند حادثه عظیمه آسمانی اسباب خرابی آن گشت....

محله‌ها: رشت: ... محله کیاب، محله زاهدان، محله بازار، محله صیقلان، محله چمارسر، محله خمیران زاهدان و محله خمیران کیاب. و محله آباد و معتبرش دو محله است که اغلب خانه‌های اعیان و تجار معتبر در این دو محله واقع شده است: یکی محله کیاب که عمارت دولتی و تپیخانه و تلگراف خانه و خانه قونسول انگلیس که متعلق به دولت است و سبزه‌میدان و خانه‌های طایفه حاجی محمدخانی که محمودخان و حاجی معصوم خان و نصرالله‌خان باشند و خانه‌های اولاد میرزا عبدالوهاب مستوفی همه در این محله است، یکی محله زاهدان که خانه نشیمن کارگزاری که متعلق به دولت است و خانه‌های امین دیوان و خانه‌های بیگلربیگی و کسانش و خانه‌های مرحوم میرزا موسی نایب و مرحوم میرزا زکی نایب و حاجی میرزا نصیر طایفه و حاجی حاکم و خانه‌های سایر طایفه حاجی سمعیع و خانه مرحوم حاجی ملارفیع و خانه حاجی محمدحسن معین التجار و ملک التجار و خانه قونسول روس که ملک دولت است و خانه‌های جمهوری فرنگی که سابقاً در گیلان بودند، همه در این محله است.

میان پشته انزلی: ... و در انزلی محله‌ای است موسوم به میان‌پشته که جزیره‌ای کوچک و در وسط آب واقع و ورثهٔ میرزا عبدالوهاب مستوفی، باعی در آنجا دارند موسوم به یوسف‌آباد. و اراضی این محله سابقاً بسیار آباد و مرغوب بوده، حال چون مکرر خرابی از آب یافته، نامرغوب گشته است.

غازیان [قاضیان]: ... و چند قریه کنار مرداب است من جمله قریهٔ قاضیان که مقابل انزلی واقع شده و خالصهٔ دیوان اعلیٰ و الان سپرده به اکبرخان بیگلر بیگلی است. و این قریه هم کمال استعداد به جهت آبادانی دارد و از راه خشکی این قریه به تمام بلوکات رشت می‌توان رفت. از طرف شرقی از کنار دریا به بلوک لشت‌نشا و لاهیجان و لنگرود می‌رود و مابین قاضیان و انزلی را می‌توان پل بست و متصل به یکدیگر کرد. عرض دهنهٔ مرداب مابین انزلی و قاضیان به دریا داخل می‌شود، سیصد و شصت ذرع است و یکصد و هشت از این سیصد و شصت ذرع عمق آبش از هفت ذرع الى هشت ذرع است، مابقی عمقش از نیم ذرع الى سه ذرع بیشتر نیست و عرض کلیهٔ مرداب قریب دو فرسخ و نیم و طول آن از قاضیان الى بلوک تولم خالصه است که سه فرسخ متجاوز است.

lahijan: ... و آبادی حالية این شهر از این قرار است، مشتمل به هفت محله است و اسامی محلات و عدد نفوس آن‌ها از قرار تفصیل ذیل است:  
محلهٔ خمیر کلایه، مشتمل بر یکصد و هشتاد و چهار باب خانه که یک هزار و سیصد و پنجاه نفر نفوس آن است؛ محلهٔ گابنه، مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج باب خانه که یک هزار و دویست و هشتاد نفر نفوس آن است؛ محلهٔ میدان، مشتمل است بر دویست و چهل باب خانه و یک هزار و هفت‌صد نفر نفوس آن است؛ محلهٔ شعریافان مشتمل است بر

یکصد و هشتاد باب خانه و یک هزار و یکصد نفر نفوس دارد؛ محله اردو بازار، مشتمل بر یکصد و نود باب خانه است و یک هزار و سیصد نفر نفوس دارد؛ محله پرهسر، مشتمل است بر یکصد و سی باب خانه و هفتصد و پنجاه نفر نفوس آن است؛ محله کاروان‌سرابر، مشتمل است بر هفتاد و پنج باب خانه که پانصد نفر نفوس آن است.

قریب سیصد درب خانه‌های گالی‌پوش به اطراف محلات است که نفوس آن هزار و کثیر می‌شود که به همه جهت ده هزار و کثیر نفوس آن است.... دیوشن لاهیجان:... دیوشن قریه‌ای است که در بغل کوه افتاده و قریب شصت خانه‌وار سکنه و دو سنگ آب جاری دارد و ملکی مرحوم میرزا مهدی خان منجم‌باشی [است]....

**جمعیت:** منجیل: قریه منجیل یکصد و پنجاه خانه‌وار سکنه دارد که قریب شش صد عدد نفوس آن است.

رودبار:... به همه جهت قریب پانصد خانه‌وار است که قریب دو هزار و پانصد نفوس است....

رشت: ... و در این شهر قریب پنج هزار خانه است که روی هم هر خانه‌ای دو خانه‌وار نشسته و هر خانه‌واری چهار نفر است و چهل هزار عدد نفوس آن می‌شود.

انزلی: و قریب دو هزار خانه‌وار سکنه آن است که تقریباً هشت هزار نفوس آن می‌شود.

lahijan:... و به همه جهت ده هزار و کثیر نفوس آن است.

اقلیت‌های قومی و مذهبی: رشت:... قریب دو هزار ارمنی در شهر و اطراف است که بعضی تبعه دولت علیه ایران و برخی تبعه خارجی‌اند.

رودبار: یکصد خانه‌وار آن ارمنی است.

**ادارات دول خارجی:** در شهر رشت از دول خارجه دو قونسول هست، یکی قونسول روس و یکی قونسول انگلیس.

**مراکز حکومتی و حکام:** رشت: شهر رشت دارالحکومه است، والی نشین و به جهت عمل بازار و غیره، از جانب حکومت کل، حاجی میرزا نصیر که مشهور به حاجی حاکم است، سال‌هاست حکومت شهر را دارد....

**لاهیجان:** بلوک لاهیجان: حاکم‌نشین قصبه لاهیجان است و حاکم آن میرزا حسن خان، پسر امین دیوان و یکصد و پنجاه سال متجاوز است که حکومت آن‌جا با امین دیوان و اجدادش است، مگر در این سال‌های پنج سال حکومت با فضل الله خان، برادر عبدالله خان والی بود.

**لشت‌نشا:** بلوک لشت‌نشا در جزو لاهیجان بوده و اغلب قرای آن خالصه خسروخان گرجی است. آن‌چه قرای خالصه لشت‌نشا است سپرده به امین‌السلطان و از جانب امین‌السلطان، اکبرخان بیگلریگی حاکم آن‌جاست و مشارالیه از جانب خود کسی دیگر را گماشته است....

**تولم:** بلوک تولم، جزو فومن و از خالصجات منوچهرخان معتمددالدوله است و کنار دریاست و حکومت آن گاهی با حاکم فومن و گاهی با اجزای حکومت گیلان است.

**رانکوه:** بلوک رانکوه، سه بلوک است و بلوک ثلاته‌اش می‌گویند. حاکم‌نشین آن فرضه لنگرود است که رودخانه دارد و آن رودخانه در دهنه چمخاله متصل به دریا می‌شود و بیندر معتبری است و حاکم آن میرزا موسی خان بن میرزا مهدی خان بن میرزا عبدالباقي بن حاجی مهدی، الشهیر به حاجی آقا بزرگ است و همه این‌ها منجم باشی لقب داشته و سال‌ها حکومت با آن‌ها بوده است.

**دیلمان:** بلوک دیلمان؛ حاکم‌نشین آن قریه آباد موسوم به سیاه کل است و

حاکم آن حبیب‌الله خان بن ابوالفتح خان بن محمد رضا خان است و حکومت این بلوک سال‌ها با این‌ها بوده است.

شفت: بلوک شفت قصبه کوچکی دارد که حاکم نشین است، قدیماً اولاد نصیرخان و نعمت‌الله خان در آنجا حکومت داشتند، شش - هفت سال است آن طایفه از حکومت خلع و هرسالی به کسی داده شده است. در  
هذا السنّه پسر میرزا عبدالوهاب حاکم بود...  
تبرستان

بندرانزلی: بندرانزلی و چهارفرضه چون در سرحد است و عمل گمرک آنجا با اکبرخان بیگلربیگی است، بدین واسطه چند سال است حکومت آنجا هم با بیگلربیگی است و نایب گذاشته.

رحمت‌آباد: بلوک رحمت‌آباد قصبه حاکم نشین ندارد، حکومتش هر سال مختلف بوده، چند سال است با میرزا محمد پسر حاجی میرزا فتحعلی است که از طایفه حاجی سميع است.

رودبار زیتون: بلوک رودبار زیتون که اغلب منافع و محصولش زیتون است، قصبه آن در سه راه قزوین و حکومت آن مختلف بوده، در هذه‌السنّه با میرزا طاهر، پسر میرزا عبدالوهاب است که نایب گذاشته.

عمارلو: بلوک عمارلو قهقهه است، هم برنج و ابریشم محصول دارد و هم گندم و جو و مزارع و مواشی و متصل به خاک قزوین و بزرخ مابین گیلان و عراق است و حکومتش مختلف است. در هذه‌السنّه با پسر میرزا عبدالوهاب است و نایب گذاشته.

گسکر: بلوک گسکر قصبه ندارد و حکومتش همیشه مختلف بوده و هذه‌السنّه با اکبرخان بیگلربیگی است و او از جانب خود نایب گذاشته.

ماسوله: بلوک ماسوله زراعت برنج و نوغان ندارد، جو و گندم است و خالب مردمش آهنگرند و آهن‌سازی را در کمال امتیاز می‌کنند. و متصل به

خاک تارم و زنجان است و حکومتش مختلف، در هذه السنة با عبدالحسین خان بود.

رستم آباد و کهدم؛ چون مالکینش اغلب اربابان شهر رشت‌اند، نایب و حاکم معینی ندارد، مالیات هر قریه را والی گیلان در شهر رشت از مالکش می‌گیرد.

توالش: از توابع گیلان و قرای قشلاقی و ییلاقی داره او زراعت و محصول املاک قشلاقی آن برنج و نوغان است و محصول املاک ییلاقی آن گندم و جو است. و پنج بلوک از فرار تفصیل است: کرگان‌رود که چند سال است که حکومتش با نصرالله‌خان است، تالش‌دولاب، اسلام، بلوک شندرمین و بلوک ماسال - حکومت این چهار بلوک الان مختلف است....

انزلی: ... و حاکم انزلی به مناسب عمل گمرک، اکبرخان بیگلریگی است که خود او به واسطه کثرت مشاغل در سر حکومت نیست. از جانب او میرزا عنایت‌الله، برادرزاده‌اش، مواظب امر حکومت است که مشارالیه جوان و بسیار بی‌تجربه و اغلب در مستی و خمار است. حکومت این قسم سرحدِ مُعظم را از مطالبِ اهم باید شمرد.

وضعیت حکومت‌ها: رشت: علل سستی حکومت مشیرالسلطنه: دو فقره اسباب سستی عمل ممیزی و حکومت مشیرالسلطنه در گیلان شد. یکی همین فقره آتش‌سوزی بود. یکی دیگر آن که مشیرالسلطنه در بدایت امر که به جهت ممیزی به گیلان رفت، در کمال بی‌غرضی و بی‌طمعی ممیز می‌کرد و هیچ فرق مابین اعیان و رعیت نگذاشت.

حاکم: دیوشل لاهیجان: ... ملکی مرحوم میرزا مهدی خان منجم باشی است.

لنگرود: این منجم باشی [میرزا موسی خان] دخترزاده امین دیوان و بسیار

لابالی و عیاش و بی‌کفایت است و حکومتش در لنگرود ارثی است و مثل حکومت عبدالحسین خان، پسر محمودخان در فومن است.

**بزرگان و مشاهیر:** اعیان رشت: میرزا محمدعلی خان امین دیوان، حاجی میرزا نصیر، مشهور به حاجی حاکم از طایفه حاجی سمیع...، اکبرخان بیگلر بیگی و اخوانش، اولاد میرزا عبدالوهاب مستوفی، عبدالحسین خان، پسر محمودخان، حاجی محمدحسن بن معین التجار و محمدآقای ملک التجار... امین دیوان و پسر او، امیرخان سرهنگ....

**مدارس دینی:** مدرسه جامع که بانی اول آن بانی مسجد جامع است و در سنه هزار و دویست و هفتاد هجری قمری جمعی از تجار به شراکت تعمیر کرده‌اند؛ مدرسه مستوفی که از بناهای میرزابابا، پدر میرزا عبدالوهاب مستوفی است؛ مدرسه حاجی سمیع که از بناهای جد حاجی حاکم و مشارالیه تعمیر مفصل نموده است؛ مدرسه حاجی علی اکبر تاجر که از بناهای پدر محمد آقای ملک التجار است؛ مدرسه حاجی ملاصادق که از بناهای اوست؛ مدرسه حاجی حسن کلاتتری؛ مدرسه حاجی محمدکریم تاجر؛ مدرسه حاجی اسماعیل خان....

**مساجد:** مسجد جامع از بناهای حاجی جمال، پدر هدایت‌الله خان رشتی است و در سنه یک هزار و دویست و هفتاد و هشت [ق] چند نفر از تجار رشت او را تعمیر نمودند و بر بنای اول آن افزودند؛ مسجد حاجی سمیع که حاجی میرزا نصیر، مشهور به حاجی حاکم، مسجد جدش را تعمیر مفصل نموده است؛ مسجد معروف به مسجد حاجی محمدخان که مشارالیه نواده هدایت‌الله خان است و این مسجد در جنب عمارت دیوانی است؛ مسجد حاجی ملاصادق که معروف به حاجی

مجتهد است؛ مسجد ملاحسن، مشهور به علی حسینی؛ مسجد کیاب که بانی آن معلوم نیست؛ مسجد صفی که می‌گویند از بناهای شاه صفی است؛ مسجد حاجی محمدکریم تاجر....

**بقعه‌ها:** امامزاده هاشم... و نسب امامزاده را هنوز در کتابی ندیدم.  
خواهر امام رشت: ... یکی بقعة خواهر امام است که به عقیده اهالی خواهر حضرت رضا سلام الله عليه و مسمما به فاطمه است... و در سنّه هزار و دویست و هشتاد و دو، ملاحسن علی حسینی که یکی از علمای گیلان بود، تقسیمی کرده و تنخواهی به جهت تعمیر بقوعه جمع نمود و بنای بقعة بزرگی نهاد و به اتمام نرسیده، مرحوم شد و مرحوم حاجی ملارفیع هم در آن جا سردی ساخت. و از قرار مذکور در زمان حکومت عبدالله خان والی برای تعمیر این امامزاده از جانب دیوان اعلی تنخواهی به خرج منظور شد و به مصارف نرسید. این امامزاده بسیار محترم و اهالی نسبت به او در کمال اعتقاد و ارادت هستند و بستگاه عمومی است و نذورات و قسم آن را خیلی مؤثر می‌دانند.... .

بقعة آقا سید ابو جعفر: و یکی بقعة آقا سید جعفر است که می‌گویند از اولاد موسی بن جعفر سلام الله علیه است.

بقعة آفاخرا: ... و یکی بقعة آفاخرا است که می‌گویند اولاد امام است.... .  
بقعة چله‌خانه: ... یکی بقعة چله‌خانه است که گویند زاهدان اینجا چله نشسته‌اند.

لاهیجان: بقعة آقا میر شهید: و در جنب صحرای سبزه‌میدان در طرف شمال، بقعه‌ای است موسوم به آقا میر شهید که بقوعه در بلندی واقع شده و این صحراء جلو این بقوعه افتاده است و بقوعه مشرف بر اوست... مشهور به آقا میر شهید و موسوم به سید احمد کیا است و از اولاد موسی بن جعفر است.

بقعه چهارپادشاه: ... در محله میدان واقع و چهار نفر از سادات سلاطین گیلان در این بقعه مدفون‌اند و اسمای آن‌ها از قرار تفصیل ذیل است: سید خرم کیا، سید رضا کیا، سید علی کیا، سید محمد کیا و تاریخ بنای این بقعه در سنّه هفت‌صد و هفتاد هجری [قمری] است.

بقعه میرشمس‌الدین: ... در محله اردوبازا واقع و تاریخ بنای آن معلوم نیست، ولی در سنّه هزار و دویست و شصت و هفت [ق] حاجی میرزا عباس نامی بقعه را مفصلأً مرمت کرده است.

بقعه پیرعلی: ... در محله گابنه واقع و تاریخ بنای آن بقعه و نسب صاحب بقعه هر دو مجھول است.

بقعه میرابراهیم: ... در محله گابنه واقع شده و می‌گویند از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و تاریخ بنای بقعه معین نیست.

بقعه آقا سید محمد: یکی بقعه آقا سید محمد معروف به یمنی است که در محله شعریافان واقع و بنای بقعه و نسب صاحب بقعه هر دو مجھول است.

بقعه سید جمال‌الدین: ... در محله پردرس واقع، نسبش غیرمعلوم و تاریخ بنای آن غیر معین است.

بقعه شیخ زاهد گیلانی: در بین راه بقعه شیخ زاهد گیلانی است، در یک فرسخی لاهیجان است و این یک فرسخ راه از لاهیجان الی بقعه را امین دیوان در کمال خوبی ساخته و هیچ گل و لای نیست. و بقعه در سر کوهی واقع شده که مُشرِف بر صفحه لاهیجان است و کوه بسیار عظیمی هم مُشرِف بر این کوه و بقعه است و بالای کوهی که بقعه شیخ در آنجاست، به قدر میدانی صاف و هموار است که بقعه در وسط این میدان و زمین میدان چمنزار و دور این میدان تک تک درخت‌های مرکبات

قوى الجثة باردار است. و قریه‌ای در جنب این بقعه است موسوم به شیخانهبر، در اینجا به قدر یک سنگ آب از بالای کوه جاری و به پایین می‌رود که اهل قریه زراعت می‌کنند. مکان این بقعه از امکنّه بسیار باصفاً و بهجت‌انگیز و خوش آب و هوا و طرب خیز است و سابقاً این بقعه خیلی آباد بوده و در محاذی نهری که از کوه می‌آید، حوض‌ها و جدول‌ها و فواره‌ها درست کرده بودند و اکنون آثار همه پیداست. می‌گویند شاه عباس اول این‌جا را تعمیر یا بنا کرده است. و در پانزده سال قل این بقعه خراب و ویران گشته، امین دیوان تعمیر خوب مفصلی نموده و مخارج گزاف کرد و اطراف آن اتاق‌ها به جهت منزلگاه زائرین ساخت....

... و از قرار مسطور شیخ زاهد، مرید سید جمال الدین تبریزی و او مرید شیخ شهاب الدین هیری است و شیخ زاهد مرشد و مقتدای شیخ صفی الدین اردبیلی بود که جد صفویه باشد. و در سفری که شیخ به سیاحت رفته، در حوالی شیروان مريض گردیده، محمد جلیلا نام مرید خود را طلب شیخ صفی الدین به کلخوران اردبیل فرستاد و شیخ صفی الدین خود را به او رسانیده در آخر سنه هفت‌صد هجری قمری وفات یافت و شیخ صفی الدین، حسب الوصیة، جسد شیخ زاهد را نقل به گیلان نموده و در این‌جا که محل عبادت و ریاضت او بود، مدفون کردند. و از این بقعه الی دیوشل نیز قریب یک فرسخ است، این یک فرسخ راهش در کمال سختی و خرابی است....

تکایا: رشت: قریب پانزده - شانزده تکیه بزرگ و کوچک دارد و معروف آن‌ها تکایای مفصله است و هنوز حیدری و نعمتی معمول است و تکیه عیسی خان اعتمادالدوله که جنب دیوان‌خانه است. تکیه وادی الله، تکیه آقا فخر، تکیه صیقلان، تکیه حاجی محمد کریم تاجر و

تکیه خمیران... .

**دکان‌ها:** منجیل: چهارده - پانزده دکان متفرقه در آن جاست.... .

رودبازار: ... چند کاروان‌سرای مال و قریب شصت هفتاد دکاکین در سر راه ساخته‌اند و شب‌ها بعضی دکاکین و قهوه‌خانه‌ها باز است به جهت خرید و فروش متعددین.... .

رشت: ... و در بازار و محلات آن قریب دو هزار دکاکین است.

پیربازار: ... و یک دکان علاقه‌ی و یک بقالی و یک قهوه‌خانه در جلو همین کاروان‌سرا [ای پیربازار] است.

بندر افزا: ... و دویست و پنجاه دکاکین و سه حمام و پنج شش مسجد کوچک و بزرگ و یک کلیسا و بیست و سی نفر ارامنه و تجارخانه و توپخانه و سه عمارت دولتی دارد.

**بازارها:** سنگر، آستانه اشرفیه: ... و بازار سنگر بازاری است که در دو فرسخی شهر رشت در سر راه واقع شده و حاجی محمدحسن معین التجار رشتی به شرکت اکبرخان بیگلریگی این بازار را ساخته‌اند.

... و در جلو بقعه [سید جلال الدین اشرف] بازاری بود که زائرین و اهالی از آن بازار خرید و فروش می‌کردند، و به واسطه کثرت زائرین از آن بازار به اهالی آن قریه منافع کثیره می‌رسید.

**تجارت:** گیلان: متاع گیلان که تجارت می‌شد، کلیه برنج و ابریشم است و شعریافی و گل دوزی نیز متداول است که به خارجه و داخله می‌رود...

**اوزان و پیمانه‌ها:** ... و وزن متدوال گیلان من شاه است و از روسیه نفت و غیره که می‌آورند معامله به پوت روسی است که پنج من و نیم تبریز باشد و معامله میوه‌جات و کاه و علف و هیزم و زغال و غیره، باری است - به وزن نیست - و برنج به کیل [نوعی پیمانه] معامله می‌شود و کیل آن‌ها به اختلاف

است. بعضی بلوکات کیل اش یک من شاه است و بعضی جاها نیم من  
قدرتی بالاتر است و قوتی آن‌جا چهار کیل است، به کیل جدید و کیل  
بعضی بلوکات یک من و کسری بوده است، که قوتی آن که چهار کیل  
است، قریب سه من به وزن شاه می‌شود و بعضی بلوکات از قبیل رانکوه و  
پشم چاه لاهیجان کیل آن‌ها نیم من و کسری است که یک قوتی او که چهار  
کیل است، دو من و نیم شاه می‌شود.

**صنایع دستی و کارگاه‌ها:** رشت: ... و شعریافی و گل‌دوزی نیز متداول  
است... بعضی قرا ابریشم‌کشی را خیلی خوب می‌کنند و حاجی  
محمدحسن امین‌الضرب تازه در کنار رود کلاسه‌رود، کارخانه ابریشم‌کشی  
ساخته که عجاله در نهایت امتیاز است.

lahijan: ...سابقاً چندین کارخانه شعریافی در این بلد بود و همه قسم  
پارچه‌های ابریشم می‌بافتند و به اطراف می‌بردند و محله‌ای از محلات  
lahijan که موسوم به محله شعریافان است، اهالی آن بیشتر شعریاف و  
صاحب کارخانه و بامکنت و ثروت بوده‌اند و اینک شعریافی به کلی  
متروک شده است ... .

**صید:** اனزلی: عمل شیل، صید ماهی حلال و حرام است در مرداب و  
رودخانه‌ها که از اترک الی استرا متعلق به دولت علیه ایران و الان در  
پنجاه و هشت هزار تومان به لیانزف ارمنی اجاره داده شده و خیلی بیش از  
این مبلغ منافع دارد. و نقطاطی که در آن نقاط صید می‌شود و از قرار تفصیل  
است: در انسزلی و قاضیان، در قریه مبارک‌آباد، در قریه جیقه‌رود، در  
پیربازار، در کوتم‌جان، در آبکنار، در بلوک تولم خالصه که کنار مرداب  
است، در قریه بهمبر که جزو بلوک گسکر است.

lahijan و لنگرود: ... در قریه حسنعلی‌ده و قریه رودپشت که هر دو جزو

لاهیجان هستند، در دهنه لنگرود که دو فرسخی لنگرود و آن‌جا مرداب و رودخانه داخل دریا می‌شوند، در قریه کیسم و ابراهیم‌سرا و رشت‌آباد که همه جزو لاهیجان و کنار سفیدرود واقع شده‌اند.

**راه‌ها:** منجیل به رشت: ... از پل که گذشت، اول بدی جاده گیلان است که سابقاً راه را درست کرده و سنگ‌چین نموده بودند، حالا بعضی جاها سنگ‌چین آن باقی است و بعضی جاها خراب شده که در فصل بارندگی گل می‌شود و در همان جاها بیکه سنگ‌چین است جون سنگش پست و بلند شده، مال به اشکال می‌گذرد. و یک فرسخ که از منجیل گذشت، قریه روبار زیتون است و این یک فرسخ در یمین جاده، همه جا رود سفید است و در یسار جاده همه جا سلسله جبال سنگی عظیم است و همین که می‌خواهد داخل روبار شود و از کوه سنگی فروید می‌آید، در نهایت اشکال و پرتگاه است.

روبار به رستم‌آباد: ... و جاده را بعضی جاها سنگ‌چین کرده‌اند و ناهموار است و سرازیری و سرپالایی بسیار دارد، تا قریب سه ربع فرسخ به رستم‌آباد مانده به جلگه رستم‌آباد می‌افتد.

رستم‌آباد تا نقلبر: ... و همه جا باز راه سرازیر و سرپالاست و سنگ‌چین و گل و اطراف جنگل است تا جایی که کوهستان تمام می‌شود و آن‌جا را سفید کتله می‌نامند، یعنی کتل سفید.

کهم تا رشت: ... و از چاپارخانه کهم الی شهر رشت، پنج فرسخ است، اما چاپارچی‌ها شش فرسخ محسوب می‌دارند و کرایه شش فرسخ می‌گیرند. و همه جا راه هموار و دو طرف خیابان درخت‌های جنگلی است و تا بازار سنگر سه فرسخ است.

**پیربازار به رشت:** از پیربازار تا رشت، اگرچه راه بعضی جاها سنگ‌چین و

ساخته شده قدیم است، ولی اغلب آن گل و خراب و عبورش در نهایت اشکال بود.

رشت به لاهیجان: از رشت به لاهیجان دو راه دارد، یکی از طرف قریه کوچه‌اصفهان است که از این راه بالتبه نزدیک‌تر و تا لاهیجان شش فرسخ است، به این معنی که از رشت تا کنار سفیدرود چهار فرسخ است و از سفیدرود تا لاهیجان دو فرسخ و آن چهار فرسخ بزر پاییز و زمستان به حدی راه خراب و پر گل است که عبور از آن بسیار مشکل است. گودال‌های لای و لجن در سر راه است که به عمق حوض و چاه است و اگر اندکی شخص نابلد و غافل باشد، به عالم دیگر واصل خواهد شد... مکاری‌های لاهیجان و رشت، یابوهای کلفت و محکم دارند که بلد راهاند و با آن‌ها از این راه عبور می‌کنند، والا عبور مالِ خود انسان از این راه امکان ندارد. و یکی از طرف قریه نصرالله‌آباد و بازار سنگر می‌رود، این راه دورتر و هشت فرسخ است، یعنی از کنار سفیدرود از این راه شش فرسخ است و از کنار سفیدرود تا لاهیجان دو فرسخ است و این شش فرسخ هم پر گل و خراب است، اما گل و خرابیش از آن راه خیلی کمتر است و این هر دو راه محتاج به تعمیر و ساختن است و هر دو سه سال یک بار به واسطه ایلچار، تعمیر شده و یک سال که گذشت مثل اول می‌شود. و این دو راه را ابتدا شاهعباس اول ساخته و سنگ‌چین کرده و هنوز بعضی جاها سنگ‌چین او برقرار است و از هر دو راه ناچار باید از رودخانه سفیدرود بگذرد. و یک ناو بزرگی درست کرده‌اند که مال و آدم در او می‌رود و از او می‌گذرد و تنخواه جزئی از این بابت از هر مال و آدمی می‌گیرند... خلاصه از هر دو راه از کنار سفیدرود و تا لاهیجان دو فرسخ است و این دو فرسخ راهش چندان عیب ندارد، گاهی امین دیوان از خود

تعمیر کرده و گاهی حاکم لاهیجان بر حسب حکم والی گیلان به ایلچاری راه را ساخته‌اند. چنان‌چه در هذه السن، میرزا حسن‌خان، حاکم لاهیجان بر حسب حکم مشیرالسلطنه، این دو فرسخ را به ایلچاری مشغول تعمیر و ساختن بود، چون به ایلچاری است سال دیگر باز خراب خواهد شد.... .

طول و عرض دریای خزر: ... و طول این بحر از مشرق به مغرب قریب دویست و شصت فرسخ و عرضش قریب دویست فرسخ و عمقش زیاده از پانصد و هفده کلاح نیست. مد ندارد و به دریای دیگر وصل نیست و موج آن بسیار و در قعرش گل و لای است و هیچ جواهر و منفعتی در او نیست، مگر ماهی حلال و حرام.

**کشتی و کشتی‌رانی:** پیربازار: ... و غالباً چند کرجی کرایه هم دم پیربازار در روی آب ایستاده و متظر بار و سرنشین‌اند، خاصه روزهایی که واپور [کشتی تجارتی] به انزلی می‌آید و می‌رود. و یکی از کرجی‌ها را که معتبر و شش پاروزن داشت، در هشت قران کرایه کرده و از مشایعت‌کنندگان وداع نموده، با امیرخان پسر امین دیوان و دو سه نفر نوکر مشترکی خودمان، در کرجی نشسته، روانه شدیم....

آن‌جایی که اتصال رودخانه به مرداب می‌شود، آب فی الجمله تلاطمی دارد و بعضی جاها در رودخانه و مرداب قسمتی کم آب است که کرجی به گل می‌نشیند، اما محل وحشت نیست و چهار ساعت به غروب مانده وارد انزلی و در جنب گمرک خانه فرود آمدیم.... .

**کرایه کشتی (واپور):** ... و در نزدیکی کاروان‌سرای گمرک انزلی دو اتاق است، یکی وکیل واپورات دولتی می‌نشیند و یکی وکیل واپورات تجاری و روندگان ابتدا باید به این اتاق‌ها بروند، پول بدھند و بليت بگيرند. و ميزان کرایه واپورات به اختلاف اوقات است، اغلب کرایه از انزلی به

بادکوبه به نمره سه که سطح باشد، تا قریب پنج منات و نمره دو که قمره دویم باشد، نه منات و نمره اول که قمره اول باشد، چهارده منات است و گاهی بیشتر و کمتر می‌شود. و قیمت منات بیشتر به اختلاف اوقات است، از سه قران الی سه قران و نیم ایران است... و برای هر سرنشین یک پوت که پنج و نیم تبریز باشد، ملاحظه می‌کنند و کرایه علی حده نمی‌گیرند.

انزلی: ... و کشتی آتشی کوچکی که متعلق به دولت علیه ایران است، در مقابل عمارت دیوانی همیشه لنگر انداخته و چند لتكای دیوانی هم در آنجا هست و کپتیان کشتی آقا نامی است که از اهالی بادکوبه و تبعه دولت روس و در انزلی زن گرفته و توطن اختیار نموده. گفتند ده - دوازده نفر عمله جات کشتی بیشتر ندارد که قریب سیصد تومن مخارج آنها در سال بیش نیست. و این واپور هیچ حرکت نمی‌کند، مگر به اذن و اجازه حکومت گیلان و واپور تا قریب به دهنه رو دخانه پیر بازار بیشتر نمی‌رود.

... و در این بحر خزر فقط کشتی‌های دولت روس و تبعه آن کار می‌کند و پنج کشتی آتشی دولتی است که هم حامل پست و هم اسباب و اموال و سرنشین حمل می‌نمایند. و این واپورات دولتی در تابستان و بهار هفته‌ای دو بار می‌آیند، یکی روز دوشنبه، یکی روز جمعه و در اوخر پاییز و زمستان، پانزده روز یک مرتبه می‌آیند، اما واپورت تجاری متعلق به تبعه روس که در این دریا کار می‌کنند، بسیارند ولی در آمدن و رفتن نظم و ترتیبی ندارند.

اسکله انزلی: ... و چون اسکله انزلی خرابی و تلاطم دارد، خاصه در اتصال دریا به مرداب، بدین واسطه واپورات نزدیک به انزلی نمی‌آیند و یک فرسخ الی دو فرسخ به انزلی مانده لنگر می‌اندازند و اسباب و اموال و

سرنشین خود را با کرجی‌ها به خشکی حمل و نقل می‌کنند و با این که کرجی‌بان‌های انزلی نهایت استادی و تسلط را دارند، مع هذا به واسطه تلاطم امواج در کرجی‌ها خیلی اسباب خوف به جهت سرنشین‌هast، خاصه در باد و بوران و طوفان که ابدآ با کرجی به واپور نمی‌توان رفت.

**کاروان‌سراهای امامزاده هاشم:** ... و قریب به امامزاده، کنار جاده، کاروان‌سرای آجری است که گویند از بناهای سلاطین صفویه است و حالا خراب شده و کسی در آنجا منزل نمی‌کند، تعمیم آن را به تنخواه جزئی می‌توان کرد.

رشت: بیست و دو سه کاروان‌سرای تاجرنشین در این شهر است که معروف و معتبر آن‌ها کاروان‌سراهای مفصله ذیل است: کاروان‌سرای گلشن، کاروان‌سرای ملک التجار، کاروان‌سرای میرزابابا، کاروان‌سرای سه دولت، کاروان‌سرای طاقی، حاجی ملارفیع، کاروان‌سرای گمرک کنه، کاروان‌سرای شیشه بزرگ، کاروان‌سرای شیشه کوچک، کاروان‌سرای کاشی‌ها، کاروان‌سرای اکبرخان بیگلربیگی و چهار باب کاروان‌سرای ارامنه است.

**پیربازار:** ... کاروان‌سرایی دو مرتبه از چوب ساخته‌اند و چند اتاق، سر در و طویله‌ها دارد... و مالک کاروان‌سرا و دکاکین، حاجی میرقاسم نامی از ملّاک معتبر رشت است. به واسطه حمل و نقل اشیاء و اشخاص همیشه در پیربازار یابوی پالانی و زینی کرایه و گاری بازیر موجود است....

**چاپارخانه‌های منجیل:** ... چاپارخانه آجری مستحکم دارد و وسیع که در مرتبه فوقانی آن اتاق‌های متعدد سفیدکاری پاکیزه است و این چاپارخانه از بناهای محمد قاسم خان والی است که هنگام حکومتش به گیلان حسب الامر بنا نهاده است.

رستمآباد: ... و چاپارخانه در قریه موسوم به پشته واقع و در جای بلندی ساخته شده که غالب این جلگه منظر اوست. این چاپارخانه هم از بناهای محمد قاسم خان والی است که حسب الامر ساخته و بسیار وسیع و محکم و از آجر و گچ ساخته شده و اتاق‌های متعددۀ سفیدکاری پاکیزه دارد و همیشه ده دوازده اسب بسته است.

رشت: ... چاپارخانه در ابتدای شهر است و در جنب رودخانه کلاسه روبار واقع شده....

بناهای رشت: عمارت ارگ و محل نشیمن حکومت در این شهر، عمارت هدایت خانی است که ابتدا هدایت خان بنا کرده و مشتمل بر اندرونی و بیرونی و خلوت و طویله است و محمد قاسم خان والی تعمیر کلی در آنجا کرده و ناصرالملک هم در حکومت اولش به گیلان تعمیری نموده است.

و خانه‌های این شهر در نهایت وسعت و پشت بام‌های آن سفالی است. افزایی: ... یکی آن عمارت برج است که شمس‌العماره می‌گویند و بسیار عمارت عالی و شرق و شمال او دریا و مشتمل بر پنج مرتبه است و جمیع مراتب از هر طرف ایوان و غلام‌گردش‌ها که از چوب و سقف از چوب منقش است و همه مراتب مبل و اسباب از قبیل فرش و میز و صندلی و غیره دارد، متنها قدری کهنه شده. و ارتفاع این برج بیست و دو ذرع عراقی است. و این عمارت در زمان حکومت میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به گیلان، حسب الامر بنا شده و ناتمام ماند. میرزا سعیدخان خزانه که از جانب معیرالملک نظام‌الدوله به حکومت رفت، به اتمام رسانید و قدری ناتمامی هم که داشت در زمان حکومت معتمدالملک مشیرالدوله به اتمام رسید و غالباً اکبرخان بیگلربیگی مباشر ساختن این عمارت بود. و یکی

هم عمارت مشهور به عمارت معتمدالدوله است که در اوایل این دولت آبدآیت، منوچهرخان معتمدالدوله حسب الامر ساخته و با گچ و آجر دو مرتبه و بسیار خوب عمارتی است. و یکی هم عمارت صدری؛ معروف است که بر حسب دستورالعمل میرزا حسین خان سپهسالار و در زمان صدارت اعظمش بنا نهاده شده و این هم عمارتی در نهایت امتیاز است. و در صحنهای تمام این عمارت درخت‌های مرکبات بسیار مرتباً غرس و بعضی گل‌ها و پیازها نیز کاشته‌اند و در نهایت پاکیزگی و صفات. و عمارت توپخانه در کنار دریا ناتمام است.

لاهیجان: ... و در قله کوه مُشرِف بر دریاچه، آثار عمارتی هست که آنجا را شاهنشین می‌نامند. این عمارت از بناهای خان احمدخان است.

و عمارتی که میرزا کاظم خان، برادر امین دیوان، در کوه مُشرِف به دریاچه بنا نموده و موسوم به منظیره و خیلی خوش‌نظر و باصفاست و همین سمت در کنار این صحرا بعضی خانه‌ها هم هست که منظرشان این دریاچه و صحرا می‌شود.

صاحب عالم آرا می‌نویسد که شاه عباس اول بعد از آن که خان احمد را فرار داد، عمارتی در وسط دریاچه بنا کرد و در ایام توقف لاهیجان در آنجا مشغول عیش و طرب بود و غالباً چراغان می‌کرد که عکس چراغها در آب دریاچه افتاد و الان آثار پایه‌های این قصر معلوم است.

دیوشن: دو عمارت دارد: یکی در اول باغ است که اتاق‌های فوقانی و تحتانی از چوب ساخته‌اند و یکی در وسط باغ است که عمارتی عالی و ممتاز، فوقانی و تحتانی از گچ و آهک و آجر ساخته‌اند و قریب به همین عمارت، آشپزخانه مفصل درست کرده. و در حیات میرزا مهدی خان این باغ بسیار خوش وضع و باصفا بوده است، ولی این اوقات که در دست این

میرزا موسی خان منجم باشی است، خیلی خراب شده و اگر چندی دیگر به همین حالت باشد، به کلی ویران خواهد گشت.

**حمام‌ها:** رشت: حمام‌های رشت محاذی کوچه است و به واسطه کثرت رطوبت، گود نمی‌توان کرد. و هفده باب حمام دارد که معترض و بزرگ و پاکیزه آن‌ها حمام ابوطالب و حمام نایب و حمام مشهدی آقا بزرگ و حمام معین التجار است.

**تپخانه:** انزلی: ... و قریب بیست توب در آن‌جا [عمارت تپخانه] است که گفتند در عهد شاه مبور، حاجی میرزا آقاسی به مباشری امین دیوان این توب‌ها را ریخته است. و اسباب قورخانه که از زمان حاجی میرزا آقاسی در این‌جا درست شده، خیلی خیلی بوده که حالا غالب اسباب شکسته و تغیریت شده است، من جمله زنجیری است که به جهت جسر قاضیان ساخته بوده‌اند. و در انزلی همیشه شصت نفر تپچی ساخلو هستند که همه ساله عوض می‌شوند و تفنگچی انزانی هم اسمًا هستند که به این اسم مواجب از دیوان اعلی می‌گیرند، اما نه رئیس‌شان درست معلوم است و نه تفنگچی‌شان در سر خدمت است.

**برج‌ها:** انزلی: ... و در نزدیک تپخانه منار بلندی است که از جانب دیوان اعلی ساخته شده، برای روشن کردن چراغ در شب به جهت راهنمایی کشتی‌ها و قریب پنجاه تومان مخارج به این اسم از دیوان اعلی می‌گیرند و شبی یک چراغ نفتی روشن می‌کنند، که شش هفت تومان بیشتر مخارج ندارد.

**پل‌ها:** پل لوشان: پل لوشان بر روی رودخانه شهرود است که رود الموت و رودبار هم داخل آن می‌شود و این پل را حاجی محمد‌هادی تاجر میانجی که ساکن قزوین بوده و در سنّه هزار و دویست و نه ساخته و بعد از

نود و چهار سال هنوز هیچ عیب نکرده و در نهایت استحکام است.  
 پل منجیل: ... قریب دو هزار قدم که از قریه منجیل گذشت، پل منجیل است که در جنب آن چند اتاق به جهت گمرک خانه ساخته‌اند. و این پل را سابقاً از چوب بسته بودند و گذشتن از آن بسیار مشکل بود. و حاجی سلیمان خان قاجار قوانلو، پلی از گچ و آجر ساخته بود و در سنّه هزار و دویست و نود، دو چشمۀ از آن پل خراب شده و مرحوم حاجی ملارفیع مجتهد حسب الامر، آن دو چشمۀ را از نو ساخته و تعمیر مفصلی به همه پل نمود. این پل هفت چشمۀ است و یک طاق وسطی آن تازه شکست برداشته است و آن پل چوبی هم هنوز در بغل این پل باقی است و این پل بر روی رودخانه سفیدرود کشیده شده.... .

پل سیاهرود: از رستم آباد تا کهم در عرض راه چند رودخانه است که یکی از آنها رودخانه سیاهرود است. مرحوم حاجی ملارفیع از ثلث حاجی ابوالقاسم یزدی پلی ساخته است.

رشت: از بر سر آن رود [کلاسه رودبار] مرحوم حاجی ملارفیع از ثلث حاجی محمد باقر کاشی، پلی ساخته که از آن پل که گذشت، شهر است.

حوادث: رشت: در شب سه‌شنبه، بازار رشت آتش گرفت و نزدیک به هزار و یکصد و پنجاه دکان در بازار و هفده کاروان‌سرا و یک مسجد و یک مدرسه و یک تکیه و دو باب حمام سوخته بود. خسارت جانی زیادی نداشت.

لاهیجان: در سال هشت‌صد و پنجاه و اندی، آتش‌سوزی سختی واقع شد که لاهیجان را به کلی خراب و منهدم نمود و خلق یکسره متفرق شدند. دوباره به تدریج جمعیتی گرد آمده و عمارت‌پاکیزه و مرغوب ساختند تا در سنّه هزار و دویست و سی [ق] زلزله سختی شده و خیلی خرابی به هم رسانید.

... و بعد از همه این خرابی‌ها چند سال قبل آتش‌سوزی شده و تاریخ آن، این است:

بیست و یکم زماه صفر سال او دلیل وقتی که آفتاب جهان برج دلو بود آتش به سان صاعقه در لاهیجان فتاد سوزید بس عمارت اشرف با وجود تاریخ آن سؤال زمفتی شهر شد گفتان عوذ بالله من النار یا ودود در این آتش‌سوزی یک سمت لاهیجان که بیشتر خانه‌ایان بود به کلی سوخت و خراب و ویران گشت و دیگر آباد نشد و از شخص امین دیوان قریب سی هزار تومان خانه و مستقل و اثاث‌البیت سوخت تا به سایرین چه رسد.

... چند سالی که از تعمیر [بقعه شیخ زاهد] گذشت، باد گرم سخت وزید... و قریه واقعه در جنب بقעה در این باد آتش گرفت و اطفای آن نتوانستند و سرایت به بقעה کرده و عمارت بقעה را نیز سوزانید، اما گنبدی که در بالای بقعة امامزاده بود، به حال خود باقی و برقرار ماند و از آن به بعد تعمیر کلی در بقעה نشد، فقط دو اتاق و مسجد محقری در جنب او ساخته شده است.

طغیان سفیدرود: در سال ۱۲۸۵ ق، آب سفیدرود فوق العاده طغیان نموده، بازار مقابل بقעה را به کلی منهدم ساخت و بعضی خانه‌های رعیتی را نیز که در آن قریه بود، خراب و عمارت بقעה [بقعه سید جلال الدین اشرف] را از صحن و رواق ویران کرد و گبد بالای بقעה نیز خراب شده که سدی گشت که مانع از دخول آب در مقبره گردید، بدین واسطه ضریح و قبر سلامت ماندند. بعد رعیت در این سالات هر چه خواستند آب را به طرف دیگر برگردانند و بقעה را بسازند، ممکن نشد. به علت کثرت مخارج بضاعت آن را نداشتند و همین قسم گذاشتند.

#### ۹۴ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

طاعون و وبا و آفت در لاهیجان: در سنّه هفتصد و سه، بلیه طاعون به حدی در لاهیجان شدت نمود که بیشتر خلق آن را هلاک ساخت و بقیه متفرق شدند و خانه‌ها و عمارت‌ات اغلب خراب شد و این بلیه در زمان حیات شیخ زاهد گیلانی بود.

... و در سنّه هزار و دویست و چهل و شش [ق]، مجدداً بلیه طاعون در لاهیجان افتاد و طاعون این دفعه شدت‌بیش از طاعون اول بود و قتل عام نمود و کار به جایی رسید که امکان شستن اموات و دفن نمودن نداشتند، بیشتر اموات دفن نکرده ماندند و جانوران خوردند.... .

... در سنّه هزار و دویست و هشتاد و سه هجری [قمری]، آفت عظیم به نوغان گیلان رسید، و نوغان این ولایت [lahijan] نیز ضایع گردید.

(حسینی فراهانی: صص ۳۲ - ۵۹ - ۲۶۸ - ۲۸۴)

## ● سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی

(سال ورود: ۱۳۰۵ هق)

حاج میرزا معصوم (۱۲۷۰-۱۳۴۴ ق)، فرزند میرزا زین‌العابدین رحمت علیشاه نعمت‌اللهی شیرازی بود. در شیراز و کربلا تحصیل کرد، سپس به گتاباد، نزد سلطان علی‌شاه رفت و مرید‌وی شد. از او تأثیفاتی چند به جا مانده است.

**آبادی‌ها:** یک ساعت به طلوع فجر به قریة معموره رسیده، گفتند از بیگلریگی رشت است و نام این‌جا دوشنبه‌بازار است و اهل شهر از کسبه و اهل معامله و بعضی برای تماشا و جمیع از اهل دهاقین روز دوشنبه می‌آیند و از هر گونه جنس مبایعه می‌شود.

روز غیبت حضرت قائم عجل الفرجه، سنّه ۱۳۰۵ ه. ق، وارد شهر گیلان شده، در کاروان‌سرای معروف به گمرک منزل گرفته، ساعتی صرف چای و به حمام رفته، حمام خوبی است....

روز چهارشنبه، نهم شوال قریب به ظهر وارد قهوه‌خانه امام‌زاده هاشم گردیده... امام‌زاده هاشم در بلندی کوه مزارش واقع نیم فرسنگ تقریباً می‌شود.

**پل‌ها:** بعد از ساعتی، عالی‌شأن، حاجی علی معمار کاشانی که برای تعمیر پل رودخانه منجیل، حسب‌الامر اقدس اعلی‌حضرت شهریاری، خلدالله ملکه، معین است، به دیدن آمده صرف چای شده، گفتند مناسب آن است که تا مهتاب تمام نشده و ماه غروب ننموده، عبور از پل نمایید که زیر پل منزل‌گه رندان است.

**قهوه‌خانه‌ها:** امام‌زاده هاشم: قهوه‌خانه‌های متعدد سر راه در وسط جنگل برای منزل‌گاه واردین ساخته‌اند... بعضی مأکولات از قبیل نان و

غیره دارند.

در راه‌ها [اما‌مزاده هاشم به منجیل] به فاصله یک فرسخ و نیم، در قهوه‌خانه‌ها قلیان و چای موجود است.

بناهای: دوشنبه بازار: عمارت عالی بیگلریگی ساخته....

بزرگان و مشاهیر: حاجی میرزا خلیل، عمه‌زاده پسر مرحوم آقامحمد، الشهیر به عرب، که سال‌هاست از شیراز برای اخذ مطالبات در دارالمرز متوقف شده و ابوالنصر میرزا حسام‌السلطنه، حکمران و والی رشت و گیلانات و نواب عبدالجواد میرزا، سرهنگ تلگراف‌خانه مبارکه و حاجی میرزا خلیل که نزد کارپرداز رشت رفته، تذکره و باشبرد گرفته و امضای کارگزار دولت روس و عثمانی هم شد.

(معصوم علیشاه: صص ۶۰ - ۶۴)

## ● سفرنامه امین‌الدوله

میرزا علی خان امین‌الدوله (وفات ۱۳۲۲ ق) از رجال دوره قاجاریه بود. مظفرالدین شاه پس از عزل امین‌السلطان، او را به صدارت برگزید. وی کوشید اصلاحاتی را در امور مملکت به وجود آورد، اما با مخالفت‌های شدیدی روبرو شد و عاقبت عزل گردید. وی در لشت‌نشا درگذشت.

**رودخانه‌ها:** رودخانه لوشان: آب رودخانه لوشان در تغییر بستر و مجراء، جنگل را خراب کرده و آن‌چه هم از صدمه سیلاب بهجا مانده بود، ایلات سکنه این نواحی ریشه آن را برآورده‌اند.

**لشت‌نشا:** ... مکرر باید از نهرهای منشعبه از سفیدرود گذشت. غالب نهرها، پلی که سواره بتوان عبور کرد ندارد.

... بالجمله به رودخانه‌ای رسیدیم که مرحوم میرزا حسن خان محض اتصال مرداب چونشیان به دریا باز کرده بود. حالا رود کشتی رو شده و عمله شیل لیانا زوف در آن‌جا خانه‌ها ساخته، کرجی‌های صیادی خود را به این دهن هم آورده‌اند.

**مرداب‌ها:** لشت‌نشا: ... از این نقطه هرچه پایین‌تر رفیم، آب بیشتر است و نیزار علایم مرداب را ظاهر می‌کند. تا درخت تمام شد و به کلی در نیزار حرکت می‌کنیم. در میان نی‌ها آواز مرغابی است که خیلی نزدیک شنیده می‌شود و با جوجه‌های خود درگفت و شنودند. به سبب وسعت مرداب و شب مختلطه آن، ناوها که نوکرها و همراهان در آن‌ها نشسته‌اند، راه‌های مختلف گرفتند. پاره‌ای اماکن و قطعات مرداب را نشان می‌دهند که از گل و لای سفیدرود مرتفع شده و تدریجیاً استعداد زراعت پیدامی کند.

**آبادی‌ها و محله‌ها:** امشه: قریه امشه که مسقط الرأس و وطن طایفه بیگلریگی و عمارت آن به محتشم الملک تعلق دارد و به شهر نزدیک است....

**جورسر لشت‌نشا:** ... باید به سر بازار جورسر که عمارت اربابی و محل اقامت چند روزه ما خواهد بود، برویم.

سیزه‌میدان لشت‌نشا: داخل سیزه‌میدان جلو عمارت اربابی شدیم....

**چونشینان:** ... آقای حاج سیدررضی خیال داشت به ملاحظه نهر و بندر چونشینان برویم.

... به کناره رودخانه رسیده، پیاده شدیم و درین مکان که قریه چونشینان قریب ۱۵۰۰ ذرع دور است، چند خانه مختصر رعیتی، به اصطلاح گیلان گالی‌پوش، یعنی با جگن و کلش پوشانیده و یک قسمت شرقی از دکاکین و انبار که برای این بندر باید ساخته شود، با آجر تا پای سقف آورده‌اند.

در بندر چونشینان چند باب انبار آجرین سفال‌پوش بنا شده است و ده دوازده خانه رعیتی. بوی آبادی می‌آمد.

**درخت‌کاری:** لشت‌نشا: اشجار مرکبات که در باغ اینجا غرس کرده‌اند، غالباً خشکیده، دوازده اصله سبز و مثمر است. می‌گویند در آوردن درخت از انزلی طوفان بود، چند روز درخت‌ها در کرجی معطل ماند.

**گیاهان و درختان:** کهدم: در کهدم جنگل بنفسه است.

**لشت‌نشا:** ... دو طرف نهر از بنفسه و پامچال الوان، دیباي بوقلمون بود. بنفسه‌ها بی‌اندازه با طراوت و درشت و معطر است. مسافتی که طی کردیم، به جنگلی رسیدیم که تمام آن را آب گرفته است. در یک قسمت آن تبردارها مشغول بریدن درخت‌ها و جمع‌آوری هیزم بودند. این‌جاها را کلاتر به موجب اجاره‌ای که کرده است، آباد می‌کند. از چوب‌ها پاره‌ای به

کار عمارت‌های آید و غالب آن هیزم می‌شود، هر چه به مصرف کوره‌آجر و سفال رسید، بقیه به بادکوبه حمل می‌کنند. معین‌الملک خیلی متاثر و متأسف است که این درخت‌های تناور را از پا در می‌آورند، با آن که در باغ معینیه خودش به زحمت درخت ترتیب می‌کند. از این جنگل‌ها که گذشتیم، در میان درختان بید مشک مسافتی حرکت کردیم لشت نشان تمام این کناره درخت انار و ازگیل و لیلکی و الوجه است و اطراف آن را در سمت دریا بوته‌های تمشک گرفته، باید پاک و منفع کنده، بیوتات مسکونی و باغ توت کنند....

بنفسه‌ها به خلاف آن چه در تهران داریم که همه برگ درشت و انبوه است و گل‌های آن کوچک و محدود، اینجا برگ آن به نظر نمی‌آید و یکسره گل‌های درشت و لطیف و با طراوت است که فضا را عطر می‌دهد. امروز شمشادها را که آورده بودند، گفتم کاشتند... باز غرس اشجار را تابع چین و چپر کج و چوله سابق کرده‌اند.

**غذاها:** لشت نشان: ... در ضمن خورش‌های گیلان، نوعی کوفته چاشنی دار آورده بودند که خوشمزه و مأکول است.

**نام‌ها:** اسمای گیلانی خاصه در دهات مخصوص و متمایز است. خاصه دخترها که بعضی آنها به صفات معرفی می‌شدند. مثلًا یک دختر را پرسیدم، اسمت چیست؟ دختر دیگر که پهلوی او ایستاده بود، گفت: کاس خانم. ازین تعجب کردم. حاج سید رضی ترجمه کرد که چون چشمش کبود است و به لغت گیلانی چشم کبود را کاس می‌گویند، به این صفت موسوم شده است.

**حکومت و مردم:** رشت: ... در رشت به سبب کوییدن گوش یک آخوند روپه‌خوان به درب عمارت حکومتی، اغتشاش و انقلابی حادث شد و

سعدالسلطنه رو پنهان کرد. بعضی مردم گفتند به طرف تهران گریخته است، جمیعی گفتند به ازلى رفته است که در ورود شعاع السلطنه حاضر باشد.  
... همه این سختی و بدبختی از طرف مالکین و بی کفایتی حکومت است.

منجیل: از اهالی منجیل چند نفر شکایت کردند که اراضی مزروعه آن‌ها را امتداد راه شهر واقع شده و کمپانی به خلاف وعده و قرارداد خود هنوز ترتیب ادای قیمت و جبران خسارت ملاکین را نداده است.

**آتش‌سوزی:** لیموچای لشت‌نشا: صبح شنبه تخته آوردنده در قریه لیموچا، خانه پسر محمدابراهیم خان به صدمه برق آتش گرفته، دخترک هشت نه ساله‌ی پسر محمدابراهیم خان که از حاجی میرزا جعفر بوده است، پاره چوبی نیم‌سوز به سرش افتاده، جامه‌اش مشتعل می‌شود و تا می‌روند لباس طفل را خاموش کنند، بدنش کباب و هلاک شده است. گفتند دختر خوش‌سیما و شیرین بود و داغ او دل جمیعی را سوخت. فرستادم محمدابراهیم خان را تسلیت کردند.

**پیشخدمت‌ها:** خدمه به حاج مهدی قلی میرزا، شفیع خان و حاج تقی منحصر است. جلال نام گیلانی و لشت‌نشایی است و وقتی به تفلیس رسیدیم، در ملازمت مبشرالدوله بوده، به یادگار مانده. پسر چابکی است، اما بی‌عقل و متقلب به نظر می‌آید. میرزا علی‌اکبر، پسر مرحوم محمدابراهیم خان ضرابی که در خشکبیجار، در زمان حکومت پدرش در لشت‌نشا معیل شده و به کسب مشغول است، آمد، گفتم این‌جا بماند. کلاتر هم پسر خودش، اکبرخان را به سمت نظارت گماشته است. حاج تقی چنان که در تفلیس به دست خود غذا و پرهیزانه مرامی پخت، این‌جا هم آش و کبابی برای من حاضر می‌کند.

**پیشواز:** لشت‌نشا: لشت‌نشایی‌ها همه مجتمع شده‌اند. اسب‌ها حاضر

شده است. از منزل شیخ خودمان فرود آمدیم، سوار شده، به راه افتادیم. در حدود هر قریه کدخدایها و رعایا جلو می‌آمدند. رسم ادب به جا می‌آوردند تا به سریازار رسیدیم... مستقبلین سواره و پیاده از پس و پیش ما را احاطه کرده، با ازدحام به پل چوبی روی خنده عمارت رسانیدند. قربانی‌ها را نگذاشتم بکشند، پیاده شدیم، میرزا جسین خان احتشام دیوان، نایب‌الحكومة لشت‌نشا را که مجدد آنطاخوش و بستری بود، از بستر بیماری بلند کرده، زیر بغلش را گرفته، در حیاط نکه‌داشته بودند.

**بازی‌ها و ورزش‌ها:** ورزخانه (جنگ ورزوها) / لشت‌نشا: کلاسیتر آمد که امروز چند نفر که گاوهای جنگی دارند، می‌خواهند مصاف دهند و برای تو درین احوال مشغولیتی است. اگر اذن می‌دهید، جنگ بیندازید. قصه مشتی‌های مشهد و شیخ‌الاسلام آن‌جا به خاطرم گذشت که روزی خدمت شیخ رفته، گفتند قوچ‌های جنگی خودمان را آورده‌ایم در محضر شما امتحان کنیم، اگر اذن دادید، جنگ می‌اندازیم؛ اگر هم اذن ندهید، جنگ می‌اندازیم، شیخ با کمال وقار گفت: حالا که اذن من شرط نیست، هر چه میل دارید، معمول دارید. چون در سفر سابق که به لشت‌نشا آمده بودیم، این تمثیلا را داده بودند، گفتم برای معین‌الملک که ندیده است، ترتیب مصاف بدهنند. مثل دیگران که گنج گاو نصیب ما نیست، اقلًا جنگ گاو را بینیم. بعد از ناهار، سبزه‌میدان از مرد و زن و اطفال جنجال شد. بچه‌ها به درخت‌ها فرا رفته، به آهنگی که مخصوص این هنگامه و گویا زیان گاو است، غریبو برداشتند. گاوهای خورده و خوابیده، با اندام و سیمای که راستی خیلی مطبوع و موزون است، مبلغی زیب و آذین به میدان آمدند. من از بستر خود قدری می‌دیدم. معین‌الملک و عماد‌الاطبا نزدیک بالاروهای تالار، مُشرف به میدان نشستند. گاوها از دور که میدان رزم را

می‌بینند، فریاد می‌کنند، با سُم و سر زمین را می‌شکافند، خودنمایی و میدان‌داری می‌کنند، همین که به حریف نزدیک شدنده به طمأنینه و وقار، سر به هم آورده، شاخ به شاخ بند می‌نمایند و استادانه به یکدیگر می‌آویزند. هیچ‌یک غافل نیستند که از حریف زخم بردارند، حملات و حرکات آن‌ها خیلی با احتیاط است و مثل مردم زمانه، به زور و سختی پیشانی می‌خواهند کار را از پیش ببرند. معین‌الملک را طول و تفصیل کشتی گاوها خسته کرد، رفت و خوابید. عmad قا آخر مجلس نشست و در غله و فیروزی گاوها، فال می‌زد، تا مجلس و تماشا برگزار و انعام خلعتی به گاودارها دادند و مردم تماشاجی متفرق شدند.

**چاپارخانه:** امامزاده هاشم: ... چاپارخانه هم به کلی میدان تصرفات روس‌ها شد، از یک سمت طولیه را به کلی بر چیده، درب و پنجره را تغییر داده و در یک اتاق زن و مرد خودشان منزل گرفته‌اند.

**بناهای لشتنشا:** ... به بالاخانه رفتیم، تعمیرات و اضافات عمارت را خوب و با سلیقه کرده‌اند. از هر دو سمت دو بالاخانه و دو راهرو به بنای سابق افزوده شده، تحتانی این بنا هم تتفییح و وسعتی پیدا کرده است. نجاری این بیتوتات را نیز تجدید نموده، برای ایوان تدارک بالارو و ارسی دیده‌اند. حالا قابل سکنا هست. یک آشیزخانه جدید در سمت شرق حیاط بنا شده است. طولیه بهاریندی هم که کفايت سی مال می‌کند، به کلی جدید ساخته‌اند. مراقبت و توجه آقای حاج سید رضی را در این تعمیرات و در ساختن بازار جدید که در پایین سبزه‌میدان، یعنی در سمت جنوب آن بنا شده و با این که قدری کوتاه است، یعنی سقف‌ها را اندک دست گرفته‌اند، بی‌شکوه نیست، تحسین و تشکر کردم.

**بذر چونشیان:** با حاج سید رضی تا کنار دریا پیاده رفتم. محل منارة

چراغ بحری که محض اعتبار بندر ضروری است، معین کردم. به کلاتر و حاجی آقابزرگ، تاجر و اعیان لشتنشایی، گفتم در این نقطه خانه‌های آجری و سفالپوش بسازند و قرار شد عمارت و با غی هم خودم اینجا بنا کنم که مایهٔ تشویق دیگران و رونق بندر شود. محل عمارت در جای معین شهر که منظر آن رودخانه و دریا باشد. چون در کنار دریا درخت مرکبات هم محتمل است بی‌رنج سرما و صدمه زمستان بارور شود، گفتم مقداری نهال نارنج و پرتقال و نارنگی از انزلی خریداری کنند و همین اوقات غرس نمایند.

لشتنشا: بعد از نماز جناب حاجی سید رضی آمد و از ترتیب آبادی بندر چونشینان گفتم و طرحی برای عمارت آن‌جا کشیدم که مجdalملک به مقیاس صحیح خواهد کشید. گفتم برای این عمارت اربابی سر بازار هم یک حمام مخصوص بنا کنند که هر وقت این‌جا باشیم، از حمام بزرگ خارج مستغنى شویم.

خيال کردم که برای عمارت این‌جا یک دست اندرونی ساخته شود. اگرچه عمارتی که در جهت شمالی سر درب، یعنی اتاق‌هایی که خودمان منزل داریم، واقع است، با الحافات و تعمیرات جدید خوب و کافی است، لکن حفاظ درست ندارد، مگر حصاری در میان آن‌جا و سردر و آشپزخانه کشیده شود. این هم البته منظر و شکوه این عمارت را خواهد برد.

حاجی بکنده: ... قریب به ظهر در کنار رودخانه حاجی بکنده در عمارت و کاروان‌سرای حاجی معین برای ناهار پیاده شدیم.

انزلی: به عمارت دولتی رفتیم و در عمارت قدیم معتمدی وارد شدیم. به خانه مشهدی قاسم رسیدیم... خانه منفع تمیزی است، درخت‌های

مرکبات قشنگ و پربار دارد و در ضلع شمالی تالاری که نشسته‌ایم، ایوانی است بی‌سقف با کاشی فیروزه‌ای فرش شده، حوض قشنگی هم از کاشی ساخته‌اند، با آب پاکیزه و روشن پر کرده‌اند.... .

**راه‌ها:** لوشان: ... سنگ‌ریزه می‌ریزند که راه هم‌تراز و برای عبور عراوه مناسب شود. اما با پیچ و انحراف که طبعاً در خط راه پیدا شده و به مسافت افروده است، چندین نقطه به نظرم خیلی سراشیب و نیز به بالا آمده که کالسکه و عراوه البته به سرعت نمی‌تواند سیر کند.

منجیل: ... آمدن این راه جدید و عمله و کارفرمایان روسی، وضع منجیل را تغییر داده، دکاکین رونقی یافته، می‌توان همه چیز را پیدا کرد، اما غالب عمله و کارگر که از گرجی و روس و مسلمین غازان و غیره آورده‌اند، از اشرار و اوباشند... از ایرانی‌ها هم جماعتی در خدمت روس‌ها و در سر کار راه هستند.

سنگر: ... باید تا سنگر از راه ساخته رفت و از آن‌جا راه نصرالله‌آباد را گرفت.

**پل‌ها:** لوشان: ... پل قدیم لوشان را که به سبب پل‌های مملکت خودمان مقوس و محدب و گردنه نعل‌شکن بود، روس‌ها از دو طرف پایه‌هایی از سنگ تراشیده بسته و بالا آورده‌اند.

... پل‌ها را با سنگ تراشیده و سیمان و آهک در کمال استحکام می‌سازند. بنا، حجار و غالب عمله را از فرقاًز آورده‌اند و در ابتدای اجتماع و تداخل آب‌های دره، که شروع به ساختن یک پل کرده‌اند، چند عمارت یعنی بیوتات موقت برای کارگرها ساخته‌اند و یک نفر مهندس آن‌جاست، گویا فرانسوی بود.... .

**کشتی‌ها:** انزلی: گفتند: میرزا علی‌اکبر با شما تا بادکوبه می‌آید که برای خریداری کشتی و لوازم دیگر چونشینان و لشت‌نشا تحقیقات و اقدامات

بکند. از کشتی برای عزیمت خودمان پرسیدم. میرزا علی‌اکبر گفت یکی کشتی تجاری حاضر است که فردا بعد از ظهر حرکت می‌کند... کشتی وسیع و محکم خوبی است، اتاق‌های خوب دارد، قدری در سطح و عرش کشتی گردش کردیم... به کنار مرداب آمدیم. پریکاس کمپانی را منتظر و حاضر دیدیم....

بزرگان و مشاهیر: ...آقایان، یعنی حاج سید حسن و آقا سید محمد و غیره آمدند....

معین‌الملک و مبشر‌الدوله و عmad به چونشینان رفتند.  
آقا شیخ محمد رضا از شهر آمده بود. با آقا سید محمد آمدند... قدری هم با حاج سید رضی صحبت کردیم....  
منتظم‌السلطنه، حاکم لاهیجان کاغذ نوشته، به مبشر‌الدوله گفتم،  
جواب نوشت....

کلاتر به ناهار دعوت کرده بود، به اصرار حاج سید رضی و عmad رفتم.  
...عصر جناب حاج میرزا حسین مجتبه‌لاهیجی، فلک المعالی هم بود.  
میرزا قاسم خان، کلاتر لشت‌نشا، پسرهای میرزا حسین خان مرحوم،  
علی خان، میرزا آقا مجیب‌الرعایا، سایر کدخدایان و اعیان لشت‌نشا  
تدریجاً رسیدند. امشب مهمان کلاتر خواهیم بود، در سالستان...  
در محاذات بازار خراب نصرالله‌آباد در کنار سفیدرود، به ناهار پیاده شدیم....

صبح علمای لشت‌نشا که جناب آقای حاج حسن و جناب آقای سید محمد و جماعتی سادات و طلباند، تشریف آوردن.  
(امین‌الدوله: صص ۴۱۶ - ۳۹۶، ۵۸ - ۲۸)

## ● سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ

(سال ورود: ۱۳۱۷ هـ ق)

مظفرالدین شاه (۱۲۶۹-۱۳۲۴ ق) در دو سفر خود به اروپا که اولی در سال ۱۳۱۷ ق، دومی سه سال بعد از آن انجام شد، در عبور از شمال ایران، گزارش دیدارش از گیلان و آبادی‌های آن را نوشت.

تبرستان  
www.tabarestan.info

موداب‌ها و دریاچه: انزلی: ... مرداب خیلی قشنگی است... آب گل آلود و رو دخانه به قدر پانصد ذرع هم معلوم بود که آب شیرین داخل آب سور دریا می‌شد.

... چند مرداب هم نیز در سمت چپ راه است.

آب از طرف دریا به طرف مرداب می‌آید و دو ذرع آب مرداب بالا آمده.

رشت: سوار شدیم و رفتیم به عینک، عینک دریاچه‌ای است، به شکل عینک، اطرافش جنگل و درخت است.

جانوران: رشت: این جا مار زیادی دارد، اما گویا زننده نباشدند.

دو خرگوش بود که پوست آن‌ها سیاه و سفید راه راه بود، معلوم می‌شود خرگوش جنگلی با صحرایی تفاوت دارد.

تالش: ... دیشب منزل ما خیلی ساس داشت.

رشت: ... بیرون شهر به قدری زنبور بود که آدم دهنش رانمی‌توانست باز کند.

پوندگان: رستم آباد: ... سيف‌السلطان و معین دربار عرض کردند فاخته این جا هست، بیایید بزنید. پیاده شدیم و فاخته را زدیم.

رشت: ... آمدیم توی حیاط چند تا کبک با گلوله زدیم.

انزلی: ... در کنار دریا مرغی شکار کردیم، قناری زرد رنگ بود.

تالش: ... قره غاز و لاشخور زیادی در سر درخت‌ها نشسته بود.

رشت: بلدرچین... زدیم.

درختان و گیاهان: سرو هرزه‌بیل: ... از سرو معروف آنجا تعریف می‌کردند که خیلی سرو بلند قشنگ عجیبی است و تماشا دارد.  
منجیل: ... در کنار راه درخت زیتون زیادی است کهنه، ساقه‌هایش مثل این است که تکه به هم وصل کرده باشد.

اما مزاده هاشم: ... یک درختی هم امروز توی جنگل دیدیم، گل زردنگی هم داشت، برگ‌هاش مثل برگ مو بود، سيف‌السلطان عرض کرد درخت افرا است.

رشت: ... توی جنگل... رسیدیم به درختی که مثل نارون اما قرمز رنگ، برگ‌های قرمزی داشت خیلی قشنگ، فرستادیم از شاخه‌هایش آوردن، آلوچه قرمز بود.

افزلى: ... توی باغ شاه، گلی پیدا کردیم که برگ او بوی سیر می‌داد، اگرچه فرستادیم ریشه او را پیدا کنند، ولی پیدا نشد. به نظرم این گل موسیر باشد.  
... در نیم فرسنگی منزل، گل زنبقی به نظر رسید که رنگ لیمویی داشت... تا امروز هم چنین گلی ندیده بودم.

... به قطعه زمینی رسیدیم که تمام این زمین از گل‌های ریز زرد رنگ و بنفش بود، مثل آن که چیت الوانی روی زمین کشیده‌اند.

کشاورزی: چای: ... بعد از میرزا کاشف‌السلطنه، دو نفر چای‌کار روسی را به حضور آورد، از قراری که عرض می‌کرد، حالا هشتاد هزار درخت چایی به عمل آورده و سال دیگر دویست و چهل هزار گیر و انکه چایی خواهیم داشت. مردم هم درخت چایی کاشته‌اند، انشاء‌الله این عمل چایی کاری رواج بگیرد، یادگار خوبی خواهد ماند.

کنف: ... شخص فرنگی آمده، خیال دارد تخم کنف بکارد، از قراری که به

عرض رسانید، خیلی با منفعت است و اسبابی آورده بود که زمین را با او شیار کنند و تخم بپاشند و روی تخم را بپوشانند، واقعاً خیلی اسباب خوبی است. من اسباب بزرگ این را پیش شعاع السلطنه دیده بودم که با اسب چرخ می‌دادند.

شخص فرنگی که وقت رفتن آمده بود، اینجا تخم کنف کاشته بود (کنف یک نوع علفی است که از او رسیمان درست می‌کنند). نخ‌هایش را آورده بود، ملاحظه فرمودیم. بعضی ماشین‌ها که برای گل‌کاری خواسته بودیم، آورد. کاشف السلطنه آمد، عرض کرد، دو کرور درخت چای داریم و انشاء الله بهار آینده چایی آن را خواهیم خورد.

**باغ‌ها:** رشت: رفتیم به باغ مدیرالملک، باغ خیلی قشنگی دارد، یک شعبه از رودخانه سفیدرود هم رودخانه کوچکی از توی باغ می‌گذرد، گفتند قرقاول هم دارد....

اسامی دهات و باغاتی که امروز دیدیم از این قرار است: باغ مدیرالملک، سلمان داراب، سalar افخم، بقعة سلمان بن علی بن داراب، باغ محظی‌الملک، باغ صفائی معاون دیوان، بقعة چله‌خانه که شیخی در آن چله نشسته است.

... راندیم برای باغ حاجی میرزا نصیر گیلانی، باغ قشنگ خوبی داشت، درخت‌های جنگلی قشنگ، گل سرخ زیاد، اما هنوز باز نشده، عمارت و حوض‌خانه دارد و حوض آبی هم داشت که دورش زنق‌های آبی و بنفش کاشته بودند ... رفتیم به باغ محظی‌الملک....

**ابریشم:** رشت: ... جناب اشرف اتابک اعظم آمدند، پسر شریف‌العلمای رشت را حضور آورد، فرمایشات فرمودیم، از ابریشم رشت سوال کردیم، عرض کرد بسیار خوب شده است و هیچ عیب ندارد،

پارسال خیلی خوب بوده، امسال هم اولش است و هنوز معلوم نیست.  
پرسیدم تخم ژاپنی بهتر است یا تخم ابریشم مارسیل، عرض کرد، تخم  
ژاپنی خیلی سخت و بد است، ابریشم نمی‌شود، پیله‌اش کچ می‌شود، اما  
تخم مارسیل خیلی خوبی بوده و ابریشم‌اش بسیار خوب می‌شود و هر  
سال از تخم مارسیل می‌خریم....

اطراف راه به عین اطراف شهرهای فرنگستان می‌باشد، آن‌جا اتاق‌هایی  
که درست کرده‌اند، مثل گرم‌خانه و گل و سبزی‌کاری است، این‌جا پیله  
ابریشم را در این اتاق‌ها خشک می‌کنند، وضع ابریشم هم این‌است که  
تخم را از فرنگستان می‌خرند، می‌آورند، توی قوتی است، در اوایل بهار  
که موقع بیرون آمدن کرم است، از تخم قوتی‌ها را باز می‌کنند، در اتاق  
گرمی می‌گذارند، کرم مثل مورچه از تخم بیرون می‌آید، همین که بیرون  
آمد، برگ توت را روی آن‌ها ریخته، می‌خورند و کم‌کم بزرگ می‌شوند،  
بعد دور خودشان را از لعب دهانشان پیله درست می‌کنند و خودشان  
می‌روند میانه پیله پنهان می‌شوند، بعد پیله را در آفتاب خشک می‌کنند و  
کرم او می‌میرد و ابریشم درست می‌کنند....

**کارخانه:** منجبل: ... آن طرف رودخانه یک عمارتی دیدیم مثل  
عمارت‌های کنار رودخانه رن، دودکش هم دارد، پرسیدیم گفتند کارخانه  
روغن زیتون‌سازی است.

رشت: ... رسیدیم به کارخانه، این کارخانه مال حاجی حسین آقا است،  
کارخانه‌ای است که پیله را ابریشم می‌کند، کارخانه نقادی است، به قدر  
دویست نفر زن و عمله در این کارخانه کار می‌کنند و پیله را نقادی و تل  
می‌کنند. کارخانه خیلی خوبی است، پول و قالیچه ابریشمی و از  
ابریشم‌های تل کرده، تقدیم گذارده بودند. خیلی اظهار التفات و تشویق

کردیم حاجی حسین آقا را و فرمودیم کارخانه نساجی را هم بیاورد.  
صید و شکار: ارزلی: ... آمدیم توی مردان، ماهیگیرها ماهی  
می‌گرفتند، یک کشتی هم پر از ماهی بود، آمدند جلو ما هم تور را  
کشیدند، به قدر پانصد ششصد بلکه هزار تا ماهی توی تور افتاده بود و  
گرفتند. ماهی سفید، ماهی سیم، انواع ماهی‌ها، خیلی تماشا داشت.  
فرستادیم کرجی بیاورند، برای شکار ماهی، آمدند و تور را انداختند،  
ولی چیزی بیرون نیامد.

جایی که ماهی می‌گرفتند، در آن جا سه عدد سگ‌ماهی بود که طول هر  
کدام یک ذرع بلکه متتجاوز بود... شکم ماهی را پاره کرد و به قدر دو من  
تخم ماهی بیرون آورد که از آن تخم ماهی خاویار درست می‌کنند. بعد از  
کمر ماهی بی بیرون آورد، به اندازه دو ذرع بود که از آن نان خشک درست  
می‌نمایند و پرده نازکی هم از شکم ماهی در آوردنده که سریشم ماهی  
درست می‌کنند.

... در اینجا جویی بود که ماهی را آن‌جا می‌ریختند، چند قطعه عکس  
از آن ماهی انداختیم.

قالش: طول این ماهی چهار ذرع و قطرش یک ذرع و یک چارک، دماغی  
داشت مثل دماغ گراز ولی بلندتر، دهنی داشت مُدُوز، وقتی که باز  
می‌شود، متتجاوز از یک چارک بود.

بازی‌ها و ورزش‌ها: ورزش جنگ (جنگ ورزوها) / رشت: [باغ محتشم] عمارت  
دو سه طبقه قشنگ خوبی داشت. جمعیت شهری هم برای این که گاو  
دعوا می‌اندازند، خیلی به تماشا آمده بودند. رفتیم طبقه بالا نشستیم و  
گاوها را دو تا دو تا می‌آوردن، دعوا می‌اندازند. خیلی تماشا داشت،  
گاوها کوهان غریبی داشتند، از پارچه‌های الوان هم به کوهان گاوها بسته

بودند، خیلی مهیب بود. یک شاخ گاوها را هم با چاقو تیز کرده بودند. اول مثل قوچ به هم کله می‌زدند، بعد یک گاو سیاه غربی بود، شاخش را گذاشت به شاخ آن یکی گاو، به قدر دویست سیصد قدم عقب برد و دواند، گفتند چشم آن گاو هم کور شده. این گاو را گفتند مال شریعتمدار است. به قدر یک ساعتی آن جا بودیم، چند تا گاو را دعوا انداختند، تماشا کردیم.

گاوهای جنگی را آوردند، دعوا انداختند، دو تا از گاوها به قدر نیم ساعت شاخ به شاخ هم گذاشتند، دعوا کردند، خیلی تماشا داشت. آتش بازی / انزالی: ... بعد از غروب آتش بازی مفصلی شد که واقعاً خیلی مصفا بود. تمام کشتی و کرجی‌ها را چراغان کرده بودند، زیاد قشنگ بود، خیلی هم خوش گذشت.

... آتش بازی خوبی کردند، موزیک هم زدند.

پیشواز: رشت: ... دو طرف راه مستقبلین شهری صف کشیده بودند، اول تجار ایرانی بودند، شال نگاه داشته بودند. از آن‌ها که گذشتم، کسبه بودند، تجار ارامنه با نان و نمک آمده بودند، بعد یهودی‌ها با تورات آمده بودند. یک زن یهودی پیری که صورتش را هم خال کوییده بود، پهلوی یهودی ایستاده بود. زن‌های ارمنی زیادی هم توی بالکون‌ها ایستاده بودند. یک زن ارمنی پیری هم بود. از طرف مشرق شهر وارد شدیم و دور زدیم از خیابان ناصری ... .

حوادث: انزالی: ... امیر آخرور آمد، عرض کرد خانه‌ای در سمت غازیان آتش گرفته، آمدیم توی بالکن تماشا کردیم و آدم فرستادیم ضرر را معین کند و به عرض برساند.

منجیل: ... اخبار زیادی رسید. اول گفتند یک نفر قزاق مرده با دو رأس اسب، در کاهدان بوده‌اند، کاهها آتش گرفته و همه سوخته‌اند، بعد گفتند

چهار نفر سریاز مرده. یک همچه باد و بارانی در سی و نه سال قبل در چمن لیلان دیدیم....

**بازارها:** سنگر و دوشنبه بازار: ... رفتیم بالاخانه منزل خودمان، رو به روی ما هم بالاخانه و منزل اتابک اعظم است. دو طرف دکان ساخته‌اند. اینجا دوشنبه‌بازار است که هفته‌ای یک روز از دهات اطراف این جا می‌آیند و از شهر اجناس می‌آورند، مردم خرید می‌کنند. این‌ها تمام مال بیگلریگی است.

دوشنبه بازار: ... این عمارتی که ما منزل داریم، دکاکین زیادی اطرافش دارد که دوشنبه بازار می‌گویند. از قراری که شنیدیم، سه چهار هزار تومان اجاره‌اش می‌شود.

**آبادی‌ها:** امامزاده هاشم: ... رسیدیم منزل که امامزاده هاشم است، این ده مال شعاع السلطنه است.

سنگر: ... از دو ده گذشتم، مال شریعتمدار بود. ... نزدیک منزل بیگلریگی رسیدیم. این سنگر ملک بیگلریگی است. طاق نصرتی ساخته بود، خیلی قشنگ. در و دیوار را همه زینت کرده، بیرق زده....

رشت: ... وارد شهر شدیم. شهر قشنگی است، خانه‌های خوب دارد، روی بام‌ها همه سفال است. فرنگی زیادی توی بالکن‌ها ایستاده بودند و ما را تماشا می‌کردند. سبزه میدان خوبی دارد. از سبزه میدان هم گذشتم، طومانیانس‌ها هم در رشت تجارت ابریشم زیادی دارند.

... بازارهای شهر مثل تهران سقف ندارد، کوچه است، دو طرف دکان، اما بالای دکان‌ها طوری از دو طرف جلو آمده که به قدر دو سه ذرع بیشتر آسمان پیدا نیست. مغازه‌های خوب دارد... خیابان‌های قشنگ دارد،

درخت‌های جنگل دو طرف خیابان خیلی باصفاست....

قریه پشم: ... بعد از یک فرسنگ به قریه‌ای رسیدیم، موسوم به پشم، در سمت چپ راه واقع شده، دریا هم همه‌جا دست راست راه است.  
انزلی: ... در بین راه چندین ده دیده شد که اسمی آنها را این قرار است:  
قریه کبودچال، قریه سنگچین. که هر یک از این‌ها یک فرسنگ از همدیگر فاصله داشت. آمدیم تا رسیدیم به نیم فرسنگی منزل که موسوم به تازه‌کند است.

... در کنار دریا باز چند قریه بودند که اسمی آنها از این قرار است:  
قریه خیمه‌سرای به فاصله ربع فرسنگ، قریه شفارود - محله کوچکی متصل به خیمه‌سرای، قریه موکنده به فاصله یک فرسنگ، قریه اسکام به فاصله نیم فرسنگ، قریه سمسری کلاً به فاصله چارمیل، قریه دینه‌چال به فاصله نیم فرسنگ، بازار اسالوم به فاصله نیم فرسنگ، قریه چاله‌سرای، نیم فرسنگ، قریه امرلان که منزل فرمودیم....

خمام: ... خمام دهی است. آن‌چه به نظر ما رسید و سر راه بود، ده دوازده خانه رعیتی بیشتر دیده نشد.

هرزه‌بیل: ... بعد رفیم برای قریه هرزه‌بیل، بالای تپه آفتادگردان زندد، سرو بزرگ را هم تماشا کردیم.

بناهه: رستم‌آباد: ... منزل ما در سرداری است که شریف‌العلما ساخته، در کاروان‌سرای شاه عباس در مهمن خانه منزل نکرده‌ایم.

انزلی: ... در عمارت صدری منزل ما را معین کرده‌اند... این عمارت مُشرِف به دریا است.

عمارت شمس‌العماره هم بسیار عمارت خوبی است، باغ بسیار خوبی دارد. یک طرف عمارتش قدری خرابی به هم رسانده، فرمودیم جناب

اشرف اتابک اعظم پول بدنه، وزیر دربار بددهد بسازند، انشاءالله برای  
برگشتن ما عمارت تعمیر شده و خوب شده باشد.

**قایق رانی:** منجیل: ... کرجی روی آب بود، دادیم باز کردن و چند نفر  
نشسته رفته آن طرف رودخانه، هیزم گذاشته توی کرجی و باز آمدند  
این طرف.

**پیر بازار:** ... قایق زیادی حاضر بود، بیرق‌های الوان و شیر و خورشیدی  
زیادی آویزان کرده بودند...

قایقچی‌های خوش لباس خوبی داشت، وقتی که پارو می‌زدند، به زبان  
گیلکی تصنیف خوبی به آهنگ خوش می‌خوانندند.

**پل‌ها:** پل منجیل: این پل کمی شباهت به پل‌های فرنگستان دارد، اما نه مثل  
آن پل‌های طاقی فرنگستان، راسته است. از آهن و معجر آهن دارد، این  
طرف و آن طرف پل آهن‌ها را به زمین مهار و میخ کوب کرده‌اند. کف پل از  
تحته است، پایه‌های پل آجری است. پل محکم خوبی است.

... رسیدیم به پلی، گفتند پدر شریعتمدار ساخته است. خوب پلی بود.

**بزرگان و مشاهیر:** رشت: نصرالسلطنه با اعیان گیلان، شریعتمدار،  
عمیدالملک بیگلربیگی، مدیرالملک، منظم‌السلطنه، منجم باشی،  
محتشم‌الملک و امام جمعه... سر راه ایستاده بودند...

... علماء هم نشستند و قدری صحبت کردیم. نصرالسلطنه اسم علماء را  
عرض کرد. اسمی آن‌ها از این قرار است: جناب حاجی آقا رضای  
مجتهد، جناب حاجی بحرالعلوم، جناب حاجی آقا محمد مجتهد و  
شریعتمدار، جناب آقا شیخ محمد علی مجتهد، جناب حاجی میرزا  
محمد رضای مجتهد، جناب حاجی سید محمود مجتهد، جناب حاجی  
امام جمعه، جناب آقا شیخ علی، جناب آقا شیخ احمد علی، جناب آقا

سیداحمد، جناب آقا شیخ علی، جناب آقا سیداحمد، جناب آقا میرزا قاسم، جناب آقا شیخ محمد تقی، جناب آقا شیخ علی گیلاندانی، جناب آقا سید محمد.... .

پیربازار: ... خلاصه دم پیربازار آقا سیدقاسم که صاحب پیربازار است، ایستاده بود، تقدیمی هم آورده بود.

... بعضی از علمای رشت، مثل حاجی خیمامی و شریعتمدار و ضیاءالعلماء و غیره به توسط جناب اشرف اتابک اعظم به حضور آمدند.  
(مصطفی‌الدین شاه: صص ۱۱ - ۲۷ - ۱۴۸ - ۱۵۲)

## ● سفرنامه ظهیرالدوله

(سال ورود: ۱۳۱۷ هـ ق)

ظهیرالدوله (۱۲۸۱-۱۳۴۲ ق)، وزیر تشریفات ناصرالدین شاه بود و مدتی نیز حکمرانی تهران را بر عهده داشت. وی مؤسس انجمن اخوت، از طرفداران مشروطه و آزادی خواه و زمانی نیز حکمران گیلان بود.

**رودخانه‌ها:** رشت: شهر رشت را دو رودخانه عمیق ساخت به عرض تقریباً ده پانزده ذرع و عمق هفت ذرع از طرف مغرب و مشرق احاطه کرده و هشت نه سنگ آب از ته این عمق جاری و از لب آب تا سطح زمین آکنده از علف و نیزار سبز است... آن دو رودخانه که به جای خندق و کنده و حصار شهر است، یکی اسمش صیقلان رود و دیگری اسمش گوهرو است.

**باغ‌ها:** رشت: ... در باغ صفائیه که فعلاً معروف به باغ بیگلریگی است، پیرمرد کوری که اسمش کورکاظم است، برای ما نای هفت بند زد. باغات رشت تماماً دورش زمین زراعت برنج است... از آنجا رفته به باغ مرحوم قاسم خان والی که تقریباً سی و پنج سال قبل از آن در رشت حکومت داشته و به طوری خوب حکومت کرده است که هنوز رفتار و کردارش ضربالمثل است.

... به فاصله بیست ذرع در آن طرف رودخانه که زمین سلیمان دارابی است، بیگلریگی کلاهفرنگی و باغچه‌ای ساخته است، دورش هم درخت‌های کوچک و گل‌های معروف به گل رشتی کاشته‌اند.

... آقای حسین پاشاخان و کنت و ظهیرالاعیان و مرا با درشکه خودشان بردنده به باغ مدیریه.

تاباخ نواب نیم فرسنگی شهر است.

**جمعیت:** رشت: پنجاه هزار نفر سکنه دارد، چهار هزار نفر آن تبعه روس و روسی هستند. هزار نفر هم شاید متفرقه تبعه دول دیگر داشته باشد. دویست نفر ارمنی تبعه ایران دارد که همه مشغول کسب هستند.

**رفتارشناسی مردم:** رشت: ... کلیتاً خیلی وضع مردم اینجا تغییر کرده، غالب مردمش روس مآب هستند، در مکالمات از زده کلمه البته دو کلمه اش لغت روسی است. بعضی هم که قهرآنمی توانند، از گفتشگو و صحبت‌شان پیداست که چقدر بی‌غیرتند.

**آبادی‌ها:** رشت و پیربازار: خود شهر رشت که تقریباً نیم فرسنگ طول و شاید سه هزار قدم عرض داشته باشد.

پیربازار بسیار جای کثیف چرکی است و حال آن که فوق العاده، همه جور استعداد دارد.

**قونسولخانه:** قونسول روس دو خانه دارد، دور از هم. یکی خانه معروف به خانه رستم خانی است که دفتر قونسولخانه و رسمیت قونسول از قدیم که بنای قونسولخانه داشتن شده است، در آنجاست، خانه دیگر که خود قونسول نشسته است، ملک حاجی میرزا نصیر گیلانی است.

**مهرمانخانه:** منجیل: ... امان از این مهمانخانه که از تمام مهمانخانه‌ها بدتر و کثیف‌تر و بی‌همه چیزتر بود، حتی آن که فرش خواستیم در دستگاه خود مهمانخانه پیدا نشد.

**رستم‌آباد:** ... رسیدیم به مهمانخانه‌ای، بنای مهمانخانه چسبیده به کاروان‌سرای مخربه قدیمی ساده است... از بس مهمانخانه کثیف بود، هیچ کدام میل به پیاده شدن در مهمانخانه نکرده بودیم.

**کاروان‌سراهای:** رستم‌آباد: ... کاروان‌سرای خرابه را تماشا کردیم،

بالای درب ورود کاروان‌سرا لوحه سنگ مرمری است... بنای این کاروان‌سرا مقارن است با اوایل سلطنت مرحوم فتحعلی شاه قاجار. پهلوی این کاروان‌سرا چند قدمی دورتر، آب انباری است که با کاروان‌سرا ساخته شده است.

اما مزاده هاشم: ... کاروان‌سرا خیلی قشنگی در فراخناهی جلوی امامزاده [است] که تقریباً به عرض پانصد ذرع تار و دخانه گشوده است.

کهدم: ... مهمان‌خانه را پیشتر دیده بودم که دارای چند اتاق و ایوان بزرگ و گالاری است و سقف و سطح تمام اتاق‌ها و ایوان و گالاری چوب است و تخته‌ای درخت آزاد که از روسیه می‌آورند... حیاط و طویله و انبار هم در عقب اتاق‌های دو مرتبه مهمان‌نشین دارد.

راهداری: نقل‌بر: ... رسیدیم به راهدارخانه نقل‌بر... یک دست عمارت قشنگی با گُنده بزرگ درختان جنگلی مقطع ساخته بودند که هرگز بنایی به آن مطبوعی تصور نمی‌کردم. بیرونیش طبیعی صرف بود، یعنی هیچ کدام از کنده‌ها که نمایان بود، تراشیده نبود، ولی سر پله و دالان ورود و اتاق‌هایش در نهایت آلافرنگی، سفیدکاری و مزین بود.

رشت: ... رسیدیم به راهدارخانه روس که در نزدیک پل است و خیلی جای قشنگی ساخته‌اند.

کارخانه: رودبار: ... در اینجا فرنگی‌ها کارخانه قشنگی برای روغن زیتون گرفتن در وسط مزرعه باصفایی ساخته‌اند، چون اغلب رودبار زیتونزار است، خیلی از این ممر دخل می‌برند. از روغن زیتون رودبار به اغلب نقاط فرنگستان می‌رود.

مدارس و آموزش و پرورش: رشت: نزدیک خانه ظهیرالاعیان یک مدرسه‌ای است....

... با جناب امیراکرم به مدرسهٔ جدید که به سعی و کوشش میرزا حبیب‌الله‌خان تبریزی، معلم زبان روسی و اقدام و همت جناب امیراکرم و جناب مدیرالملک و بعضی دیگر گشوده شده است و موسوم به مدرسهٔ وطن است [رفتیم]، یعنی مدرسهٔ دعوت کرده بود. بی‌اندازه از دیدن این مدرسهٔ خوشحال و خرم شدم. تقریباً سی شاگرد دارد، همه با لباس و علامت مخصوص. به کلاهشان هم نشان دارند زبان فارسی و مقدمات عربی و زبان روسی می‌آموزند. معلم‌شان خیلی خوب، معلم معقول خوش ظاهری است، آن‌هایی که به حالش مسبوق بودند، از اخلاقش هم تعریف می‌کردند (اول شرطِ معلم اخلاق است). رشت دو مدرسهٔ دیگر هم دارد، ولی نقداً این مدرسهٔ چون اسم حکومت هم بر سرش است، دایر و منتظم‌تر است.

تکیه دولتی و تعزیه‌خوانی در رشت: ... رفتیم به تکیه دولتی که رو به روی باع و میدان و عمارت دولتی است و برای تعزیه‌داری دهه عاشورا حکام می‌بندند و از دولت چیزی برای تعزیه‌داری شهرهای حاکم‌نشین مقرر است. تکیه را خیلی قشنگ بسته بودند. هر یک از طاق‌نماها را یکی از اعیان و معاریف گیلان مزین می‌کند. بیست طاق‌نما دارد که همه را اسباب چراغ و آیینه گذارده‌اند. چادر بزرگ نوی زده بودند. حاکم معمولاً از راه غیر راه عمومی رفت، در بالاخانه می‌نشیند. مثل تعزیه‌خوانی دولتی تهران، اول دستهٔ فراشان حکومتی می‌آیند، سینه می‌زنند، بعد موزیک، بعد تعزیه‌خوان‌ها. شبیه وفات ابراهیم، پسر حضرت فخر کایبات صلی‌الله‌علیه و آله را نمایاندند. تعزیه‌خوان‌ها قریب بیست نفر، همه رشتی بودند. روی هم رفته بد تعزیه‌خوانی نبود.

بازارها: رشت (سنگر): به بازار سنگر رسیدیم که دو فرسنگی شهر رشت

و ملک مرحوم علی اکبرخان بیگلرییگی است. رسم شهر این است که در اطراف شهر این طور بازارها دارند و در ایام هفته هر روز نوبت فروش یکی از آن بازارهاست و جز آن روز مخصوص در آن بازارها [از] جمعیت خبری نیست....

انزلی: ... از بازار انزلی که تقریباً بیست و سی دکان کثیف لجن آلود است، گذشته، وارد باع دولتی شدیم.

حمام‌ها: رشت:... صبح رفتیم حمام بیگلرییگی که حمام کوچک تقریباً تمیزی است و غالب سنگ کارهایش از مرمر زرد قزوین است. ... رفتیم به حمام معروف به حمام ابوطالب که خیلی نزدیک به خانه ظهیرالاعیان است. خیلی حمام بزرگ، تاریک، کثیف و قدیم‌ساز.

ورزش‌ها و بازی‌های میدانی: ... رفتیم به باع مدیریه... که وضع کشتی گرفتن گیلاتی‌ها و گاو جنگی را نشان بدهد. مثل روز اسب‌دوانی تهران است. در همه کوچه‌ها جمعیت مردم مرد و زن دیده می‌شدند که به مدیریه می‌رفتند. دم درب باع مدیریه پیاده شدیم... جمعیت و تماشای غریبی بود. زیاده از ده هزار نفر برای تماشا در چمن جلوی عمارت جمع شده بودند.

موزیک نظامی و سازنده‌ها و بازیگرها مشغول بودند. اول تماشای کشتی گرفتن گیلک‌ها را کردیم، واقعاً کشتی است، لخت می‌شوند و یکدیگر را به قصد کشتن می‌زنند، بهر جا که خورد، خورده باشد. بعد تماشای گاو جنگی کردیم. گواهای جنگی را ورزو می‌گویند و فقط محترمین رشت برای دعوا انداختن نگاه می‌دارند. خیلی بزرگ هستند با شاخ‌های بلند و کوهان‌های افتاده. خیلی چاق که کم‌تر، بلکه هیچ گاو بدان چاقی در تهران ندیده بودم. این گواها تقریباً وحشی هستند و به طوری که

مردم در حین عبور از آن‌ها می‌گریزند و حال آن که هر کدام را هشت یا ده نفر با طناب و زنجیر می‌آورند. به طور مخصوص نقاهه و سرنا می‌نوازند و آن‌ها مشغول دعوا می‌شوند، از نیم ساعت دعوای آن حیوان‌ها طول می‌کشد تا یک ساعت و نیم. چند جفت دعوا انداختند. خیلی تماشا داشت.

**صنایع دستی:** امامزاده هاشم: به دکان شانه‌تراشی که شش سال قبل هم در مراجعت از رشت به تهران رفته بودم، رفیق خیلی ممتاز شانه‌های خوب می‌ساخت. یکی حضوراً برای من در چهار دقیقه ساخت با دست و جزئی اسباب ناقابل، مختصراً امتیاز و پرکاری. گفتیم بیست عدد به سلیمان خودش بسازد، بفرستد رشت که انشاء‌الله در اکسپرسیون تماشا بدhem.

رشت: نزدیک خانه ظهیرالاعیان یک مدرسه است... بالای سردرِ خانه صورتِ عقاب دو پیکر که نشان دولت روس است، گچ بری شده بود.

دو نفر جلودار که هر کدام یک زین‌پوش قلاب‌دوزی ماهوت قرمز به دوش انداخته، در دو دهنۀ اسبی که جناب مشیرالسلطنه سوار بود، می‌آمدند... جناب مشیرالسلطنه سوار اسب کهریزاق طلایی شده بود. در حالتی که خرقه ترمه لاکی بطنۀ خز زقره کلفتی به دوش انداخته...

... [در بقعه سلیمان داراب] کیهی‌ای در بالای صندوق به خط نسخ به قلم شش‌دانگ کنده کاری شده که فوق العاده خوب نوشته و کنده شده است. دو پارچه تخته از این صندوق که هر کدام به عرض نیم ذرع و طول سه چاریک ذرع به فاصلۀ یک ذرع و نیم در جهت شمالی آن صندوق است و نیز به خط ثلث نوشته و کنده شده است که فقیر هنوز در عهد خود چیزی به این نفاست و خوبی ندیده‌ام... زمینه و متن تخته به کلفتی ده یک گره ذرع برآمدگی دارد، رنگ فولاد شده است و براق...

بناهای رستم‌آباد: ... برای ناهار به رستم‌آباد رسیدیم... رسیدیم به مهمان خانه‌ای. بنای مهمان خانه چسبیده به کاروان‌سرا مخروبه قدیمی ساده‌ای است... بالای درب ورود کاروان‌سرا لوحه سنگ مرمری است که به آن، این قطعه ماده تاریخ به خط نستعلیق خوب متقدور است [بیت اول و آخر آورده می‌شود]:

گوهر بهر نجابت گلشن صدق و صفا  
بهر تاریخ بنایش از شعف مقیاس گفت  
حجی ناجی محب خالص آل عبا...

این رباط کهنه‌ای بود و بگشت از نو بنا  
(استاد عباس بنا، حرّه محمد یوسف رشتی)  
بنای این کاروان‌سرا مقارن است با اوایل سلطنت مرحوم فتحعلی شاه  
قاجار. پهلوی این کاروان‌سرا، چند قدمی دورتر، آبانباری است که با  
کاروان‌سرا ساخته شده است.

کاروان‌سرا امامزاده هاشم: ... نیم ساعت به غروب آفتاب مانده، رسیدیم به امامزاده هاشم و کاروان‌سرا خیلی قشنگی که در فراغنای جلوی امامزاده که تقریباً به عرض پانصد ذرع تا رودخانه گشوده است.  
مهمان خانه کُهدم: ... غروب آفتاب به مهمان خانه کُهدم رسیدیم... مهمان خانه را پیش‌تر دیده بودم که دارای چند اتاق و ایوان بزرگ و گالاری چوب است... حیاط و طویله و انبار هم در عقب اتاق‌های دو مرتبه مهمان‌نشین دارد.

عمارت‌ها: رشت: ... عصر به سلیمان‌دارابی که تقریباً ربع فرسنگ به طرف جنوب از شهر رشت دورتر است، رفتیم. به قدری نقطه باصفای طبیعی روحانی است که باید دید، به تعریف نمی‌آید... عرض و طول بنای

بقعه شاید ده ذرع در پانزده ذرع باشد. در زیر یک سقف شیروانی سفالی مثل تمام بناهای رشت سه طرفش که سمت مشرق و مغرب و شمال باشد، ایوان است. یک اتاق بزرگ در وسط دارد که قبر مولانا شیخ سلیمان دارابی در وسط و صندوق چوبی بزرگ به روی آن است.  
بیگلریگی کلاه فرنگی و باعچه قشنگی ساخته است.

انزلی: ... در این باغ [باغ دولتی انزلی] سه دست عمارت دولتی است. یکی را عمارت معتمدی می‌گویند که در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، منوچهرخان معتمددالدوله برای دولت ساخته و تقریباً چهل اتاق و دلان‌ها و ایوان‌ها دارد. بنایش سه مرتبه است. یکی هم برج معروف به شمس‌العماره است و میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شهید ساخته است. یکی هم عمارت صدری است که روبروی عمارت معتمدی، لب آب دریا ساخته شده است و قونسول روس همه ساله به این عمارت صدری بیلاق می‌آید و حال آن که نه ملک دولتش است و نه مال خودش است و نه اجاره می‌کند. عمارت‌این باغ همه رو به خرابی و انهدام است. اگر تعمیر نشود، شاید تا ده سال دیگر کلیتاً معدوم شود. جز عمارت صدری که قونسول روس البته برای بیلاق خودش همه ساله تعمیر کرده، نخواهد گذاشت خراب شود.  
راه‌ها: رشت تا پیربازار: از رشت تا پیربازار هفت ورست روسی است که تقریباً یک فرسخ باشد.

پیربازار تا دهنله: ... از پیربازار تا دهنله یک فرسنگ است. تمام این راه کرجی از معبرب خیلی با صفاتی که عرض آن بیشتر از ده پانزده ذرع نیست و دو طرفش چمن و گاهی گل شقاویق و گاهی درخت کوچک جنگلی و گاهی نیز نیزار سبز است، عبور می‌کند.

از پیریازار تا انزلی چهار فرسنگ است.

... این راه که از پیریازار تا شهر رشت می‌رود و شاید یک فرسنگ و نیم باشد ... .

**پل‌ها:** لوشان به منجیل: ... سر پل لوشان که به روی رودخانه شاهرود است هم راهدارخانه و منزل سنگی روس‌ها ساخته‌اند....  
قدرتی که راه آمدیم، رسیدیم به پل منجیل که قبل از این معروف به پل شریعتمدار بود و روس‌ها به کلمه تغییر داده، آهن کرده‌اند. بسیار بسیار خوب ساخته‌اند... با کمال راحتی در کالسکه نشسته، مثل آن که در خیابان لاله‌زار گردش می‌کنیم.

**کشتی‌رانی:** انزلی: ... لُتکا و کرجی‌ها و کشتی‌های بارکش بادبانی در کناره انزلی زیاد ایستاده بود. کشتی شاهی بوقی زده، کم کم ایستاد. بزرگان و مشاهیر: «... آقا حسین پاشاخان (از محترمین اخوان و همراه ظهیرالدوله به فرنگ)، استاد عباس بنا (هنرمند)، محمد یوسف رشتی (هنرمند)، سیداسدالله باقراوف (صاحب یک مهمانخانه و از اجزای شرکت مهمانخانه و اسب و کالسکه بین راه رشت به تهران)، علی آقا، منسوب به ظهیرالاعیان آقا میراز جعفر (برادر ظهیرالاعیان)، آقا محمد حسین (پسرعموی ظهیرالاعیان)، آقارضا (پسرخاله ظهیرالاعیان)، ناصرالحكما (طیب خانواده‌ای ظهیرالاعیان)، علی اکبرخان بیگلریگی (مالک سنگر)، کنت دُمنت فُرت آنتوان (متترجم اول وزارت تشریفات)، حاجی آقارضا (یکی از علمای گیلان)، ولی خان نصرالسلطنه امیراکرم (حاکم گیلان و توالش)، حاجی میرزا سیدمهدی خان متظالم‌الملک (کارگزار امورخارجه در گیلان)، میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (وزیر خزانه و بیوتات - قبلًا حاکم گیلان بود)، عبدالحسین خان مدیرالملک،

میرزا فتح‌الله خان بیگلریگی (از محترمین رشت)، شیخ محمدحسن حسام‌الاسلام (از مجتهدین و درویش‌دوست)، میرزا یوسف‌خان (معاون دیوان، شوهر خواهر مدیرالملک)، کورکاظم (هنرمند کوری که نای هفت‌بند می‌زد)، حاجی میرزا سیدمهدي خان متنظم‌الملک (کارگزار)، حاجی نایب‌الصدر (از علماء)، حسن‌خان (هنرمند، سرهنگ معلم موزیکالچی)، اسماعیل‌خان (هنرمند کمانچه‌زن)، رمضان (هنرمند، ضرب‌گیر)، حاجی میرزا نصیر گیلانی (مالک خانه‌ای که قوی‌سول روس نشسته است)، سلیمان دارابی (درویش)، میرزا احمد‌خان متنظم‌السلطنه (آژان دیپلماتیک)، پسر میرزا محمد رئیس وزارت خارجه، میرزا خیرالله خان مقتدرالعمالک (امین تذكرة گیلانی)، میرزا عبدالله خان نواب (نایب و مترجم اول قوی‌سول‌گری روس در گیلان)، محمد‌مهدي خان (معروف به حکیم، قلندر مسلک ملاک و از خانواده‌های قدیم رشت)، شیرخان مصباح نظام سرتیپ قزاقخانه (پسر بزرگ محمد‌مهدي خان)، سید عبدالجواد مشیرالتجار قزوین (تاجر)، مرحوم حاجی محمدحسن اصفهانی امین دارالضرب (معروف به کمپانی)، حاجی عبدالغفور (ناظر و مباشر کارخانه پیله کرم ابریشم)، محتشم‌الملک (از اعیان رشت و جزو ملاکین)، متین‌الملک (برادر محتشم‌الملک و از اخوان)، مجتبی‌السفر (برادر محتشم‌الملک و از اخوان)، غلام‌علی (گاریچی)، درویش خرم (از اخوان و پیرو ظهیرالدوله که به دنبال او تا رشت و انزلی آمد)، آقا سید جلال‌الدین، آقا میرزا احمد، اعتضادالوزرا، نظرخان (عکاس ارمنی)، میرزا عباس‌خان متنظم دیوان (وزیر گیلانی)، میرزا حسن‌خان مدحت‌السلطنه (از وزارت خارجه مأمور به تفتیش تذكرة رشت)، میرزا حبیب‌الله خان تبریزی (معلم زبان فارسی مدرسه وطن رشت)،

## ۱۲۶ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

مدیرالملک، عمیدالملک (پیشخدمت ناصرالدین شاه)، معینالسلطنه (صاحب باغی به نام خودش در شالکو)، مرحوم قاسم خان والی (صاحب باغی به نام خود قبلاً در رشت سکونت داشت)، علیخان معروف به خان حاکم (پسر قاسم خان والی)، میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک (از همراهان مظفرالدین شاه به فرنگ)، نواب (صاحب باغی)، اصغرآقا (آدم حسین پاشاخان)، میرزا حسین خان مشیرالدوله (سازنده برج شمسالعماره و عمارت صدری باغ دولتی ارزلی)، حاجی میرزا آقاسی، مسیو رنی (شارژدوفر دولت انگلیس مقیم تهران)، محمودعلی، مجیرالسلطان تومنیانس، سید خطیب الایله، سید جعفر لنگرودی و ....»

(ظہیرالدولہ: صص ۵۵ - ۷۹)

## ● سفرنامه عتبات و مکه از نویسنده گمنام قاجار (سال ورود: ۱۳۱۸ هق)

گمان می‌رود نویسنده ناشناس این سفرنامه از نزدیکان ناصرالدین شاه باشد. وی سفر خود را از تهران تا بازگشت به این شهر، گزارش کرده است.

مهمان نوازی گیلانی‌ها: میزبان مشارالیه به دل و جان و رخساره شکفته و خندان پذیرایی می‌نمودند که خستگی راه و غبار کسالت او با خاطر بزدود چقدر متواضع و فروتن و مهربان و با علو نظر دیدم. بعد از نماز ... شام در اتاق دیگر خبر کردند، شام بسیار معقول پاکیزه‌ای، نه رسمانه امیرانه، قاب و قدح تمام از ظروف صورتی، طبخ‌ها در نهایت امتیاز. بعد از صرف شام، رختخواب که انداخته بودند، به طوری پاکیزه... بود که لیاقت استراحت هر امیر و وزیری داشت. خوابیدم.

غذاها: رفیم سر شام، ولی چه شام مفصل و مطبوع که الحق در این سفر ذهاباً و ایاباً همچو سفره‌ای ندیده بودم. کباب‌ها، خورش‌ها، نان‌ها، بسیار بسیار ممتاز. انواع و اقسام مجموع پلو، چند قسم تدارکات. سایر مجالس ضیافت‌های رشت، تحت الشعاع شد.

باغ‌ها: این کارخانه [پیله‌پزی] در میان باغ بزرگی است و اطراف باغ تا چشم کار می‌کند، سبزه و درخت و گل رشتی و مریم است، بی‌نهایت صفا و خضرت دارد.

کارخانه پیله: کارخانه پیله‌پزی که تلطیف ابریشم می‌کند، عجب کارخانه معتبر و مفصلی است، چقدر مرتب و منظم و دایر است، عمله‌جات و کارکنان کارخانه که به خط مستقیم از دو طرف پشت چرخ‌ها نشسته‌اند و تحقیقاً ۱۵۰ نفر عمله‌جات بودند، تماماً زن‌ها و دخترهای گیلکی بودند که

لاینقطع مشغول کشیدن ابریشم از پیله‌ها بودند. به بارگاه طرح پیله رفتیم، خروار خروار پیله بر روی هم ریخته و بعضی آن‌ها مشغول تکیک ردی از جدی بودند... و تماماً کارخانه مال مرحوم حاجی محمدحسن امین‌الضرب است که حالاً تعلق به حاجی حسین آقا، پسر آن مرحوم دارد....

عمارت‌ها: ورود به خانه جناب معین التجار شد. خانه بسیار ممتاز، اتاق تماماً فوکانی و عالی، چراغ‌ها از بالا و پست متعدد روشن، همگی چه به وضع ایرانی، چه به وضع فرنگی مابی مبل و زینت کرده، تشریفات از فواكه و حلويات خيلي به شكل ممتاز حاضر.

بزرگان و مشاهير: جماعتى از محترمين رشت با جناب آقا ملا ابوالحسن معين التجار به استقبال در پير بازار متظر بودند.

ورود به خانه معين التجار شد... عمادالاسلام آقاي شريعتمدار مجتهد رشتى که شأن وجاهتشان برتر از توصيف و نگارش است. صبح خانه حضرت آقاي شريعتمدار... رفتيم.

توصيف رشت: عجب شهرى است، شهر رشت. تمام اين ولايت سبز و خرم و با طراوت است.

(سفرنامه عتبات و مكه: صص ۲۲۵ - ۲۲۸)

#### ● سفرنامه مخبرالسلطنه

(سال ورود: ۱۳۲۱ هق)

حاج مهدی قلی خان هدایت، ملقب به مخبرالسلطنه، در سال ۱۲۸۳ ق در تهران متولد شد. وی با زبان‌های آلمانی، فرانسه، انگلیسی و عربی آشنا و مناصبی چون استانداری، نمایندگی مجلس و وزرات را عهده‌دار بود.

بزرگان و مشاهیر: بیگلریگی به کهدم آمده است. اعیان رشت به سنگ با همه برخورد فرمودند. عمیدالسلطنه، محتشم‌الملک، معین‌السلطنه، مدیرالملک، کاشف‌السلطنه، آقا سید‌مهدی امام جمعه، اعتماد‌همایون و غیره بودند... شریعتمدار آمد و رفت....

(مخبرالسلطنه: صص ۶ - ۷)

#### ● سفرنامه مکه معظمه حاج‌ملک

(سال ورود: ۱۳۲۴ هق)

حاج ملک در شوستر به دنیا آمد. بعدها به خمام مهاجرت کرد و در آن‌جا فروشگاهی بزرگ برای سقط‌فروشی و فروش گیاهان دارویی تأسیس کرد. او در سال ۱۳۲۲ هش درگذشت و در امامزاده هاشم به خاک سپرده شد.

بهای میوه: وقت اذان رسیدیم آستارا. به جهت درد سر دو دانه پرتقال از پراخود [کشتی] خریدیم، دانه‌ای سه عباسی به پول ایران و یک دانه امروز خریدیم شش عباسی.

بلیط کشتی: جناب حاجی آقا کریم رفته، بلیط پراخود [کشتی] را گرفته

## ۱۳۰ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

در اتاق پایین منزل گرفتند، نفری ۶ میان و دیگران ۷ میان گرفته. چون که جناب حاجی آقاکریم رفته بودند، ۶ میان گرفتند، بلیط صفحه را ۴ میان گرفتند.

کاروان‌سرا: در کاروان‌سرای اول منجیل منزل کرده، کاروان‌سردار محبت کرده، از این‌جا استقبال‌چی برای حاجی آقا‌بزرگ آمده، او را برداشته، روانه رستم‌آباد شدند.

سفر با درشکه: دو عدد درشکه به اتفاق آقا سید ابوالقاسم روضه‌خوان خمامی و جناب آقامیرزا ابوالقاسم روضه‌خوان خمامی در آنجا حاضر کرده، نشسته عصری را وارد رشت شده....

چاپارخانه: کاغذی به رشت نوشتم، به چاپارخانه بردیم، دادیم. سفارشی را پنج قروش می‌گیرند و غیرسفارشی را دو قروش و نیم.

بزرگان و مشاهیر: استقبال‌چی حاجی آقا‌بزرگ پسر حاجی عبدالعلی، حاجی تقی بزاز و میرزای پدرش و کربلایی آقابلا و سایرین بودند.

اربای گیلان: در باطون چیزی دارند مثل سیب‌ازمینی درشت و قرمز، پرسیدم چه هست؟ گفتند: خرمایک دانه خریدم و شکافتیم، دیدیم همان اربای گیلان است. او تخم کم دارد، گوشت زیاد، اربای گیلان تخم زیاد دارد و گوشت کم.

(حاج ملک: صص ۲۷ - ۳۲ - ۱۰۸ - ۱۰۹)

## ● سفرنامه میرزا سراج

میرزا سراج الدین، فرزند حاجی رئوف، در شهر بخارا به دنیا آمد. در جوانی به دستگاه دیوانی ایران راه یافت. وی به ایران و چند کشور اروپایی سفر کرد.

**کشاورزی:** میوه‌جات: مرکبات از قبیل لیموی ترش و شیرین، پرتقال، نارنگی، نارنج و غیره خوب به عمل می‌آید، سایر میوه‌جات درختی آن هم بسیار خوب می‌شود.

**قابلیت زمین:** زمین رشت قابل همه قسم زراعت، آبی و خشک است.

**برنج:** زراعت برنج زیاد می‌شود، برنج صدری رشت، شهره آفاق است.

**ابریشم:** پیله ابریشم هم بسیار عمل می‌آید....

**صنعت:** آسیای آتشی و آبی جدید هم ساخته‌اند، کالسکه و فایتون و اتوموبیل هم دایر شده است، تلفون و چراغ برق هم حالیه دایر کرده‌اند.

ماشین خانه‌های پنبه‌کشی و کارخانه پیله و ابریشم ساخته‌اند.... .

**صنعت دستی و مال وطن هم** حالیه باب و دایر است. تنون، تباکو و چای هم به عمل می‌آید.

**بازار:** رشت: رسته و بازار زیادی دارد، بازارهایش [رشت] خیلی آباد و سیر جمعیت است.... .

**تجارت:** تاجران روسیه و داخله [ابریشم را] خریده به فرنگستان می‌فروشند.

تجارت رشت بسیار است، ولی اغلب منفعت آن را تجارت خارجه می‌برند ... حالیه مردم ایران به علم و آموزش صنعت کوشش زیاد نموده، در تمام

شهرهای خود همه قسم مکتب‌ها و دارالعلوم‌ها گشاده‌اند.

**رشت و جمعیت آن:** رشت یکی از آبادترین و بهترین شهرهای ایران است که

با تهران برابری می‌کند... هیچ یک از شهرهای ایران لطافت رشت را ندارد.... .

جمعیت آن به قدر ۲۰۰/۰۰۰ می‌شود. مسافر و تبعه خارجه هم بسیار است. قونسولخانه‌های دول خارجه در رشت هست، ولی نفوس تبعه روس از همه آن‌ها بیشتر است.

رفاخرشناسی مردم: بنده مردمان رشت [رجبیار با هوش‌ستان](http://tajbihiar.bahoshastan.info) قابل تربیت دیدم، بنده را از رشت بسیار خوش آمد، هرگاه می‌ماندم هر کسب و کاری را پیشه می‌کرم، خوب وقت خوش می‌شد.

غذاها: خوراک اهل آن صفحات شهری و دهاتی اغلب برنج و ماهی است، گوشت صید هم بسیار یافت می‌شود، خصوصاً فصل بهار و تیرماه.

بنها و عمارت‌ها: یک دارالحکومه... اطراف سبزه‌میدان مغازه‌ها به طرح روسيه بنا نموده‌اند. تمام ادارات رشت حالیه منظم و خوش‌عمار است. عمارت‌های عالی به طرح قدیم و جدید بسیار ساخته‌اند. اعیان و تجار مملکت بسیار عمارت‌های باشکوهی دارند.... .

مردمان متمول و ملأک در رشت خیلی‌اند... در دهات و بیلاقات آن هم عمارت‌خوب دیده شد که اربابان ملک و رجال مملکت جهت خود بنا کرده بودند... بام‌های آن تمام سفال‌پوش است.... .

راه‌ها: از انزلی تا تهران یک راه شوسه بسیار خوبی درست کرده‌اند که چاپار دو روزه می‌رود، در صورت شب و روز راه رفتن. حالیه اوتومبیل هم دایر شده است.... .

با دلچانس اسپی روانه تهران شدم، راه از رشت تا به تهران بسیار آباد و سیر آمدوشد می‌باشد.... .

کوچه و خیابان‌ها: کوچه‌هایش همه سنگ‌فرش و با سنگ‌های ریزه فرش

شده که ابداً پست و بلند و ناهموار نیست. در خیابان‌های آن کالسکه هم دایر است... کوچه‌های رشت با وجود بارندگی باران که همه وقت می‌بارد، ابداً گل نمی‌شود، یعنی همه کوچه‌های آن را خوب سنگ‌فرش کرده‌اند. خیابان‌ها و بازارهای آن بسیار پاک و تمیز است.

(سراج الدین: صص ۲۹۳ - ۲۹۶)

www.tabarestan.info  
تبرستان

(سال ورود: ۱۳۳۱ هق)

#### • سفرنامه سردار ظفر بختیاری

حاج خسروخان بختیاری، ملقب به سردار ظفر، از طایفه دورکسی ایل چهارلنگ بختیاری بود. او مدتی حکومت چهارمحال بختیاری، اصفهان و کرمان را بر عهده داشت. دو کتاب خاطرات سردار ظفر بختیاری و سفر فرنگ از اوی به چاپ رسیده است.

آب و هو: صبح ۲۴ صفر مطابق دلو، حرکت نموده، برف می‌آمد، کولاک بود... در راه خیلی برف بود، متجاوز از نیم ذرع برف روی زمین بود که با هوای گیلان موجب تعجب بود... دریا خیلی سخت و کولاک است... برف همین‌طور لاینقطع می‌بارد، ۲ ساعت که از شب گذشت تا برف قطع شده...

صبح بیست و هفتم، شریف همایون در وسط سبزه‌میدان رفته با چوب اندازه برف را گرفت، یک ذرع و نیم درست برف روی زمین بود عکاسی: دیروز فرستادم عکاس آمده، سه شیشه عکس از برف برداشتیم یا به این ترتیب که وسط برف را گفتم برداشتند، آدم‌ها وسط برف ایستادند و عکس آن‌ها را برای معلوم کردن مقدار برف برداشتند.

آبادی‌ها و محله‌ها: آمدیم رستم آباد مابین رستم آباد و منجیل دهی است، در وسط جنگل، کنار جاده، موسوم به روبار... آمدیم سفید کتله... آن جا هم اسب را عوض کرده، نزدیک غروب آمدیم به کهدم... صبح سه ساعت و نیم به ظهر سوار شده به دوشنبه بازار...

هزینه‌ها: مخارج این راه برای من و همراهان که کلیه ۱۰ نفر بودیم، روزی ۲۵ تومان بود.

شکار: غروب ۱۰۰ دانه شکار، از قبیل خروس کوهی و قرقاول و آیا و غیره آوردنده و فردا شب را حکمران از من به منزل خودشان دعوت کردند...

مراسم عاشورا: مردم کمتر دیدن می‌آیند و به طور معمول عزاداری نمی‌نمایند، فقط یک دسته حرکت کرده تاشام در شهر گردش نمودند....

حوادث و سوانح: لیکن تلگراف کار نمی‌کند، به واسطه کثرت برف سیم پاره شده....

در این چند روز [برف] چند دکان و خانه را خراب کرده و چندنفر به واسطه رفتن زیر آوار و غیره کشته شدند. هیچ وقت در بیلاقات سخت در عمر خود، چنین برفی ندیده بودم، هیچ جنبدهای نمی‌توانست عبور و مرور نماید.

هتل و مهمانخانه: در مهمانخانه دوشنبه بازار پاده شده، استراحت کردیم... شب را در همان داروپ [هتل] به سربرده... پس از صرف ناهار چون هتل مرتب و مطبوع نبود، حساب هتل را خواستیم، یک شبه ۳۲ تومان جهت مخارج گرفتند، بعد به راهنمایی دکتر رفیم، هتل متروپل منزل کردیم، همه چیز این هتل بهتر از آن بود، جز اتاق‌ها که خیلی سرد بودند و بخاری نداشتند... به کلی در این مهمانخانه محبوس برف شده و از هیچ جا خبر نداریم. در این مهمانخانه هم بسیار بد می‌گزدد، بخاری ندارد،

باید اتاق‌ها را با مقل آتش و بخاری‌های دستی نفتی گرم کرد، خوراکی آن هم غیرمأکول است، لذا ترتیب صحیحی ندارد... امشب محمدصادق‌خان و مجید‌خان از بوی ذغال حالشان به هم خوردۀ خوابیدند، شام هم نخوردن.

راه‌ها: از کهدم تا رشت ۴ فرسخ است، ولی به واسطه سختی راه و کثرت برف ۷ ساعته آمده باشد... .

راه پیربازار را مشغول پاک کردن شده‌اند. ممکن است قیمتا دو روز دیگر از این راه رفت. باید با مال مسافرت شود. امین‌الاطباء هم اظهار داشت ۳ روز قبل کرجی‌ها که از پیربازار به انزلی می‌رفتند... کرجی با بار غرق شده، ۱۵ عملۀ کرجی هم غرق شدند.

اعیان و اشخاص: بعد از ناهار آقا سیدزین العابدین، پسر مرحوم آقامرتضی در هتل آمده، مرا ملاقات کردن و برای امورات و کارهای خود خواهش کردن و هنگام ملاقات توصیه و سفارش از مشارالیه خدمت حکمران بنمایم... .

تلگرافی از سردار بهادر توسط آصف‌الدوله، حکمران رشت رسیده بود که توسط تلفون ابلاغ داشتند، مبنی بر این که منتظم‌الدوله و امیر اکرم روز ۲۳ وارد تهران شده و فوری حرکت کردند.

عصر یک لشه شکار، آقای سردار امجد تالش فرستاده بودند.

(سردار ظفر: صص ۱۹۷ - ۱۹۹)

## کتاب‌نامه

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن (صنیع‌الدوله): سفرنامه صنیع‌الدوله از انگلیس به تهران، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر، ۱۳۵۶.
۲. امین‌الدوله، میرزا علی‌خان: سفرنامه امین‌الدوله، به کوشش اسلام کاظمی، تهران: توس، ۱۳۵۴.
۳. حسام‌السلطنه، ابونصر میرزا: سفرنامه طوال‌الزمان به اهتمام ابراهیم صفائی، تهران: فرهنگ عامه، ۱۳۴۸.
۴. حسینی فراهانی، میرزا محمد‌حسین: سفرنامه میرزا محمد‌حسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: فردوسی، ۱۳۶۲.
۵. حاج ملک: سفرنامه مکه معظمه، به کوشش حاج محمد جوادی، رشت: [بی‌نا]، ۱۳۸۳.
۶. سالور، عبدالصمد میرزا (عز‌الدوله): سفرنامه عز‌الدوله به اروپا، تصحیح مسعود سالور، تهران: نامک، ۱۳۷۴.
۷. سراج‌الدین (عبدالرئوف): تحف اهل بخارا، با مقدمه اسدیان، تهران: بوعلی، ۱۳۶۹.
۸. سردار ظفر (حاج خسروخان بختیاری): خاطرات حکومت اصفهان و سفر فرنگ [بی‌جا: بی‌نا، بی‌نا].
۹. سیف‌الدوله، سلطان محمد: سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفرنامه مکه)، تصحیح و تحرییه علی اکبر خداپرست، تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
۱۰. شیروانی، زین‌العابدین: بستان السیاحه، تهران: سنتی، [بی‌نا].
۱۱. ظهیر‌الدوله: سفرنامه ظهیر‌الدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، به کوشش اسماعیل رضوانی، تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۷۷.
۱۲. حکیم ناصرخسرو قبادیانی: سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران:

- زوار، ۱۳۶۳.
۱۳. گیلانی، میرزا ابراهیم؛ سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و ...، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵.
۱۴. —؛ سفرنامه عتبات و مکه، به کوشش صادق بزرگ و رسول جعفریان، تهران: میراث اسلامی ایران، دفتر پنجم، ۱۳۷۶.
۱۵. محلاتی، حاج سیاح؛ خاطرات حاج سیاح با دوره خوبخواست و حشت، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۱۶. مخبر السلطنه (هدایت، مهدی قلی)؛ سفرنامه تشرف به مکان‌بمعظمه از طریق چین، ژاپن، آمریکا، به کوشش محمد دیرسیاقی، تهران: تبرآژ، ۱۳۶۱.
۱۷. معتمدالدوله، فرهاد میرزا؛ سفرنامه فرهاد میرزا، تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبائی، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
۱۸. معصوم علیشاه، محمد معصوم (نایب الصدر شیرازی)؛ تحفة الحرمین و سعاده الدارین (سفرنامه)، تهران: بابک، ۱۳۶۲.
۱۹. مظفرالدین شاه؛ دومین سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ، به تحریر فخرالملک، تهران: کاوش، ۱۳۶۲.

## نمايه

در نمایه‌سازی این کتاب، به دلیل کثرت نام‌ها، از شیوه‌ی متداول پیروی نشده و تنها نام‌های مهم‌تر آمده است.

ا	انزلی ۲۱	۴۷، ۴۰، ۳۹، ۳۶، ۳۵۲۳، ۳۲، ۲۷، ۲۲، ۲۱
	آبادی‌ها ۱۳	۱۳، ۲۲، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۷۰، ۹۸، ۹۵، ۷۰
	۷۷، ۷۶، ۷۴، ۷۱	۵۸، ۵۸، ۵۷، ۵۷، ۵۶-۴۹
	۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۳	۹۱، ۸۹، ۸۷، ۸۳
	۱۱۳، ۱۲۰	۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۷
	اوزان و پیمانه‌ها ۸۲	
	اطلاق ۳۶، ۳۲	۲۲
	اوطلاق (رانکوه) ۲۰	
	اوطلاق (لنگرود) ۲۱	
	ایل چکنی ۳۶، ۳۲، ۳۳	
	ایل قیاس‌وند ۳۶، ۳۳	
	ایل‌ها و طایفه‌ها ۳۶	
	ابوالفضل بن علی الفیلسوف ۱۴	
	اخلاق مردمان ۱۵	
	ادارات دول خارجی ۷۵	
	اسالم ۱۶، ۱۹، ۱۲، ۱۹	۳۸، ۳۵، ۳۴، ۳۲، ۲۸، ۲۷
	بادکناروا ۵۵	۴۸، ۳۹
	بادکندقوش ۵۵	
	بادگیلاور ۵۴	
	بادها ۵۴	
	بازار ۱۳۱، ۱۱۹، ۱۱۲	۸۲، ۵۷، ۴۸، ۴۲
	بازی‌ها و ورزش‌ها ۱۲۰، ۱۱۰	۱۰۱
	بغاه ۱۲۷، ۱۱۶	۱۰۸
	برج‌ها ۹۱، ۴۹، ۴۱	۵۴
	برنج ۱۳۲	۵۱، ۱۵
	بزرگان و مشاهیر ۱۳۰	۵۹، ۵۳، ۵۱، ۱۵، ۱۴
	ع۵	۵۶۳
	امشنه ۹۸	
	امین‌الدوله ۹۷	

<p><b>تکیه دولتی</b> ۱۱۹  <b>توالش</b> ۷۷  <b>توبخانه</b> ۹۱  <b>تولم</b> ۷۵، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۲۶، ۲۲، ۱۸    <b>ج</b>  <b>جانوران</b> ۲۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹  <b>جمعیت</b> ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵  <b>جنگل‌ها</b> ۶۱  <b>جنگل نقل بر</b> ۵۶  <b>جورسر (لشت‌نشا)</b> ۹۸</p>	<p><b>ب</b>  <b>بقدنه‌ها</b> ۷۹، ۵۷، ۶۴  <b>بقعه آقا سید ابو جعفر</b> ۷۹  <b>بقعه آقافخر</b> ۷۹  <b>بقعه آقا میر شهید</b> ۷۹  <b>بقعه چله‌خانه</b> ۷۹  <b>بقعه خواهر امام رشت</b> ۷۹، ۵۷  <b>بلالم</b> ۳۴  <b>بنها</b> ۱۱۳، ۱۰۲، ۹۶، ۸۹، ۵۷، ۴۰  <b>بندر چونشینان</b> ۱۰۲، ۹۸  <b>بیماری‌ها</b> ۹۴، ۵۲، ۵۱، ۱۵</p>
<p><b>چاپارخانه‌ها</b> ۱۳۰، ۱۰۲، ۸۸، ۵۸  <b>چارقه سر</b> ۲۳  <b>چای</b> ۱۰۷  <b>چشممه‌ها</b> ۶۷، ۱۷</p>	<p><b>پ</b>  <b>پرنده‌گان</b> ۱۰۶، ۲۱  <b>پشم (روسما)</b> ۱۱۳  <b>پل رشت</b> ۵۹  <b>پل سفیدرود</b> ۵۹  <b>پل سیاه‌رود</b> ۹۲، ۵۹  <b>پل لوشان</b> ۹۱، ۵۸  <b>پل منجیل</b> ۱۱۴، ۹۲، ۵۹، ۵۸  <b>پل‌ها</b> ۱۰۴، ۹۵، ۹۱، ۵۸، ۵۲، ۴۳، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۴۷، ۴۸  <b>پیر بازار</b> ۸۸، ۸۶، ۸۲، ۵۴، ۵۱، ۵۰  <b>پیشواز</b> ۱۱۱، ۱۰۰</p>
<p><b>حاج سیاح محلاتی</b> ۶۱  <b>حاج ملک</b> ۱۲۹  <b>حاجی بکنده</b> ۱۰۳  <b>حرفه‌ها</b> ۳۱  <b>حسام‌السلطنه</b> ۶۴  <b>حکام</b> ۷۷، ۷۵، ۳۸  <b>حکومت و مردم</b> ۹۹  <b>حمام‌ها</b> ۱۲۰، ۹۱  <b>حوادث</b> ۱۱۴، ۱۱۱، ۹۳، ۹۲، ۳۰  <b>حوق</b> ۵۰، ۴۸</p>	<p><b>ت</b>  <b>تالش</b> ۱۱۰  <b>تالش‌دلاپ</b> ۴۴، ۴۹، ۴۷، ۴۸، ۴۴، ۴۳، ۴۹، ۴۷، ۴۸، ۴۳، ۴۲، ۴۱  <b>تجارت</b> ۱۳۱، ۸۲، ۵۲، ۴۸، ۳۴، ۱۵</p>
<p><b>خ</b>  <b>خانابر</b> ۳۰</p>	<p><b>تعزیه‌خوانی</b> ۱۱۹  <b>تکایا</b> ۸۱، ۳۶</p>

۱۴۰ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحتان ایرانی

رودبار	۷۰، ۵۸، ۴۹ - ۴۷، ۳۲، ۲۲، ۲۱	خشکرود	۳۰
	۱۱۸، ۸۲، ۷۶	خطبه‌سرا	۴۸، ۴۷
رودبار زیتون	۷۶، ۳۹، ۲۴	خمام	۱۱۳
رود پلورود	۳۰		
رودخانه‌ها	۱۱۶، ۹۷، ۱۷، ۱۳	د	
رود خشکرود	۱۷	دامداری	۳۲
رود سپیدرود	۱۴	درختان	۲۰، ۵۵، ۵۶، ۵۸
رودس	۴۴، ۳۱، ۳۴، ۳۵	دره سپیدرود	۱۴
برز الخیار	۱۳	دریاچه‌ها	۱۰۶، ۷۰
خرزویل	۱۳	دریایی خزر	۸۶، ۷۰
ختنان	۱۳	ذذبن	۲۹
		دکان‌ها	۸۲
		دوست‌کوه	۳۰
سبزه‌میدان (لشت‌نشا)	۹۸	دوشنبه بازار	۱۱۲، ۹۶
سردار ظفر بختیاری	۱۲۳	دیلمان	۷۵، ۳۹، ۳۵، ۳۳، ۳۱
سرخانی	۱۷	دین و مذهب	۲۲
سفیدرود	۳۰	دیوشل	۹۰، ۷۷، ۷۴
سفید کتله	۵۶		
سمیران	۷۰		
سنگر	۱۱۹، ۱۱۲، ۱۰۴، ۸۲، ۵۷	رانکوه	۷۵، ۴۱، ۴۰
	۱۷	راه‌ها	۱۰۴، ۸۴، ۵۴، ۵۳، ۵۸، ۴۵، ۴۱، ۱۴
سیاه رودبار	۱۷		۱۳۵، ۱۳۲، ۱۲۳، ۱۱۸
سیاه رود	۴۴	رحمت‌آباد	۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶
سیاه‌کلکرود	۲۲، ۱۸		۷۶، ۴۸، ۳۶، ۳۳
سیف الدوله	۴۵	رستم‌آباد	۷۷، ۷۰، ۵۸، ۵۷، ۴۹ - ۴۷، ۳۳
سیما و چهره	۵۲، ۵۰، ۱۵		۱۲۲، ۱۱۷، ۱۱۳، ۱۰۶، ۸۹
		رشت	۴۰، ۳۸، ۳۷، ۳۱ - ۲۹، ۲۳، ۲۰ - ۱۵
شاندرمن	۳۹، ۲۲		۷۱، ۵۶، ۵۴، ۵۷، ۵۲، ۵۰، ۴۸ - ۴۶
شاھرود	۱۳		۹۱، ۸۹، ۸۸، ۸۳ - ۸۱، ۷۷، ۷۵، ۷۴، ۷۲
شفت	۷۶، ۳۹، ۳۸، ۳۵، ۳۳ - ۳۱، ۲۵، ۲۱		۱۱۴، ۱۱۲ - ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۹۹، ۹۲
شکار	۱۳۴، ۱۱۰، ۵۰		۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۲ - ۱۲۰، ۱۱۸ - ۱۱۶
			۱۳۲، ۱۱۷، ۵۲
		رفتارشناسی مردم	

قلعه شن دان	۴۹، ۴۸	شلمان رود	۱۸
قلعه لیسار	۴۹	شیروانی	۱۵
قومیت	۵۰	ص	
قونسول	۶۲	صنایع دستی	۱۲۱، ۸۳، ۵۱، ۴۶، ۳۱
قونسول خانه	۱۱۷	صنعت	۱۳۱
قهوه خانه ها	۹۵	صنعت امدادی	۵۱
کارخانه ها	۱۰۹، ۱۰۸	صید	۱۱۰، ۸۳، ۵۷، ۳۰
کارخانه پله	۱۲۷		
کارگاه ها	۸۳، ۴۶		
کاروان سراها	۱۳۰، ۱۱۷، ۸۸، ۶۲، ۵۷	ظ	
کاروان سرای امامزاده هاشم	۱۲۲	ظهیر الدوّلہ	۱۱۶
کپور چال	۴۷، ۳۳، ۳۱		
کرگان رود	۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۳۵-۳۲، ۳۸، ۳۹	ع	
کشاورزی	۱۳۱، ۱۰۷، ۵۷، ۴۷	عزال الدوّلہ	۵۲
کشتی	۱۲۹، ۸۶، ۵۸	عکاسی	۱۳۳
کشتی رانی	۱۲۴، ۸۶، ۵۵، ۵۳، ۵۱	عمارت ها	۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۲
کشتی سازی	۵۳	عمارلو	۷۶، ۳۹، ۳۶، ۳۳، ۳۲، ۲۴، ۲۲، ۲۰
کنسول روس	۶۴		
کنسول های رشت	۵۲		
کنف	۱۰۷	غ	
کوچصفهان	۳۴	غارها	۲۰
کوه دلپک	۵۵	غازیان	۷۳، ۵۶، ۳۱
کوهها	۶۹، ۵۵، ۱۹	غذاها	۱۳۲، ۱۲۷، ۹۹، ۵۶
کهدم	۱۱۸، ۹۸، ۷۷، ۷۱	ف	
کیسم	۳۴	فرهاد میرزا	۵۴
کیکلایه	۴۰	فونمن	۴۰، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۱۸
گراف رود	۳۰	ق	
		قاسم آباد	۳۲، ۲۲، ۲۱
		قاریق رانی	۱۱۴
		قلعه ها	۷۰، ۴۹، ۱۴
		قلعه خزان	۵۸
		قلعه شمیران	۱۴

۱۴۲ / گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی

<table border="0"> <tbody> <tr><td>معماری</td><td>۶۲</td></tr> <tr><td>منجیل</td><td>۷۴، ۵۶، ۵۵، ۴۸، ۴۷، ۴۳، ۳۸، ۱۷</td></tr> <tr><td>۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰</td><td>۸۸، ۸۲</td></tr> <tr><td>۱۱۷، ۱۱۴</td><td></td></tr> <tr><td>موقعیت جغرافیایی</td><td>۶۶، ۵۴، ۴۵، ۱۶</td></tr> <tr><td>مهمان خانه‌ها</td><td>۱۳۶، ۱۲۲، ۱۱۷</td></tr> <tr><td>مهمان نوازی گیلانی‌ها</td><td>۱۲۷</td></tr> <tr><td>نهان شنthe</td><td>۷۳، ۵۵، ۳۳، ۳۲</td></tr> <tr><td>میرزا سراج</td><td>۱۳۷</td></tr> <tr><td>میرزا محمدحسین فراهانی</td><td>۶۶</td></tr> <tr><td>میوه‌ها</td><td>۱۲۹</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>ن</td><td>۹</td></tr> <tr><td>نایب‌الصدر شیرازی</td><td>۹۵</td></tr> <tr><td>نقل بر</td><td>۱۱۸، ۶۸</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>و</td><td>۹۴</td></tr> <tr><td>ورزا جنگ (جنگ ورزوها)</td><td>۱۱۰، ۱۰۱</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>ه</td><td>۵</td></tr> <tr><td>هاشم آباد</td><td>۵۲</td></tr> <tr><td>هتل‌ها</td><td>۱۳۴</td></tr> <tr><td>هرزه‌بیل</td><td>۱۱۳، ۱۰۷</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>ی</td><td>۳۶</td></tr> <tr><td>سیلاق‌ها</td><td>۲۸، ۲۷</td></tr> </tbody> </table>	معماری	۶۲	منجیل	۷۴، ۵۶، ۵۵، ۴۸، ۴۷، ۴۳، ۳۸، ۱۷	۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰	۸۸، ۸۲	۱۱۷، ۱۱۴		موقعیت جغرافیایی	۶۶، ۵۴، ۴۵، ۱۶	مهمان خانه‌ها	۱۳۶، ۱۲۲، ۱۱۷	مهمان نوازی گیلانی‌ها	۱۲۷	نهان شنthe	۷۳، ۵۵، ۳۳، ۳۲	میرزا سراج	۱۳۷	میرزا محمدحسین فراهانی	۶۶	میوه‌ها	۱۲۹	ن	۹	نایب‌الصدر شیرازی	۹۵	نقل بر	۱۱۸، ۶۸	و	۹۴	ورزا جنگ (جنگ ورزوها)	۱۱۰، ۱۰۱	ه	۵	هاشم آباد	۵۲	هتل‌ها	۱۳۴	هرزه‌بیل	۱۱۳، ۱۰۷	ی	۳۶	سیلاق‌ها	۲۸، ۲۷	<table border="0"> <tbody> <tr><td>گسگر</td><td>۷۶</td></tr> <tr><td>گیاهان</td><td>۱۰۷، ۹۸، ۵۲، ۵۵</td></tr> <tr><td>گیل‌دولاب</td><td>۳۵، ۲۷، ۲۲، ۱۶</td></tr> <tr><td>گیل‌گسکر</td><td>۳۹، ۳۳، ۳۱، ۲۲</td></tr> <tr><td>گوهروود</td><td>۱۷</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>ل</td><td>۴۴، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۳۱، ۲۳، ۲۱</td></tr> <tr><td>لاهیجان</td><td>۱۶</td></tr> <tr><td>لشتنشا</td><td>۹۸، ۹۷، ۷۵، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۱۶</td></tr> <tr><td>لنگرود</td><td>۸۳، ۷۷، ۴۴، ۴۰، ۳۸، ۳۴، ۳۱، ۳۰</td></tr> <tr><td>لوشان</td><td>۱۰۴، ۹۷</td></tr> <tr><td>لیارستان</td><td>۲۳</td></tr> <tr><td>لیموچا (لشتنشا)</td><td>۱۰۰</td></tr> </tbody> </table> <table border="0"> <tbody> <tr><td>م</td><td>۳۹</td></tr> <tr><td>ماسابل</td><td>۷۶، ۳۱</td></tr> <tr><td> MASOLLE</td><td>۳۸</td></tr> <tr><td>مجتهدان</td><td>۱۲۵، ۹۸، ۷۲، ۷۳</td></tr> <tr><td>محله‌ها</td><td></td></tr> <tr><td>مخبر‌السلطنه</td><td>۱۲۹</td></tr> <tr><td>مدارس</td><td>۱۱۸</td></tr> <tr><td>مدارس دینی</td><td>۷۸</td></tr> <tr><td>مذهب</td><td>۵۰، ۱۵</td></tr> <tr><td>مراسم عاشورا</td><td>۱۳۶</td></tr> <tr><td>مراکز حکومتی</td><td>۷۵</td></tr> <tr><td>مرداب‌ها</td><td>۱۰۶، ۹۷، ۷۰</td></tr> <tr><td>مرکبات</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>مسجد</td><td>۷۸</td></tr> <tr><td>مسکن</td><td>۱۵</td></tr> <tr><td>مظفر الدین شاه</td><td>۱۰۶</td></tr> </tbody> </table>	گسگر	۷۶	گیاهان	۱۰۷، ۹۸، ۵۲، ۵۵	گیل‌دولاب	۳۵، ۲۷، ۲۲، ۱۶	گیل‌گسکر	۳۹، ۳۳، ۳۱، ۲۲	گوهروود	۱۷	ل	۴۴، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۳۱، ۲۳، ۲۱	لاهیجان	۱۶	لشتنشا	۹۸، ۹۷، ۷۵، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۱۶	لنگرود	۸۳، ۷۷، ۴۴، ۴۰، ۳۸، ۳۴، ۳۱، ۳۰	لوشان	۱۰۴، ۹۷	لیارستان	۲۳	لیموچا (لشتنشا)	۱۰۰	م	۳۹	ماسابل	۷۶، ۳۱	MASOLLE	۳۸	مجتهدان	۱۲۵، ۹۸، ۷۲، ۷۳	محله‌ها		مخبر‌السلطنه	۱۲۹	مدارس	۱۱۸	مدارس دینی	۷۸	مذهب	۵۰، ۱۵	مراسم عاشورا	۱۳۶	مراکز حکومتی	۷۵	مرداب‌ها	۱۰۶، ۹۷، ۷۰	مرکبات	۱۵	مسجد	۷۸	مسکن	۱۵	مظفر الدین شاه	۱۰۶
معماری	۶۲																																																																																																				
منجیل	۷۴، ۵۶، ۵۵، ۴۸، ۴۷، ۴۳، ۳۸، ۱۷																																																																																																				
۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰	۸۸، ۸۲																																																																																																				
۱۱۷، ۱۱۴																																																																																																					
موقعیت جغرافیایی	۶۶، ۵۴، ۴۵، ۱۶																																																																																																				
مهمان خانه‌ها	۱۳۶، ۱۲۲، ۱۱۷																																																																																																				
مهمان نوازی گیلانی‌ها	۱۲۷																																																																																																				
نهان شنthe	۷۳، ۵۵، ۳۳، ۳۲																																																																																																				
میرزا سراج	۱۳۷																																																																																																				
میرزا محمدحسین فراهانی	۶۶																																																																																																				
میوه‌ها	۱۲۹																																																																																																				
ن	۹																																																																																																				
نایب‌الصدر شیرازی	۹۵																																																																																																				
نقل بر	۱۱۸، ۶۸																																																																																																				
و	۹۴																																																																																																				
ورزا جنگ (جنگ ورزوها)	۱۱۰، ۱۰۱																																																																																																				
ه	۵																																																																																																				
هاشم آباد	۵۲																																																																																																				
هتل‌ها	۱۳۴																																																																																																				
هرزه‌بیل	۱۱۳، ۱۰۷																																																																																																				
ی	۳۶																																																																																																				
سیلاق‌ها	۲۸، ۲۷																																																																																																				
گسگر	۷۶																																																																																																				
گیاهان	۱۰۷، ۹۸، ۵۲، ۵۵																																																																																																				
گیل‌دولاب	۳۵، ۲۷، ۲۲، ۱۶																																																																																																				
گیل‌گسکر	۳۹، ۳۳، ۳۱، ۲۲																																																																																																				
گوهروود	۱۷																																																																																																				
ل	۴۴، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۳۱، ۲۳، ۲۱																																																																																																				
لاهیجان	۱۶																																																																																																				
لشتنشا	۹۸، ۹۷، ۷۵، ۳۹، ۳۳، ۳۱، ۱۶																																																																																																				
لنگرود	۸۳، ۷۷، ۴۴، ۴۰، ۳۸، ۳۴، ۳۱، ۳۰																																																																																																				
لوشان	۱۰۴، ۹۷																																																																																																				
لیارستان	۲۳																																																																																																				
لیموچا (لشتنشا)	۱۰۰																																																																																																				
م	۳۹																																																																																																				
ماسابل	۷۶، ۳۱																																																																																																				
MASOLLE	۳۸																																																																																																				
مجتهدان	۱۲۵، ۹۸، ۷۲، ۷۳																																																																																																				
محله‌ها																																																																																																					
مخبر‌السلطنه	۱۲۹																																																																																																				
مدارس	۱۱۸																																																																																																				
مدارس دینی	۷۸																																																																																																				
مذهب	۵۰، ۱۵																																																																																																				
مراسم عاشورا	۱۳۶																																																																																																				
مراکز حکومتی	۷۵																																																																																																				
مرداب‌ها	۱۰۶، ۹۷، ۷۰																																																																																																				
مرکبات	۱۵																																																																																																				
مسجد	۷۸																																																																																																				
مسکن	۱۵																																																																																																				
مظفر الدین شاه	۱۰۶																																																																																																				

## *The Guilan In Iranian Explorers' Travel Accounts*

*As a part of the culture and literature of each nation, travelouges are considered as a literary genre.*

*Variate dimensions of ethnic lives in special geographical or chronological situations would be pictured through taking notes of the events during the journey, recording of the observations or paying attention to the different social, cultural and economical characteristics. So, travelonges, from different perspectives, are valuable and considerable.*

*The present book introduces the different social, cultural, political and climatic aspects of Guilan province, in travelouges of iranian explorers.*

*The author doesn't aim at the investigation of travelouges or interpretation of the subject and he content with the direct presentation of due subjects and their subjective categorization.*

*In this book, 20 travelouges of explorers, have been introduced and categorized; according to their subjects.*

*Although some of these works are not titled as travelouges, since they are the reports and memories of the author's journeys, they can be included in this genre.*

*The Guilan In Iranian  
Explorers' Travel Accounts*

*Houshang Abbasi*

Second edition 2011  
Nashr-e Farhang-e Ilia  
Faramarz Talebi 2011  
Rasht P.O. Box 1357  
[www.nashreilia.com](http://www.nashreilia.com)  
E.mail: [nashreilia@yahoo.com](mailto:nashreilia@yahoo.com)  
Printed in Iran

*The Encyclopedia of Guilan  
Culture and Civilization*

8

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## Guilan In Iranian Explorers' Travel Accounts

Houshang Abbasi

